

د مصطفیٰ عمرزی په زیار



ملی رسالت
Ketabton.com

(د محمد طارق بزگر کارنامې)

د لوی خدای په نامه

د دعوت نشرېې د يو دیرشم کاليزې په وياړ
به افتخار سی و یکمین سال نشریه ی دعوت

ملي رسالت / رسالت ملی

(د محمد طارق بزگر کارنامې / کارنامه ی محمد طارق بزگر)

د مصطفی عمرزی په زیار

کتاب پیژندنه

نوم: ملي رسالت / رسالت ملی
راتولونه، تنظیم او بیاکتنه: مصطفی عمرزی
سمونه: م.ع-م.ط.ب
دیزاین: م.ع
ژبې: پشتو او دری افغانی
مخونه: 203
خپرونکې: م.ط.ب
د چاپ شمیره: لمړی
چاپځی: کی یف-اکراین
ټوکې: 1000
کال: 2019/۱۳۹۸

ISBN: 978-82-691395-3-2

د دې کتاب د چاپی، انلاین او هر ډول خپراوي خوندي دي!

پہ دی کتاب کی:

- 1.....۱- رسالت ملی
- 5.....**لمری خپرکی / محمد طارق بزرگ**
- 5.....۲- حبیب اللہ غمخور
- 21.....۳- محمد نقیب ترہ خیل
- 24.....۴- قدرت اللہ ہیوادپال
- 27.....۵- محمد سرور و کیلی
- 28.....۶- امرالدین سرحد
- 29.....۷- استاد کم باور کابلی
- 30.....۸- پوهنمل رحمت خواکمن
- 32.....**دویم خپرکی / دعوت**
- 32.....۹- مصطفیٰ عمرزی
- 34.....۱۰- سراج الحق بیرک زی خدران
- 40.....۱۱- کانیدیای اکادمیسین استاد محمد اعظم سیستانی
- 46.....۱۲- عبدالغفار جُبیر
- 48.....۱۳- قریب الرحمن سعید
- 51.....۱۴- محمد آصف ننگ
- 54.....۱۵- سردار ولی پشتون زوی
- 56.....۱۶- شاہی سعادت
- 58.....۱۷- استاد کاظم بیمار نگرہاری
- 60.....۱۸- شکریہ بارکزی
- 61.....۱۹- داکتر حضرت عمر زاخیلوال
- 63.....۲۰- داکتر نبی مصداق
- 66.....۲۱- محمد نقیب ترہ خیل
- 68.....۲۲- زاہد جلالی
- 70.....۲۳- داکتر محمد نواب ویساند
- 73.....۲۴- دکتور محمد عثمان روستار ترہ کی
- 75.....۲۵- فہیم نظیمی
- 76.....۲۶- بیکسیار
- 79.....۲۷- داکتر جمشید سمون

- ۲۸- اجمل روہی..... 83
- ۲۹- سرلوخ مرادزی..... 85
- ۳۰- دکتور استاد سید خلیل اللہ ہاشمیان..... 87
- ۳۱- پوهاند داکتر محمد حسن کاکر..... 89
- ۳۲- داکتر عبدالصمد حامد..... 93
- ۳۳- ہلمند پردیس..... 95
- ۳۴- استاد صباح..... 97
- ۳۵- استاد ابوبکر ساپی..... 102
- ۳۶- محمد امین بسمل..... 103
- 106..... **دریم خپرکی / پیغامونه**
- ۳۷- ولی اللہ ملکزی..... 106
- ۳۸- استاد عمر پاخون..... 108
- ۳۹- داکتر صلاح الدین سعیدی..... 109
- ۴۰- نجم شینواری..... 110
- ۴۱- عظیم الدین علیمی..... 111
- ۴۲- استاد صباح..... 112
- ۴۳- داکتر لطیف یاد..... 113
- ۴۴- عاشق فنا..... 114
- ۴۵- ف. ہیرمند..... 115
- ۴۶- انجنیر فضل احمد افغان..... 117-116
- ۴۷- د ادیسی ادبی تولنی پیغام..... 118
- ۴۸- نیک ہدایت خاخی..... 120
- ۴۹- محمد ایاز نوری..... 121
- ۵۰- استاد محمد اسمعیل یون..... 123
- ۵۱- د زلمو پاخون تولنه..... 126
- ۵۲- محمد یوسف هیواد دوست..... 130
- 132..... **خلورم خپرکی / د بزگر خیره**
- ۵۳- در مستند نارویژی «پناهنده»..... 132
- ۵۴- در مطبوعات غربی..... 136

- ۵۵- ستایش در انجمن فرهنگ افغانی.....148
- ۵۶- ستایش در برنامه ی تلویزیونی ستاره های درخشان.....150
- ۵۷- ستایش در انجمن خیزش جوانان در سویدن.....153
- ۵۸- در گزارش تلویزیون ناروی.....154
- ۵۹- ستایش نامه ها.....155
- ۱۶۳..... پنجم خپرکی / د دعوت نوستالژی.....163
- ۱۸۶..... شپرم خپرکی / د انخورونو البم.....186
- ۲۰۰..... معرفی مصطفی عمرزی.....200

رسالت ملی (مقدمه)

بی جا نیست اگر اذعان شود مواضع ملی ما از شروع تاریخ بحران (هفت ثور) تا کنون، افغان‌های بی طرف بوده‌اند. در این جریان، رفقای خاین که از امکانات دولتی، به جا مردم می‌افتند، در برابر خود در جبهاتی که از خشم ملت ساخته بودند، افغان‌ها را بسیج می‌کردند تا از کشور دفاع کنند. از همان زمان، سلسله‌ای از آدرس‌ها از گذشته، آینده و سرنوشت ما می‌گفتند. در این میان، آدرس‌هایی که با دیگران/بیگانه‌گان گره خورده بودند، حتی در خط مقاومت ملی مردم، شبیه رفقای عمل می‌کردند که آرامش خاطر را در کنار روس‌ها پنداشته بودند. برادران اخوانی تنظیم‌هایی که از شکم سیری میل کرده بودند از طریق افغانستان به بهشت بروند، آسایش افغان‌هایی را می‌گرفتند که دنبال تفهیم مسئله‌ی ملی می‌شدند.

رهبران مردمی که حول شاه پیشین، زنده یاد اعلی حضرت شاه محمد ظاهر(رح) گرد می‌آمدند، در دستان بسته‌ی شاه مرحوم، ریسمان‌هایی را می‌دیدند که ساخت شرق و غرب بودند. در آن سال‌ها، حتی طرح ملی موضوعات، گونه‌ای از تکفیر شمرده می‌شد. بازار الحادی و جهادی از کیسه‌های غربی و شرقی تمویل می‌شدند. بنا بر این، حاکمیت دولتی، مثل منافع شوروی بود و جهاد افغان‌ها در خط اخوانیسم، از مردم و منافع ما دورتر می‌رفت. سخن از رفیق و برادر بود، اما ذهنیت افغان‌پابرجا که مسئله‌ی ملی را دوباره روی کار آورد، طیف دیگری از افغان‌ها را متحد می‌کرد که در هجرت می‌زیستند.

نشرات داخلی با اباطیل دولتی و نشرات بیرونی، به ویژه در جبهات تنظیم‌ها، پُر از تضاد و تناقض حامیان الحاد و توحید بودند. تورق تاریخ آن روزها خلاف برداشت‌های چپی و راستی، محرز می‌کند محرکه‌گیران تنازع، مَهره‌های بازیگرانی بودند که با عقب و جلو، بگیر و ببند، فتح و سقوط شهرها در کمال راحتی و آرامش، در جلسات شرقی و غربی گرد می‌آمدند تا از همدیگر باج بگیرند یا به بهانه‌ی جنگ، صلح کنند.

ملی رسالت / 2

در واقع یافت تصویر واقعی مردم قربانی ما در آئینه ای متصور بود که خود آنان ساخته بودند. رسالت ملی محمد طارق بزرگ، بخشی از علائق انسانی، شریفانه و ملی افغان هایی ست که در دیار هجرت، در پشت جبهات جنگ و فراموشی، مردم را به یاد افغانستان می انداختند. آن وطن، تداعی روز هایی بود که آزاد بودند.

تلقین حس ملی به طیفی که در گیر و دار قربانی می دادند و در سوی دیگر در دیار هجرت، از اصل گسسته می شدند، سعی ای بود که در کورسوی درک همه گانی، اما مجریان و قربانیان جنگ را به باور های ملی، نزدیک می کرد.

تا پایان حکومت ملا برهان الدین ربانی، منافع و مصالح ملی، قربانی موضع گیری هایی شده بودند که به اصطلاح در حد سگ جنگی های داخلی، گروه های متخاصم را به جان هم می انداختند تا با اشغال چند منطقه و ساحه ی ویران، از فتوحات دم بزنند.

امید های مردم با حاکمیت تنظیمی نابود شدند. بنا بر این، روشنگری هایی که همچنان هویت افغانستان را از لجن پی آمد تجاوز شوروی بیرون کنند، افغان های بی طرف، اما صاحب درک را به قربانی و ایشار بیشتر می کشاندند.

کتاب «رسالت ملی»، روایت مستند از زنده گی یک فرزند با درک و با وجدان این کشور است. من در این تجربه در انظار بزرگانی که این جریان (دعوت محمد طارق بزرگ) را بهتر از من می شناختند، به نقاط پایان نکات مهم رسیدم. این افاده، خوب تر از آن چه سعی می کردم از منظر احاطه ی من به تاریخ، بخشی از رسالت ملی یک افغان را تاریخی کند، اهمیت دارد.

راویان «رسالت ملی»، ماخذ و منابع این کتاب اند. از کوچک ترین ها (به لحاظ سن) تا بزرگ ترها (به لحاظ دانایی) مستندی از زنده گی مردی پرداخته شده است که در نمونه های او، بسیار نیستند. بخشی از این روایت برای من که در جریان جهاد بزرگ در کابل غمین، تکاپوی رفقای خاین را شاهد بودم، ضم مهم است؛ پشت جبهه ای که از پاکستان تا فراسوی مرزها، افغان های دردمند را در سوگ وطن در مجامع مهاجران و پناهنده گان گرد می آورد تا در فراق کاشانه عزا

ملی رسالت / 3

بگیرند، اما یاد شان نرود سرنوشت مملکت در گرو افکاری ست که یکی با دعوت دیگری از زنگاره های باد و بوران تاریخ می زدودند. تامل روی برگ های دعوت، خلاف برداشت دیگران، صورت حال صفای افغان هاست. در این کوشش در هجرت سعی می کردند هستی و زنده گی از حافظه ی افغان ها فراموش نشوند.

روایت سیاسی، جهادی و خبری سال های بحران، قسم معمول نشرات افغانی، به ویژه افغان های مهاجر بود، اما ویژه گی بسیاری آن ها با ترسیم اصالت های زمان صلح، از نگرانی دایم حرف می زد. محمد طارق بزگر در مجموعه ای از نوشته هایی که به مناسبت های دعوت، پیرامون او و نشریه اش نوشته اند، حضور محسوس تاریخی دارد. بر این اساس ترجیح دادم به حرف دوستان و بزرگانی گوش دهم که بسیاری در شمار افغان های مهاجر، خیلی بهتر از برداشت من از کارنامه ی او می دانند: قیمت سال ها ایثار و دردسر فرهنگی در دیار هجرت، چه قدر است؟

راویان کتاب «رسالت ملی»، رسالت ملی محمد طارق بزگر را مشروح کرده اند. کار من در این اثر، بیشتر تنظیم نقش ها، نگاره ها و نوشته هایی بود که گزیده ای از دعوت ملی، اسلامی و افغانی ما برای تحفظ سرزمین آبایی و اجدادی نیز شمرده می شوند.

آشنایان دعوت و دوستان بزگر با شرح موقوف بخشی از گذشته ی ایثار یک فرزند باوجدان این کشور، راه گشایند تا در این مثال، بازخوانی تاریخ غیر سیاسی افغان ها هم که رابطه ی منطقی آنان با قبل از هفت ثور است تفهیم کند: نیاز به گردآوری و تنظیم تاریخی داریم که در برگ های زمان هجرت در هر جا که قدم افغان های دردمند، شروح مهاجرت هستند، با محتوای ملی به چشم می خورند.

در این کتاب، گزیده ای از نگرانی های افغان های آگاه در واقع ابواب نو می گشایند تا از عواطف، درک و احساسات ملت که در حاکمیت های کمونیستی، تنظیم و ملایی، اما حق حیات ما را فراموش نکرده بودند، به پیام هایی ملحق شوند که از مجموعه ی آن ها صدای ملت افغان در هرج و مرج سیاسی، زیر فشار های شرق و غرب، هرگز خاموش نشد.

ملي رسالت / 4

نوشته های این مجموعه، گزیده هایی از وقت و ناوقت مناسبت های دعوت و بزرگ می باشند؛ عواطف گره خورده ی درهم که غایه ی آن ها شرح ماجرای رسالت ملی است؛ آن ها را در مقام تبیین نیازها، منافع، مصالح و اولویت های ما قرار می دهند.

مبدأ، محتوا، ارزش و تداوم نوشته های فرهنگیان و قلم به دستان، این کتاب را در نتیجه ای مختص می کنند که منظور آنان از کار فرهنگی، غایه ی خدمت به مملکت و حفظ شوونات آن است.

رسانه ی دعوت و محمد طارق بزرگ، دو نام پیوسته به هویت و مملکت ما در سال هایی شناخته می شوند که سرمایه های کلان مالی و بشری در جبهات شرق و غرق، حیف و میل می شدند.

مرور دعوت تاریخی مردم ما آشکار می کند اگر این محورها (امثال دعوت و بزرگ) نبودند، زاده گان زمینه ی جنگ و ویرانی در منظر تار و تاریک حیات محکوم به فنا، چه گونه آگاه می شدند که گذشته دارند و بخشی از آنان با هجرت در دیار غربت فراموش نکنند افغان استند!

مصطفی عمرزی

۱۳۹۷/۸/۱۱ ش

آپارتمان های مارکیت ملی

کابل - افغانستان

لمړی څپرکی:
محمد طارق بزگر

د محمد طارق بزگر د دعوت جريدې
او ويب پاڼې مسوول مدير لنډ ژوندليک
حبيب الله غمخور

د پښتو ادب ستوري الفت صاحب د دې ښکلي شعر په لورپيښ سره
زمور د دې ځوان او هڅاند فرهنگي شخصيت، ليکوال، او ژورناليست
ښاغلي محمد طارق بزگر لنډه پېژنده پيلوم.

د وطن د شرف سپريم نه وېرېزم
که د تورو گذارونه دم په دم خورم
دا خوږي، غوږي کولي دې وي د نورو
د وطن د دفاع کښي زه گولي د بم خورم
چې په سر مې د وطن خدمت منلی
څه پروا ده که خپل سر لکه قلم خورم
د ښاغلي محمد طارق بزگر زمور تکړه ليکوال او فرهنگي څېرې ۲۳
کلن فرهنگي او ولسي چوپړ يادغونډي ته ئي ډالی کوم.

د پيل خبري:
دراڼه لوستونکي خبر دی چې د سويډن پلازمېنه ستوکهلم په ښار کي
زمور د ځوانانو د ((زلمو پاڅون ټولني)) لخوا د ځوان فرهنگي څېرې د
علمي او فرهنگي چوپړ د درنښت په وياړ د روان کال د دسمبر پر لسمه
يوه درنه غونډه رابللي ده.

يا خو ښاغلی محمد طارق بزگر صاحب ځوانه فرهنگي څېره ده او يا
خو لا مور تر اوسه دې کچې ته نه يو رسېدلې چې د خپلو شخصيتونو
ژوندليک ولرو. د غونډو د معمول او دغې تشې د ډکېدو په موخه مې
پرېکړه وکړه د خپل دې فرهنگي دوست د پېژندليک د مانۍ ډبره
کښېرم.

پدې پوره باور لرم چې د بزگر صاحب ژوندليک به تر دې چې ما
ليکلی څو ځله اوږد او لوستل به ئي زمور ځوان نسل ته گټور وي. سره

ملي رسالت / 6

له دې چې د ښاغلي طارق بزگر صاحب د کار او فرهنگي چوپړ سره به ډير هيوادوال اشنایي ولري، خو د دې ليکنې نه زما موخه داده چې له يوې خوا مې د هغه زيار او زحمت ستاينه کړې وي او د بلې خوا مې لږ او ډير د دې دروند شخصيت په هغو اړخونو لوستونکي خبر کړي وي چې دوئ لا پرې خبر نه دي.

کله چې سويډن ته راکډه سوم دلته مې د فرهنگي گټورو کارونو چې موخه ئې له يوې خوا په بهر کې د افغاني کلتور ژوندی ساتل او د بلې خوا ځوان نسل د دې کلتوري ارزښتونو سره په پيوند کې روزلو اړتيا احساس کړه، له نېکه مرغه دغه هدف ته د رسېدو لپاره د خپلو يو شمير هيوادوالو ملاتړ مې سم دواړه احساس کړ. د دوئ په هڅونه مې فرهنگي کارونو او پدې برخه کې د گټورو گامونو پورته کولو ته زياته پاملرنه وکړه. زما د همدې وطندارانو د هڅونې او ملاتړ په پايله کې پر دې بريالی سوم په ۲۰۰۰م کال کې د لومړي ځل لپاره د پښتو ادب ستوري، سياسي او ادبي شخصيت ارواښاد گل پاچا الفت په وياړ نړيوال علمي سمينار د مالمو په ښار کې جوړ کړ. په همدې سمينار کې د ډيرو فرهنگي، علمي او سياسي شخصيتونو تر څنگ د دې منلي او هڅاند فرهنگي شخصيت سره معرفي شوم. زموږ دوستی او د گران هيواد افغانستان لپاره گډه فرهنگي همکاري او هڅې تر نن ورځې پوري دوام لري.

دا چې په سويډن کې د ژوندو فرهنگيانو، اديبانو، شاعرانو او ژونالستانو د ستاينې او هڅونې، د ملي او وطني چوپړ د درناوي او ارزونې په وياړ يو په بل پسې درنې غونډې جوړېږي، زما او ټولو افغانانو لپاره د وياړ ځاي دی.

دې ټکې ته مې پدې خاطر گوته ونيوله چې له بده مرغه تر اوسه لا څنگه چې اړينه ده او په نورو ولسونو کې د ملي عنعنې بڼه لري په مور افغانانو کې د خپلو ژونديو څه قدر نسته. کله چې خدای نخواستې مړ سي، يوه نيمه ورځ ئې وير وکړو او بيا د ابد لپاره رانه هير سي. هغه د محترم ننگيال صاحب خبره ((نه د ژوندو چندان قدر کوو او نه د مړو))

ملي رسالت / 71

د دې ناخوالو سره پدې وروستی لسيزه کېنې د ځوانو فرهنگيانو او روڼ اندو په هڅو او تلاشونو د فرهنگي ټولنو په مټ معقوله مبارزه روانه ده. د همدې ملي او معقولو تلاشونو په پايله کېنې دا دي اوس د دې پروسې شاهدان، يو چې نه يوازي له هيواد نه بهر بلکې د داسې ستاين غونډو لمن تر افغانستان پوري هم غزیدلې ده.

اوس د ژونديو ليکوالو، اديبانو، شاعرانو، ژورناليستانو او فرهنگيانو د ملي او وطني چوپړ درناوی کيږي او د هغوی د ستاينې په موخه علمي او ادبي درنې غونډې جوړېږي او د همدې غونډو د جوړېدو په درشل کېنې زموږ د ټولنې د ژونديو وياړونو ستاينه کيږي او هغوی نور هم علمي او ادبي چوپړ ته هڅول کيږي.

زما له نظره ښاغلي محمد طارق بزگر نه يوازي فرهنگي شخصيت دی بلکې يو کارنده ژورناليست او تکړه ليکوال هم دی. د دعوت جريدې لپاره ټولي سرمقالې د همدې بزگر صاحب په قلم ليکلې سوي، چې د ده د پوهې او وطني مينې ښکارندويه بېلگه ئې گيلاي سو.

ښاغلي محمد طارق بزگر نه يوازي د بيلابيلو مقالو په ليکلو سره بلکې دا ((۲۳)) کاله په پرله پسې توگه د افغانستان د ډله ايزو رسنيو په اسمان کېنې د دعوت په نوم جريدې د خپرولو شمع روښانه ساتلې ده او له دې لارې ئې نه يوازي دا چې د خپلو ليکوالو او سياسي څېرونکو نظريات تر هيوادوالو او نړيوالو رسولي، دا دي اوس ئې د ۱۹۹۷ کال را پدې خواد دعوت جريدې د نشرېدو تر څنگ دعوت ويب پاڼه پرانيستې او له دې لارې هم د افغانستان او نړۍ په گوټ گوټ کېنې افغان ليکوالو ته د خپلو نظرياتو، علمي او ادبي ليکنو د نشر پوره امکانات برابر کړي دي.

ماته رامعلومه ده چې په بهر کې د يوې چاپي رسنۍ د کار پرمخ بېول څومره ستونزمن کار دی، خو وياړ ئې پدې کېنې دی چې د همدې رسنۍ په مټ ليکوال او ولس يو د بل په حال خبرېږي. ماته د بزگر صاحب هڅې او تلاشونه له نږدې معلوم دي او د ده د دې فرهنگي چوپړ په ملي ارزښت پوهيږم.

ملي رسالت / 8

د دعوت پر ټنډه ليکل سوی چې مياشتنی خپرونه ده، خو زه به ورته ورځپاڼه پدې خاطر ووايم چې په دعوت کي خپاره شوی مطالب دومره عالي او بلایي وي چې په يوه او دوو مياشتو کي نه زړپري. زه زموږ ځوان نسل ته مشوره ورکوم چې هره ورځ دعوت ته مراجعه وکړي او له هغه سره په مشوره د هيواد او نړۍ په هکله نوي نظرونه، نېکي مشوري او معلومات ترلاسه کړل شي.

زه نه غواړم پدې ليکنه کښې چې د بزگر صاحب ژوندليک ته مې ډالۍ کړېده د دعوت جريدې پر فعاليت او ملي ادبي ارزښت باندي ډيري خبري وليکم. دومره غواړم څرگنده کړم چې دعوت اوس يوازي داسي خپرونه نه ده چې د ملي کلتور او ثقافت ساتلو او ادبياتو په پياوړتيا کښې وياړلئ ځای لري، بلکې د افغان قلموالو په بې ساري مرستي د افغانستان د سياسي، اقتصادي، فرهنگي او ټولنيزو پېښو د څو کلن تاريخ په کتابتون او ارشيف او د ورځنيو مسائلو په اړوند د افغان ولس د نظرياتو او عقايدو د انعکاس په ډگر بدل سوئ دی.

طارق صاحب د ليکوالۍ او فرهنگي چوپړ په برخه کې د قلم چلولو تر څنگ د افغانستان د سياسي حالاتو په اړوند هم د ننداره کوونکی په توگه ندی پاته سوی. د خپل ژوند د امکاناتو په چوکاټ کښې د ملي گټو او هيوادوالو د هوسا او بسيا ژوند راوستو لپاره هم د فرهنگي ژوند د امکاناتو په چوکاټ کښې تلابنونه کړي دي او پر دې لار تر اوسه هم روان دی؛ ځکه خو ئې د افغانستان په اړوند په ټولو هغو کنفرانسو او غونډو کې چې په اروپايي هيوادو کښې جوړ سوی، فعاله برخه اخيستي؛ په کومو کې چې د گډون حق او بلنه ورکړه سوې ده. همدا ډول ئې د اروپا په مختلفو هيوادو کې د فرهنگي ټولنو په نوښت علمي او څېړنيزو کنفرانسونو، سمینارونو او غونډو کې هم فعاله برخه اخيستي ده. دا خو لا پرېرده چې دا ۲۳ کاله د کډوالۍ د ژوندله ټولو کړاونو او سرگردانيو سره د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د خپرېدو تر څنگ دا دی اوس د يوه پښتو ژبې ټلوېزيونی چينل د جوړېدو لپاره شپه او ورځ نه سترې کېدونکي تلابنونه کوي.

زه محمد طارق صاحب ته پدې وطنی او ملي فرهنگي چوپړ کښي د لازياتو برياوو په غوښتلو سره خپلې تبصرې لمخې راغواړم او غواړم درنو

ملي رسالت / 9

لوستونکو ته په لنډو ټکو کښي د دوي دغه فرهنگي چوپړ دېن د ماليار، تکړه ليکوال او ژورنالست وروپېژنم.

زېږېدنه، يا دې نړۍ ته سترگې غړول:

د پښتو ژبې دغه پېژندل سوې څيره او ژورناليست محمد طارق بزگر له نن څخه پوره ۴۵ کاله پخوا دې نړۍ ته په ۱۳۴۵ لمريز کال د کنړ ولايت د نرنګ ولسوالۍ اوسېدونکي ارواښاد عبدالقيوم بزگر په يوه منوره او متدينه کورنۍ کښي دنيا ته سترگې غړولې دي.

ارواښاد عبدالقيوم بزگر د کابل پوهنتون د حقوقو او سياسي علومو پوهنځي نه تر فارغېدو وروسته د ظاهر شاه او داوودخان په رژيمونو کښي مختلفې دولتي دندو په کار گمارل سوې دي او هغه ئې په پوره امانتدارۍ او صداقت سرته رسولې دي.

ښاغلي طارق بزگر لومړنۍ او منځنۍ زده کړې د کابل ښار په مختلفو ښوونځيو کښې سرته رسولي دي. نوموړی لا د کابل ښار د نادريې ليسې په يولسم ټولگي کښې په زده کړې مصروف و چې دی پر افغانستان د شوروي اتحاد د يرغل په وړاندي د مخالفت له مخې په ۱۹۸۰ کي له کابل نه د پېښور په لور هيواد پرېښېدو ته مجبور سو؛ په داسې حال کې چې کورنۍ لا په کابل کې اوسېده.

د نوموړي په وينا هلته هم د کورنۍ لخوا ورته تل د زده کړو سپارښتنه او هڅول کيده، ځکه خوئې عالي تحصيلات د پېښور په اسلاميه کالج او د پېښور پوهنتون نه په سياسي علومو او اسلامياتو په برخه کښي عالي او مسلکي تحصيلات په بری پاي ته ورسول.

په کوزه پښتونخوا کښي تر اته کاله ژوندکولو وروسته په ۱۹۸۸ ز کال د يوازې د ناروی هيواد ته رامهاجر سو. د هغه کره معلوماتو له مخې چې په ناروی کښې ئې د ښاغلي طارق بزگر په اړه لرم دلته ئي هم د ناروي دلورپو تحصيلاتو په موسسه کښي (Bodø High School Norway) انترنيټي ژورناليزم ولوست او تر هغه وروسته ئي دکانبرن (Canburne University) په پوهنتون کې د ژورناليزم په برخه کښې تحصيل کړی او تر اوسه په زده کړو بوخت او وایي چې تر څو ژوندی وی زه به تل يو زده کوونکی يم.

ليکوالي او فرهنگي چوپړ:

بزگر صاحب وايي لمړۍ ځل مې په ۱۹۸۲ ز کال پېښور کې د کډوالۍ د ژوند په شرايطو کېنې د مقالو په ليکلو پيل وکړ چې تر ۱۹۸۸ ز کال پوري د افغانستان او نړۍ په مختلفو رسنيو کېنې په پښتو، دري، اردو او عربي ژبو خپرې شوي دي. طبيعي ده چې تر اوسه ئې له نېکه مرغه د قلم رنگ نه دئ وچ سوی او گوټې ئې د قلم ښورولو او ماغزه يې د تحليل او مسائلو د څېړلو پوره او غښتلئ توان لري. پر دې خداي ورکړي استعداد دې نور هم برکت وي.

د دې هڅاند ليکوال او له هيواد سره مينه ناک ژورناليست د ليکنو تنده پرديو رسنيو نسواي ماتولاي. همدا دليل وو چې پس له ډير زيار او زحمت نه ئې پخپله د يوې چاپي رسنۍ ((دعوت)) په نوم مهالنۍ خپرونې چې بيا وروسته په جريده بدله سوه په خپرېدو لاس پوري کړ. دعوت دا ((۲۳)) کاله په خپلو ((۲۳۰)) خپرو شوو گڼو کېنې چې د نړۍ تر پنځوسو هيوادو پوري رسېږي، افغان ولس ته د خپل هيواد او ټاټوبې سره مينې او محبت د دې ټاټوبې اوسېدونکو ته د انساني چوپړ، په هيواد کې د هوسا، بسيا او دموکراتيکې ټولنې د جوړېدو لپاره د ملي، علمي، سياسي، ادبي او فرهنگي رښتياو او گټور چوپړ دعوت ورکړی. دې خپرونې هيڅ کله خپل نظر او عقیده پر لوستونکو او د هيواد سياسي، ټولنيز او فرهنگي بهير پر مينه والو نده ټلې، بلکې د خپل نظر د څرگندولو تر څنگ ئې تل د افغانستان د مختلفو سياسي، علمي، فرهنگي او مذهبي څېرو نظريات او عقايد تر خپلو لوستونکو او مينه والو پوري رسولي دي.

دعوت خپرونې او دعوت ويبپاڼه کېنې د ورلېږل سوو ليکنو او مطالبو خپرولو مسووليت د محمد طارق بزگر پر غاړه دی، خو په دعوت جريده او دعوت ويبپاڼه کېنې د نظرياتو خپرول او په خپلو نظرياتو افغان ولس خبرول د هر ليکوال او د دعوت قلمي همکار دنده او مسووليت دی. اړينه ئې بولم څرگنده کړم چې د څو کالو راپدې خوا دعوت جريده په پښتو، دري، انگليسي او ناروېري ژبو ليکنې خپروي.

د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د ۲۳ کلن علمي او ادبي چوپړ ارزونې په اړوند، زه يوازې د دې نشراتي ارگانو د قلمي همکارانو او لوستونکو دڅو دوستانو د ليکنو او پېرزوينو څو ټکي د بېلگې په توگه

را اخلم، تر څو درانه لوستونکي د دې نشراتي ارگانو او خپله ښاغلي بزگر صاحب د ژورنالستيک او فرهنگي خدمت د ارزښت او رول په هکله تر يوه بريده معلومات پيدا کړي.

ښاغلي ډاکټر صاحب نبي مصداق ليکي:

تاسو د ډيرو اقتصادي ستونزو سره سره دعوت وچلولو او د خوښې ځای دی چې ځان لپاره مو د افغانستان په مطبوعاتو کې د تل لپاره نیک نوم وگټلو. اوس چې هماغې جريدې تر څنگ ډير اصلاح شوی او ښايسته ويب پاڼه هم پر مخ بياپې ډير د خوشالي او افتخار ځای دی. ځکه مونږ دا دی درې لسيزې کيږي چې د نړۍ په هر گوټ کې خواره شوی یو. دعوت جريدې ته د انتظار پر ځای، د ويب پاڼې له لارې د افغانستان په پښو هره ورځ خبریږو.

زموږ بل د غښتلي قلم څښتن استاد صباح صاحب دعوت ارزونه کړې وایي:

نشریه دعوت به مثابه یك نشریه ملی و وطنی در امر اطلاع رسانی و آگاهی عمومی، کار های نهایت مفید و ارزنده ای را انجام داده است. تکړه لیکوال او ژباړونکي رحمت آریا صاحب د استاد صباح سره همغږي لري ليکي:

دعوت د خپلې ناپېلې او بې پرې تگلارې پر بنسټ د افغاني - پښتني دود او پښت د رغښت لپاره د خپلو نه ستري کېدونکو هلو ځلو له لارې پیاوړې لاس ته راوړنې لري او ویاړ يې د افغانانو د ټولنيزو فرهنگي بنسټونو پر ځلانده تندي د ځلانده ستوري په توگه ځليږي.

هره لاره ځانته لوړې او ژورې لري، په ځانگړې توگه د افغانستان ناوړين خپلې ټولنه چې د ټولنيز ژوند هرگوټ يې د درو تېرو لسيزو خونړيو جگړو په ترڅ کې په ژورو گړنگونو اوښتی دی.

جگړې نه يوازې زموږ مادي شتمنی لوټ کړې، بلکه زموږ معنوي ارزښتونه يې را درې وړې کړل. نیواکگرو او ښکيلاکگرو ځواکونو د دغې ټولنې هره برخه ونړولهوڅو د ډيرې خواشېنې ځای دا دی چې دغه نړونه نه يوازې پرديو وکړه، بلکه يو شمير ککړو افغان لاسونو هم پرديو ته په چوپړ کې د دغې نړونې پر اور دومره تيل ور توی کړل چې ان پردي په خپله ورته هک پک پاتي شول.

ملي رسالت / 12

هرگوره! د دعوت ويېپاڼه يوه له هغو رغښتگرو زړه سواندو لاسونو څخه ده چې د دغې وړانې په بيا جوړونه کې شپه او ورځ نوبتگري خولې تويوي.

په وروستيو وختونو کې د دعوت ويېپاڼې انځوريزه مخبڼه هم په نوې بڼې راواوښتله او د پخوانۍ مخبڼې په پرتله يې لا ښکلا وموندله. کانديدای اکادميسين او تاريخ پوه محمداعظم سيستاني صاحب هم د دعوت ستاينه کوي وايي:

دعوت با چاپ، نشر و توزيع ۲۱۱ شماره، واقعاً رسالت بزرگ ملی و فرهنگي خود را در جهت آگاهی دادن و آگاه ساختن هموطنان خود از تازه ترين تحولات اجتماعي و سياسي متعلق به کشور جنگ زده افغانستان، به دوش گرفته و تا آن جائي که من می بینم، اين رسالت را به نحو تحسین برانگیزی ایفا کرده و می کند.

ښاغلی پوهاند دوکتور مجاور احمدزيار صاحب د دعوت دشلمې کاليزي په مناسبت خپل لېرل سوی پيغام کښې ليکي:

زه پر خپل وار د دغې ټولمنلې مهالنې شلمه کاليزه گران او هڅاندي رسنوال دوست محمد طارق بزگر ته نيکمرغه او ښه وایم. ټولمنلتيايې تر هرڅه له مخه په دې دوو ټکو کې نغښتې چې يوخوايې د درو خپرنیو (پښتو، پارسي او انگليسي) ژبو په کارونه د قلمي همکارانو او لوستونکو کې ښه ترا غځولې او بل يې له ټولو رسنيزو ارونو سره سم هرې اندپوهې او ليدتوگې ته خپله غېر تل پړانېستې پرې اېښې ده. په دې توگه يې د هغو لنډو بنسټپالو او بېلتونپالو د بېخايه نيوکو پلمه له منځه وړې چې گڼ تاريخي هېواد او هېوادوال د خپلو ناولو سياسي، اندپوهيزو او ژبتوکميزو او بيا د بهرنيو بادارانو له گټو وټو څاروي.

د ژوند په داسې ناخوالو کې يې ډير کم خلک شل کړي، خو ها د صالح محمد صالح صاحب خبره ستاسو دعوت ستاسو په افغاني همت او د پښتو او وطن سره د بې دريغه مينې او محبت په احساس سره دا دي شل کړه.

مطبوعاتي کار او ديوې ملي خپروني پرمخ بېول هغه هم د غرب په لالهانده ژوند او د وطن په داسې وينو لړلې، لېزانده او د رنگونو په بازار

ملي رسالت / 13

کې د زړه خوږ غواړي چې څوک دې شل کاله ور باندي ووهي او خان ته لوی وياړ تر لاسه کړي.

زموږ پياوړی ليکوال په استراليا کې مېشت افغان ښاغلي هدايت الله هدايت صاحب، خپله ارزونه پدې بڼه زموږ او تاسو سره شريکوي: محترم بزگر صاحب!

تازه ستاسو د دعوت وويپانه هم د شکل او محتوی د لحاظه ډېره ښکلې او ښايه سوې او په افغاني حلقو کې يوه مطرح او درنه پاڼه گرځېدلې ده.

تاسو گران د دعوت په خپرونو کې د بيان و آزادی او وطني رسالت ته مو ښه پوره ميدان ورکړی دی چې دا کار ستاسو د پراخ نظر او وطنپالنې استازيتوب کوي. هغه باور او درناوی چې تاسو گران يې و ورځنيو ملي غوښتنو او پښتنو ته کوی او هغه واقعيتونه چې تاسو يې په دعوت کې منعکسوي، نو ستاسو پاڼه يې د زيات قدر وړ گرځولې ده. د کابل پوهنتون استاد کاظم بيمار صاحب ليکي:

د دعوت جريده او بريښنا پاڼه د تاسيس د ورځې څخه بيا تر نن پورې د گران هيواد افغانستان او هيوادوالو په خدمت او چوپړ کې ده. او په دغه ليار کې مخ په وړاندي روانه ده او د حقايقو په نشر- او خپرولو کې يې هيڅ وخت دريغ نه دی کړی او د هيچا او هيڅ قدرت تر تاثير لاندي نده تللي او هيڅکله يې خان په ژبني، قبيلوي، مذهبي او سمتي تعصبونو او تبعيضونو ندی ککړ کړی.

د دعوت، بيطرفه جريده او بريښنا پاڼه ده؛ مگر بې غرضه نده، ځکه چې د خپل هيواد د ملي مصالحو او د وطن د تماميت مسووليت په غاړه لري. دغه غرض ته د رسيدلو لپاره بې تل ملي خيريې او ملي مبارز شخصيتونه را دعوت کړي چې د وطن د ملي مصالحو او ملي گټو څخه په دفاع قلمي مبارزې ته پرله پسې دوام ورکړي.

له امريکانه استاد قدرت الله فرهاد صاحب بيا وايي:

د دعوت رښتيا شل کلن ښکاري. له دعوت سره زما اړيکه وه او ده چيرته چه د پښتو شمع بله شي، هلته پتنگان وي.

د افغانستان له پلازمېنې کابل ښارنه ښاغلی احمد فرزاد صاحب ليکي:

ملي رسالت / 14

د پښتو په رسنيز بهير کې دعوت ځانگړی ځای لري. ښايی د اوسنيو ټولو پښتو خپرونو او خپرنيزو بنسټونو سرلاری يی وگڼو. زه د زړه له تله خوښ يم چې زموږ فرهنگي او قلمي ملگري په دی توانيدلی چې د خپلی ژبی لپاره يی د چوپړ دونه اوږد واټن طی کړی او لایي هم ورته ملا تړلي چې تر منزل مقصود پوري ځان ورسوي. ښاغلی عمر پاڅون ليکي:

زه دعوت سره د ۱۹۸۸ کال راهيسې په اړیکه کې يم. دعوت د لاس په ليکلو د خپل منزل په لور رهي شو. ډير زړی ټایپ ته لار وميندله چې په ډير لنډ وخت کې کمپيوټر ته ننوت چې چاپي جريدې سره يې يوه د دعوت ويبپاڼه د ۱۹۹۷ نه هم خلاصه کړه. اوس دعوت يوه جريده نه بلکه يوه ميډيا ده چې نن په زرگونو لوستونکي لري.

دعوت نه يواځې افغانانو ته په پښتو او دری، بلکه بهرنيانو ته هم په انگليسي او نارويزي ژبو په زړه پورې ليکنې وړاندې کوي. همدا سبب دی چې ډير بهرنی لوستونکی او ليکونکی لری. انجنير فضل احمد افغان له کاناډا نه پدې هکله خپل نظر د لوستونکو سره پدې بڼه شريکوي:

زه وياړم چه د دعوت د ويبپاڼی سره اړیکې لرم او ښی زده کړی ورنه کوم. زه تاسی گران او قدرمند ورور ته چې خپلې شپې او ورځی مو د گرانو وطنوالو په چوپړ کې د دين، سولې، آزادۍ او استقلال له پاره وقف کړی دی او د وطنوالو له پاره زحمت باسی د پاک الله نه ستاسی نور بری غواړم.

محمد اياز نوری صاحب له هالنډ نه د انجنير فضل احمد افغان دخبرو پخلی کوي وايي:

د دعوت نشرات تل د ملت په دفاع او د حقيقت په ويلو استوار وو او دي. قلمي همکاران يې هم ټول افغان لوړ ملي او د لوړ انساني احساس درلودونکي افغانان پاتې شوي دي. او البته کله چې يوه رسنی د يوه واقعاً ملي مبارز شخصيت لکه محمد طارق بزگر صاحب له خوا اداره کيږي، معلومه ده چې هلته ملي خاين ورنشی ورټکولای.

د دعوت جړېدې او دعوت ويبپاڼې د ارزونې کړدې لمخې د گران ځوان او تکړه ژورنالست صالح محمد صالح پدې ټکو رانغاړم چې

ملي رسالت / 15

وايي: بزگر صاحب! دعوت شل كړه. هغه وړاندي ليكي، دعوت هغه خپرونه ده چې په تېرو دوو لسيزو كې يې د افغان ولس ملگرتيا كړې او كه نورو دې ولس ته ټوپك او ټانك ډالۍ كړي دې، خپرونې ورته پوهه، مينه او وروړولي وركړې ده. د نېكمرغۍ ځاى دى چې دې خپرونې دوې لسيزې عمر وكړ. ډېرې خپرونې خو داسې دي چې تر يو څو گڼو وروسته يې بيا څرك نه لگېږي، خو دعوت برېښنايي نړۍ ته هم لار خلاصه كړه او د نړۍ هر گوټ ته يې ځان ورساوه، چې په دې برخه كې د ښاغلي محمد طارق بزگر هڅې د ستاينې وړ دي؛ چې په دومره بوخت ژوند كې يې شپه او ورځ پر ځان يوه كړې او دغې خپرونې ته يې ژوند وركړى.

غواړم دا خبره وكړم چې ماد دعوت جريدې او ويبپاڼې په اړوند د ځينو پوهانو نظرياتو ته يوه ځغلنده كتنه پدې خاطر وكړه چې دغه نظرونه پخپله د ښاغلي طارق بزگر د لنډ ژوند اوږد داستان بيانوي، په لوستلو ئي لوستونكې ته له ورايه څرگندېږي چې ولې موږ د ده قدر كوو او ولې ځوان نسل دې ته رابولو چې د خپلو فرهنگيانو، اديبانو، پوهانو او عالمانو په نظرياتو او هڅو ځان خبر كړي.

په علمي غونډو او سيمينارونو كې برخه اخيستل:

لكه څرنگه چې د ليكنې په پيل كښې مې اشاره ورته وكړه، بزگر صاحب پر هغو كنفرانسونو او غونډو سر بېره چې په اروپايي هيوادو او امريكا كښې د افغاني فرهنگي ټولنو په نوبت جوړي سوي په يوشمير نورو هغو نړيوالو كنفرانسونو كښې هم برخه اخيستې؛ كوم چې د دولتونو او نړيوالو سازمانونو لخوا جوړ سوي دي. د بېلگې په توگه:

۱/ د ۲۰۰۶ كال د اپريل پر ۲۵ او ۲۶ د ((اكو سيستم د بوټو څخه ونه د ساينس نظر او چلنجونه او د اكو سيستم او د غربت مخنيوى)) ترنامه لاندې د ملگرو ملتو د سازمان لخوا علمي كنفرانس او وركشاپ چې د ډنمارك هيواد د كوپنهاگن په ښار كې د دې هيواد د بهرنيو چارو وزارت په مټ جوړ سى وو.

۲/ د ۲۰۰۷ كال د جون له دوهمې نه د جون تر څلرمې پورې د قانون ايسودونكو ټولنو له خوا د G8 (۸ ستر صنعتي هيوادونه) اجنډا د

ملي رسالت / 16

ځنگلونو په نه وهلو سره د گازونو د توليد کمولو اجندا ترنامه لاندې د برلين په ښار د المان هېواد په پارلمان (بونډسداگ) کې.

۳/ د ۲۰۰۷ کال اکتوبر ۲۹ څخه د نومبر تر ۲ دوهمې پورې، د ناروې د تروندهايم ښار کې د ملگرو ملتونو لخوا کنفرانس ((په نړۍ کې ټول ژوندي موجودات او په ځانگړې توگه د هغوی ژوند کول او اوسيدل)) (۲۰۱۰ او تر هغه وروسته). په دې کنفرانس کې د ۸۰ هيوادونو د چاپيريال ساتنې لورپوړو چارواکو برخه درلوده.

۴/ د ۲۰۰۹ کال د سپتمبر له ۱۳ څخه تر ۱۹ پورې د پولنډ په گدانسک ښار کې د ميډيا ۲۴ لخوا چې مرکز يې په سويس کې دی، د فنلنډ هيواد د بهرنیو چارو وزارت په مالي مرسته د ((د اوبو د بيخايه مصرف مخنيوي)) ترنامه لاندې ورکشاپ او کانفرانس چې د ۱۷ هيوادونو ژورنالستان وربلل شوی وو او د ژورنالستانو د شخصي روزنې او معلوماتو له پاره جوړ شوی وو.

۵/ د ۲۰۱۰ فبروري له لمړۍ نه تر ۵ نيټې پورې د ملگرو ملتو او د ناروې د حکومت له لورې د ((ټولو ژوندي موجوداتو ساتنه او د دوامدارې پرمختيا له پاره کارکول)) تر نامه لاندې د ناروې هيواد تروندهايم په ښار کې علمي کنفرانس.

د دې پورته يادو شويو کنفرانسونو تر څنگ په ډيرو افغاني غونډو کې چې په امريکا، انگلستان، جرمني، ناروې، سويډن او نورو هيوادو کې جوړې سوي، فعاله برخه اخيستي ده.

د بزگر صاحب سره نړيوالو راډيوگانو لکه بي بي سي پښتو او فارسي، امريکا غږ پښتو او دري، ازادې راډيو، د فرانسې نړيواله راډيو فارسي، المان غږ دويچې ويلې پښتو راډيو سره په سلگونو سياسي او ادبي مرکې کړې دي. همدا ډول د بزگر صاحب سره د افغانستان د ورځنيو سياسي، پوځي حالاتو په اړوند ډيرې مرکې سوي چې په نارويژي اخبارونو، راډيو او تلويزيونونو برسیره په يو شمير افغاني مجلو، اخبارونو او ويبپاڼو کې هم پر خپل وخت خپرې شوي دي.

د ښاغلي محمد طارق بزگر مورنۍ ژبه پښتو ده، خو هغه په دري، اردو، انگليسي، نارويژي باندې پوره پوهيږي؛ خود دې ژبو ترڅنگ يوه اندازه په عربي ژبه هم پوهيږي.

ملي رسالت / 17

ز ماد معلوماتو له مخې نوموړي د افغانستان د مختلفو اړخونو په اړه د ۵۰۰۰ په شاوخوا کښې په پښتو، دري، اردو، انگلیس او ناروېژي ژبو کتابونه او مجلې په خپل کورني کتابتون کې لري. بزگر صاحب وايي د کتابونو ټولولو سره له ډیر پخوا مینه او علاقه لري. همدا ډول په زرگونو انځورونو، ویديويو کسټونو، سی ډي او کسټونو چې په ټولو کښي د افغانستان په اړوند معلومات راټول سوی د بزگر صاحب د کورني کتابتون یوه بله برخه جوړوي.

د دغو فرهنگي فعالیتونو په څنگ کې پر څو کتابونو کار کوي چې ځيني يې تقریباً بشپړ او یو شمیر به ئې وروسته د چاپ جوگه شي. د بېلگې په توگه:

۱/ ناروېژي پښتو ډیکشنري چې تر اوسه ((۲۵۰۰۰)) لغتونه پکښي راغونډ شوی دی.

۲/ پښتو ((۱۰۰۰)) لنډې د انگلیسي له ژباړې او تشریح سره.

۳/ پښتو ((۱۰۰۰)) متلونه د انگلیسي له ژباړې سره.

۴/ دعوت د خپرو شوو لیکنو او مرکو کتابونه د کلکسیون په بڼه. دولتي دندې:

بزگر صاحب زما دیوي پوښتنې په ځواب کې راته وویل: اوس د ناروېژي دولتي ټلويزيون (nrk) سره په ځينو پروژو کې برخه اخلم او کار ورسره گوم. د دې تر څنگ د ناروېژي د پوهنې د وزارت سره د مفتش په توگه دنده لرم؛ او که مې وخت درلود نو د تلیفون له ليارې کله ناکله ترجمه هم کوي.

ستاینلیکونه:

بزگر صاحب دخپل فرهنگي چوپړ په درشل کښې د امریکا په شمالي کلیفورنیا کې افغاني کلتوري ټولنه، په جرمني کښې د افغانستان د کلتوري ودې ټولني، په امریکا کښې نور ټلويزيون او سویډن د مالمو په ښارکښي د دوستي فرهنگي ټولني له خوا په ستاینلیکونو سره نازول سوی او درناوی ئې سوی دي.

کورني ژوند:

ښاغلي بزگر د یوې پوښتنې په جواب کښې راته وویل چې درې وروڼه او څلور خویندې لرم. هغه زیاته کړه دوه وروڼه مې ډاکتران او یو بل

ملي رسالت / 18

ورور مې د عربي ژبې او ادبياتو څانگه کښي لوړې زده کړې لري او پدې برخه کي کارکوي.

د افغاني دود او دستور له مخې مې د بزگر صاحب د پتمنو خویندو د ژوند د څرنگوالي په هکله پوښتنه ونکړه. ډاډه يم چې هغوی هم د تعليم په ترلاسه کېدو سره اوس د خپل بخت په کور کښي خوښ او ارام پتمن ژوند ولري.

بزگر صاحب واده کړی او د گډ کورني نېکمرغه ژوند ثمره ئې نام خدای څلور اولادونه دي چې مشر زوی ئې سباوون ۱۵ کلن، لور يې اغلې مينه جانه ۱۴ کلنه، اباسين جان ۱۰ کلن او کشری زوی ئې سمون جان يونيم کلن دی.

ماته له بزگر صاحب سره په اړېکو کښي دا څرگنده سوي چې بزگر يو پټ خولي، مؤدب انسان په توگه هيڅکله د چا په خبرو کې بې واره نه دی ورگډ سوی. چې چا پوښتلئ نه وی په مجلسونو کې پټه خوله ناست وي او د نورو خبرې په ډير دقت سره اوري. که څوک پوښتنه ترېنه وکړي په ډيرو ساده او خوږو کليمو جواب وايي. يوخوږ مجلسه سپړي دي.

هغه يوله هغو علمي او فرهنگي څېرو څخه دی کوم چې د قومي بې اتفاقيو، ژبني، مذهبي او منطقي توپير سره مخالف وي. هغه تل په ټولو هغو غونډو کې چې ماهم يوځاي ورسره گډون کړی، د يوه درانه او صابر نظر خاوند په توگه پاته سوی او د نوبت ترلاسه کېدو په وخت کښي ئې په ډيرو ادبانه جملو او له فرهنگي اخلاقو نه په ډکې روحيې سره د اړونده مسلي په هکله خپل نظر وړاندي کړی او له هغه څخه ئې د منطق په توان دفاع کړې ده. هېڅ وخت مې نه په يادېږي چې د يوشمير په اصطلاح پوهانو او ليکوالو په څير دې ديوال ته سرتمبه کړی وي او خپل نظر دې پر اورېدونکو په زور او يا د ترېبون له امکاناتو څخه په استفادې سره په چاومني. په يوه خبره د زښتو درنو عالي اخلاقو څښتن په توگه پر مور ټولو هغو چې پېژنوي د يوه درانه شخصيت په توگه گران او د قدر وړ شخصيت دی؛ ځکه خو پدې ډاډه يم چې بزگر صاحب به زمور په ټولنه کښي د يوې وتلې او زړه وري فرهنگي څېرې

په توگه د تل لپاره د افغان ولس په څنگ کښي د درناوي وړ شخصيت پاته وي.

ښاغلي بزگر د خپل نه سترې کېدونکي زيار او زحمت په پايله کېښي زيات علمي، ادبي او فرهنگي اثار د دعوت خپرونې له لاري زمور د جگړه ځپلي هيواد راتلونکو نسلونو ته د يوې علمي او ادبي پانگې په توگه په پنځوسو هيوادو کې د افغانستان د اوسنيو او راتلونکو حالاتو مينه والو کورونو ته رسولي دي، خو دا په ځوان نسل پوري اړه لري چې د دې پتې خزاني او زمور د هيواد د ليکوالو او سياست پوهانو له معقولو نظرياتو او اندېښنو نه څنگه او په کومه بڼه د هيواد د روښانه راتلونکې په موخه استفاده کوي.

دعوت وپېاښې اوس د افغان ولس په ځانگړې توگه زمو د پوره پوهاوی په موخه په يو ډير عالي ابتکار لاس پوري کړئ؛ هغه دا چې پدې وروستيو کې زمور د هيواد يو شمير پوهانو سره په دوامداره توگه مرکې خپروي. زه پدې باور يم چې له دې لاري به دعوت وکولاي سي افغان ولس ته د دوي د پوهانو نظريات او وړانديزونه په ښه توگه ور ورسوي. د هيواد پداسي نازکو شرايطو او ترينگلو حالاتو کې چې زمور ولس د يو سخت ازمون پر ډگر ولاړ دي، دا ملت د دوستي په جامه کښي د بېلا بيلو زبرځواکو د دښمنيو او ډول ډول دسيسو له سختو سېلابونو او توفانونو سره مخامخ دی، اړينه ده چې د هيواد د داسي ځوانو شخصيتونو درناوی وشي او هغوي د ټول افغانستان په گټه نور هم ملي چوپړ ته وهڅول سي.

زه ديوه افغان په توگه د ځوان نسل سره د افغاني مينې او د دوي په وړاندي د مسوليت په درکولو سره کوښښ کوم که تکرار هم وي دوي ته د ليکنو په وسيله ور په ياد کړم چې تاسو پياوړي پوهان، ليکوال او څېړونکي لری؛ د هغوي عزت که بل څوک نه کوي، تاسو ئي بايد د خپلو عادي ساده او لږو امکاناتو په لرلوسره وکړئ. هغه دا چې د دوي په وياړ او د دوي پر ليکل شوو اثارو باندي ځانونه پوه اويا د بحث په نامه يو په بل پسې غونډې جوړي کړی او پدې غونډو کېښي دوي ته بلنه ورکړی او د دوي نه وغواړی چې ستاسو سره پر يوه کمبله او يوه

ملي رسالت / 20

چو تره کښېني او تاسو په خپلو عالمانه او له تجربو نه ډکو خبرو او پيرزوينو ونازوي.

د خپل هیواد د عالمانو او پوهانو په وړاندې بې تفاوتې او نالوستوب به زموږ ټولنه تر يوې بلې پېړۍ پورې هم د گاونډيانو او نړيوالو د اقتصادي، سياسي، ټولنيز او فرهنگي ستم او تيري لاندې وساتي.

په گران او سوځېدلې افغانستان کېنې د علم، پوهې او خپل منځي مينې او محبت زياتېدو لورته د پياوړو گامونو د پورته کېدو او خپل هیواد د هر خواخوږي او صادق قلموال، علمي او ادبي شخصيت د ستاينې او هڅونې په هيله.

ريښتني شخصيت محمد نقيب تره خيل

محمد طارق بزگر له تنکي ځواني پدې باور وه چې تفکر د معرفت او معرفت د هدايت او هدايت د رضائيت، قناعت او د ريښتني شخصيت تومنه ده. نو هغه د تفکر په قوت د پيسو گټلو پر ځای د علم گټل خوښ کړل. معرفت هاغه د معنويت واک ته هدايت کړ، هدايت هاغه راضي او قانع کړ، چې د ثروت او قدرت عمر لنډ او تنگ وي. او بل که د قدرت په وخت کې د شخص نفس مهار او خسي نه وي؟ نو بيا مستي او هوس زېږوي او له قدرت نه انحراف کوي چې له امله يې ظلم او استبداد زېږېږي.

هر څومره چې د ټولني منوره او حاکمه طبقه ریاکاره، خودخواه او جابله کېږي، بيا هم هغومره فتنه او فساد زېږوي، څنگه چې همداسې په افغان ټولنه کې وشول اولاهم کېږي. يو شمير کسانو په دا ۴۰ کالو کې د هېواد دننه او بهر په لس هاوو گوندونه- تنظيمونه په سل هاوو ادبي- فرهنگي کولتوري ټولني د هيواد، اسلام، انسان او قوم پالنې ترنامه لاندي جوړې کړي دي. خو هر هغه د ژمنو خلاف عمل وکړ، هغوی د ثروت، شهرت او قدرت موندو په تمه همدا کولتوري او سياسي دفترونه د اسلاميت، انسانيت او قوميت پلورني هټې گرځولي. له همدې لامله د ارزښتنو پلورل د اکثرو افغانانو عادت شوی. له ټولني حيا کليه شوی او بېشمې په کې معاف شوی. همدا د ارزښتونو سوداگر په جبر او ظلم ثروت او قدرت ترلاسه کوي. بيا په ورته ډول قدرت ترې اخستل کېږي. د سلطنت له مرگ سره يې د شخصت مرگ جوخت وي.

دا منلي او عملي شوې وينا که انسان قدرت ته په گوندو نشي- ثروت ته خامخا تسليمېږي. بزگر هم د ابراهيم ابن ادهم غونډې د خپل مضبوط ايمان پر باور او د نفسي سپېڅلتيا په قوت پورتنې وينا د خپل ځان په اړوند باطله کړې.

ابن ادهم د بلخ سلطنت د علم د زده کړې او د انساني خدمت پر مقصد د مکي معظمي پر قصد پرېښود. ډېر کلونه وروسته د بحر په څنډه ادهم خپلې څېرې او شپږدلي جامي گنډالي، پر آس سپورکس يې تر څنگ تېرېږي، ورته څير گورې پېژني يې چې زه خو د دې سلطان يو وخت وزير

وم. ورکښته کيږي او ادب يی کوي، ورته وايي اي سلطانانه! ولي دې بې هېڅه خپل سلطنت او عظمت پرېښود او ځان دې پدې مصيبت او مشقت اخته کړ. هغه ورله وايی، تر هغه سلطنت مې دا ډېر پراخ ښکلي او با قدرته دی، ابراهيم ستنه بحر ته گذاره وي، بيا غبر کوي، راکړه ستن مې، يوزر کبان له اوبو سرونه اوچتوي او د سرو زرو ستنې په شونډو کې نيولي وي. وايي، نه، زه مې خپله ستن غواړم! شېبه وروسته هم هغه ستنه يو کب ورته له اوبو راباسي. بل ځل ابن ادهم د مکې په کوڅه کې قدم وهي، يو يهودي هلک له خپل سپي سره ورپسي په تعقيب کې وي، کله چې هاغه تم شي دا هلک هم تميري. خو څه وخت چې ابراهيم د ناستو کسانو خواته رسيري، دا هلک پرې داسې غبر کوي: اي بوډا! دا ستا ريره ښکلي ده، که زما د سپي لکې؟ هاغه ورته وايي زويه! که مې دا ريره د خدای لپاره نه د ریا لپاره پرې اېښي وي او په ورځ د محشر زه په جهنم کې اوسم، نو د سپي لکي دې ښکلي ده او که په جنت کې يم بيا نو زما ريره ښکلي ده، هلک رومبي خجالتيري، بيا ور درومي د هغه لاسونه ښکلوي او د شهادت کلمه وائي مسلمان کيږي.

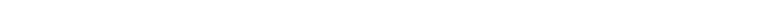
بزگر صيب هم د ناروې په هستی او د ځوانی په مستي کې ثروت او قدرت دواړه د علم د زدکړې او ريښتني خدمت په نسبت بابزه وگڼل. تر څنگ يې د حق په پلوي او د باطل پر ضد د دعوت ادبي اخلاقي او روزنيز سنگر جوړ کړ. يقيناً چې ډېرو هېواد والو به د دعوت په رڼا د حقيقت لار موندلي وي. د دعوت رسنی د بزگر ريښتینولي او يومخي اثباته وي چې د مکان، زمان او حالاتو تابع شوی ندي، نن هم خپل هدف ته هسې ژمن دي لکه ۳۰ کاله پخوا چې وه.

ابراهيم د ادهم اولادې ته د پلار ميراثي سلطنت او ثروت بشپړه ورپرېښوول. د ادهم اولاد چې د شخصيت مشروعيت د سلطنت له درباره اخیستی وه. نو د سلطنت له بايللو سره جوخت بېشخصيته هم شول، خو ابراهيم چې يو سر او دوه غوره نوم ورکې مکې ته راغلي وه، او د پوهې په رڼا د عقېدي په مضبوطيا د نفس په سپېڅلتيا د مهره بانه او عادل زړه په لړولو يې خپل کوچني او لنډ عمره شخصيت ستر او تلپاتي کړ. د دې تر څنگ يې آن د کورني مړ شخصيت ژوندې وساته. د هر انسان د کار محصول د هغه د حقيقي شخصيت بڼه ښيي.

ملي رسالت / 23

د بزگر شخصیت دعوت دي او دعوت د پوهی او کولتور مرکز نن هم
ژوندی دي اوسبا به هم وي.

۱۴/۲/۲۰۱۹



ښاغلی طارق بزگر چې زه يې پيژنم قدرت الله هېوادپال

زه ښاغلي بزگر له ډېر وړوکوالي پيژنم؛ هم مې استاد دی، هم لارښود او هم معنوي پلار.

ژوندي قومونه تل خپل نېکان هڅوي او درناوی يې کوي. افغانستان چې نن له کومو ستونزو او ننگونو تيريري په داسې حال کې دې چې د قلم جهاد او غورځنگ د توپک او زور له غورځنگه لومړی ځای خپلوي، او ښاغلي بزگر د دې سنگر ډېر تکړه او سپيڅلې مبارز دی. زه ښاغلي بزگر له ډېرې زمانې راپيژنم؛ هغه مې استاد دی، ځکه د ليکنې چم يې راښودلی دی او تل يې هڅولی يم. اوس هم چې کله په تليفون سره غږيرو، نو له کورني احوال وروسته په ډېره خوږه ژبه او اصطلاح راپوښتي چې په وطن کې څه حال دی؟ تل مې هڅوي چې يو څه وليکه. هيڅکله يې دا احساس نه دی راکړی چې زه نه پوهيرم يا دا څه چې دې ليکلي دي غلط يا اصلاح غواړي؛ ځکه د دوی علم او پوهې ته زه هيڅکله نشم رسيدلای او د دوی په وړاندې ليکنه به لکه لمر ته چې شمع ږدی، خو تل يې هڅولی يم. لارښود مې دی ځکه چې تل يې افغانستان لومړی ساتلی او هيڅکله د حکومتونو، خوځښتونو او اشخاصو له مفکورو نه دی اغېزمن شوی او دا درس يې راکړی چې بچيه! تل دا هېواد لومړی وگڼه. د اشخاصو او شخصي گټو لپاره ملي گټې مه قربانوه او معنوي پلار مې دی؛ ځکه چې پداسې حالاتو کې يې لاس راکړی چې ما پخپله هم خپل ښه او بد نه پيژندل او له خپل اولاد يې کم نه يم گڼلی. زما په ښه تربيه او روزنه کې يې فعاله ونډه اخيستي ده.

افغانان تل په درانه خوب ويده وي؛ آن نن چې نړۍ ته سپورمۍ لنډه ښکاري او د مريخ او نورو سپارو غمونو پسې يې راخيستی، مور خپل کوچنی هېواد آرام نه کړای شو او له درېيمې برخې زيات نفوس مو بيسواده دی. له سياسي او ټولنيزو چارو ناخبره دی او هغوی چې خبر دي هم د پردو ببولالې وايي او ملت لدې خوب څخه راويښولو لپاره هم ډېر خلک نه گرځي. هر چا چې هر وخت وس شوې يا يې لدې

خاورې پښې سپکې کړې او يا دلته د خپلو جيونو په ډکولو دي؛ خو ملتونه تل د هغوی اتلو بچيانو ساتلي دي. زموږ د تاريخ يوه لنډه داده چې تل يې رزمي او جنگي اتلان نازولي دي، خو د قلم اتلان له پاملرنې پاتې دي. که امير کروړ دی، بايزيد روښان دی او آن نږدې سيد جمال الدين افغان، پر دې يو هم داسې مؤثق او تاريخي کتاب نشته چې ټولې پوښتنې ځواب کړي او موږ لدې وروسته بايد دا خلاوې ډکې کړو او ونازوو؛ هغوی چې د دې ملت راوينولو لپاره نه سترې کيدونکې هلې ځلې کوي.

له کومې ورځې چې مې ليک لوست زده کړې، له هغې ورځې راهيسې دعوت لولم او دوامداره لوستونکی يې يم. تل يې خپله بېطرفي ساتلې ده. د ملت غم يې خوړلې دی. په ننني سياسي چاپيريال کې چې نړيوالو د افغانانو سياسي مفکورو او تبصرو ککړولو او ځان ته رارولو په خاطر په سلگونه راډيوگانې، ټلويزونونه او خپرونې پيل کړي دي، له هر وخت زيات د بېطرفه او ملي خپرونو ضرورت ډېر احساسيري.

ښاغلي بزگر مې خپل دی. د کورنۍ غړې مو دی او زه وياړم چې په کورنۍ کې داسې ننگيالي لرو. زه نه غواړم چې ووايم څه خپلوي سره لرو؛ ځکه دا به لوستونکو ته يو څه شخصي او کورنۍ معاملې ښکاره شي، خو دومره وایم، چې زه نن څه يم په هغې کې د بزگر صاحب ډېره لويه ونډه ده، او د ژوند تر اخيري سلگۍ به يې زه احسانمند او منندوی وواوسم، او دلته زما له ليکنې هدف هم شخصي درناوی او مننه ده، او هم د دې ملت د يوه خوار غريب بچي په حيث مننه چې دې ملت د مفکورو په روښانولو کې يې نه سترې کيدونکې هلې ځلې کړي دي.

له ما پرته زه ښه باور لرم چې ښاغلي بزگر نور ډېر ځوانان روزلي دي او ورسره يې معنوي مرسته کړې ده؛ ورسره يې خپله پوهه او احساس راتلونکي نسل ته لېږدولې دی، چې ښه بيلگه يې د ځوانانو دې ټولني دا احساس دی چې خپل ننگيالي ونازوي.

په موږ کې خود خواهي او د بخل مرض ډېر دی، خو د بزگر صاحب دا کمال مې هم خوښ دی چې نور هڅوي را ميدان ته شي او پخپله ورته يوازې آسانتياوې برابرې او شاته يې دريري.

ملي رسالت / 26

په پای کې ورته لاډېرې بریاوې غواړم، او ښه متیقن یم چې د علم او پوهې هغه صدقه جاريه چې دوی یې درویشت کاله وړاندې تهداب ایښې وو، د ډېرو ذهنونه روښان کړي او د ځان لپاره یې د ثواب او سرلوری یوه دوامداره او تلپاتې سرچینه پرېښې ده.

ډېر گران ښاغلی د قدر وړ بزگر صاحب! محمد سرور وکيلي

زما د ميني او ورورگلوۍ ډک سلامونه او پېرزوني ومنی!
د دعوت خپرونه ۲۳ کلنه سوه. زما ښه یاد دي، چي له دې خپره وني
سره سم په ډېرو بهرنيو هېوادو کي نورو خپرونو هم پيل وکړ، خو
ډېرو يې سقوط وکړ او ځينو يې چي شاته گوندي پلوي اقتصادي تکیه
لرله

د سياست له مخي د هغي سياسي تکيې څخه يې مالي مرسته ترلاسه
کول او ترلاسه کوي يې؛ نو بېخي ډېر لږ يې پاته دي؛ خو د دعوت
خپرونه يوازې او يوازې ستاسو په عالي ابتکار، زيار او مالي لگښت
مخته تللې او تر اوسه لاهم مخ ته ځي.

ماچي د دعوت په خوږې خپرونه کي کوم شی ليکه نو مي تل پر پښتو
ليکوالانو د اړخ کاوه، چي د دعوت له خوږې خپرونې سره مرسته
وکړی، ځکه دا مالي بار پريوه کس باندي ډېر دی او دا خپرونه زموږ
ده؛ خو تاسو د دغو ټولو رېرونو او ستونزو سره سره دا خپرونه چي نن او
سبا ۲۳ کلنه کېږي، پخپل پښتني غيرت او ژورناليستي واک په يوازې
سر تر دغه ځايه را ورسوله. تاسو رښتيا هم چي د قدر وړ او د ستايني
وړ ياست. خدای (ج) دي له هري بلا، افت، ناروغۍ او خواری نه
وژغوره. امين!

په ادبي درنښت

محمد طارق بزگر ته!

امرالدين سرحد

منڀي يي وهلي يو پښتون په کلي کور کښي
دا يي وويل: چي لرو بر سوخي په اور کښي
ماتري اوريدلي په غورو مي يو خبر دي
نوي راختلي بنکلي ستوري لکه لمر دي
راشي زمونږ انگړ ته په جرگو په مرکو شو
موتي شو قوت شو ژر اوچت په خپلو پښو شو
ډيرو واوريدلي دا خبري خونده وري وې
لاره يي روښانه لرو بريي دا منلي وې
خلکو ورته وويل مالومه دي نن لاره کړه
فکر دي کوه په ښو خبرو مونږه خوشاله کړه
دي مونږ ته بيان شو وويل: دا مې قسم دي
ويڼه کي ده مينه دغه خان مې د وطن دي
دعا وشوه د خلکو چي «بزگر» دي ژر په کار شي
جوړ دي کړي «دعوت» چي ويجاړ کلي زمونږ ښار شي
خپلو غمخپلو ته خدمت، ضمير مجبور کړ
ژوند د زماني او حوادثو دئ مدير کړ
اوس نو مونږه لولو د «عوت» د زړه کيسي
تير شو يو لوی عمر په «بزگر» خوږي ترخي
تل دي د «دعوت» ډيوه روښانه وي
وړانگي يي تودي مخ يي ځلانده وي

ستایش مردی که قلم را نفروخت!
(بزرگداشت جناب بزرگ و رسانهء دعوت)
استاد کم باور کابلی

همرنګ زلال چشمه ساران
همزاد طراوت بهاران
روزنامه نگار با شهامت
مردی ز گرامی یادگاران
بر خرمن ناکسان چو آتش
توفنده چو موج آبشاران
دعوتگر دل به رستگاری
پاکیزه و ناب همچو باران!
کم زاد خجسته ای چو «طارق»
گیتی، به فراز روزگاران!
سروش، اثر خزان نه بیند!
آزاده گی اش، زیان نه بیند

د گرانې ملي فرهنگې څېرې طارق بزگر نمانځغونډې ته زما پېرزوېني پوهنمل رحمت ځواکمن

د لوی خدای په نامه

خپلې خبرې په خپل یوه شعر پېلوم:

لکه تیره د بیابان تل په یو حال یم

ونه، نه یم چې بدله په موسم شم

سر به هیڅ د مریتوب چاته تیت نه کړم

که سوری سوری په غشو د رستم شم

وا به نه وړم د بنایست له پرستشه

که لاهو په اباسین یا په جېلم شم

که غمونه د جانان همدا کانې کړي

وچ صورت به لکه کړکې د چلم شم

خپله وینه مې بښلې ده مظلوم ته

که په ژوند چرته ملگرې د ظالم شم

خبر شوم چې په سوېډن کې د زلمو پاڅون ټولنه له یوې وتلې او نامتو
فرهنگې او ملي څېرې محمد طارق بزگر او د هغه د فرهنگې کار او
زیار ستاینه او یادونه کوي.

زه خو لومړی نوموړی ټولنې ته کور ودانې وایم چې ښه انتخاب، پر
ځای انتخاب او پر وخت یې انتخاب کړی. د هغه چا درنښت ته یې
غونډه رابللی، چې خدای ذاتي دروندوالې هم وربخښلې او په یوازې
ځان کلونه کلونه ستر ملي خدمت او دروند تاریخي رسالت سرته
رسوي.

تر کومه ځایه چې زه گران بزگر صېب پېژنم او ما د ده افکار او نظریات
د ده په اخبار (دعوت) کې کتلي دي، نو ماته تر فولادو کلکه او له
ډېری درنه ملي-فرهنگې څېره ښکاري.

د اړودوړ، چور او تالان، رنگ بدلولو، ځان کړولو، لار چپولو، ځان
درنولو او وخت تېرولو د دې وروستې مهال په دې دريوو لسيزو کې
ډېرې سترې فرهنگې سټې وښودې، بدرنگې شوې، له ملي گټو په

څنگ شوې او له موسمونو سره هم رنگې شوې، خو فکر کوم طارق بزگر تر اوسه له تېرو ټولو پړاوونو بشپړ او سالم راوتلې او د خپلو ملي-اسلامي ارمانونو، افغانستان او افغان ولس ترڅنگ ولاړ دې.

دې دا دوه لسيزي اخبار، د سوداگرۍ او گټې لپاره نه چلوي، دې د خپل اخبار پانې په هسې بېولالو نه رنگوي، بلکه دې د خپل مظلوم او بې دفاع ولس، د خپل تاريخي او جنگځپلې هېواد او د خپل شتمن او بډای کلتور پالنه کوي. دې حق ته حق او باطل ته باطل، تور ته تور او سپين ته سپين، ظالم ته ظالم او مظلوم ته مظلوم، روا ته روا او ناروا ته ناروا وايې. دی په همدې لاره روان دې. دې همداسې دی. د زړه او خوله خبره يې يوه ده. دې د زمان او مکان تابع نه دی. وخت او مکان د ده مريان دي. دې په هر څه پوهېږي، دا غواړي چې هر بدلون، هر مکان او زمان د خپلو ارمانونو پر مدار وڅرخوي، ده ته مال او شتمني، مقام او دبدبه، لنډمهالي او بې خونده ښکاري. دې د خدای د رضا او د افغان انسان د ښېگڼې لپاره شوگيرونه گالي، زيار باسي، او له خپلو ملي او انساني ارمانونو خپل مال او سر نذرانه کوي. دې په رښتيا هم د زياتې ستاينې او درناوي وړ دې.

زه په خپل وار د ده همت، جرت، د کلونو ستړياوو، شوگيرونو او ملي فرهنگې هڅو ته د تعظيم او درناوي لاس په ټټر ږدم، ورته اوږد، سرلوړی او عزتمن ژوند غواړم او د سيدجمال الدين له ټاټوبي راتوکېدلې دغې فرهنگې څېرې ته د سترو ملي فرهنگي کړنو د تر سره کولو هيله کوم.

دويم څپرکي:
دعوت

رسانه ی دعوت

مصطفی عمرزی

جهاد بزرگ افغانان، آزمون دیگری بود که در ورایش فداکاری و ایثار، بار دیگر وجاهت و حیثیت یک ملت با پیشینه را آشکار می کنند. در آن سالیان، هرچند واژه گانی که بار معنایی «درد» داشتند، در روایت حال مردم، جزو ادبیات مستعمل بودند، اما عزت نفس، مردم را در صبوری ایستاده گی، از حافظه ی تاریخی محروم نمی کند. جهات تنازع در تمام انواع آن، افغانان را در راه خدا و میهن، به ایثار می کشیدند.

مقاطعی اند که در بُرش آن ها گاه بُریده گی از گذشته به مبدای نو می رسد. حماسه ی جهاد افغانان، جزو میراث های پُرشکوه تاریخ بشر برای آزادی، مسجل است، اما آسیب های جنگ، پی آمد دشواری هایی شدند که افغانان با تحمل جنگ، ریسک کرده بودند.

دشواری رویایی با یک ابر قدرت، نفس گیرد بود. بنا بر این، بسط مفاهیم جهاد، مبارزه و قدرت از میان جبهه تا عقب جهات، طیف دیگری از افغانان مجاهد را تشویق می کرد تا با کار فکری، فرهنگی و حرمت قلم بکوشند نقش واقعی توده هایی که قربانی شدند و قربانی می دهند، اصل مبارزه ی مردم با اتحادشوروی باشد.

من تا دو سال قبل نیز طارق بزرگ را به جا نمی آوردم. از روی تصادف، یافت نشر مضامینم در سایت «افغان سباوون» که بعداً «دعوت میدیا ۲۴» شد، مرا با یکی از سرد و گرم چشیده گان سالیان ایثار، اما اندوه مردم آشنا کرد.

ملي رسالت / 33

من با شهرت «بزرگ» ها آشنا بودم، اما نمی دانستم فردی از این خانواده از روی لطفی که فرهنگی ست، زمینه می سازد تا در نوبت ما، آزمون دیگری سپری شود که در تنازع فرهنگی آن، ثقلت و دشواری محسوس است.

من از طریق رسانه ی دعوت نیز اندوخته های فکری ام را تقدیم می کنم. خوشحالم که این سعی در زمینه ای صورت می گیرد که از شان و پیشینه ی نیک بهره مند است.

مسرت این که امثال من در زمینه ی تجربه ی بهم پیوسته ای که افغانیت را اصل می داند، بیشتر می شود، در بستر مطمئن این حدود به خانواده ی بزرگ ها مبارکباد می گوید! در رسانه ی دعوت می مانم و برای بزرگ ها توفیق بیشتر می خواهم که پیشه ی آنان (بزرگ) در زمینه ی ملک و ملت، به حاصل نیکو می رسد.

تراژیدی فرار مغزها و ویرانی محاضر مرید و مرشد، افغانان را هوشیار کرده است: فرهنگ و فرهنگی را پاس بداریم!

دعوت خپروني نهه ويشتمې کاليزې په وياړ سراج الحق بېرک زی خدرانې

دعوت د خپلواکو رسنيو مرکز او د دعوت ميديا څلروويشت ويپاڼې مسئول مدير يوه وړه ارزونه ډله ييزې رسنۍ زموږ د ورځني ژوند د لارې مل گرځيدلي دي.

ډله ييزې رسنۍ زموږ په ورځني ژوند کې ستر واک ترلاسه کړي دي. موږ هره ورځ د راډيو، ټلويزيون، اخبار، ميلفون، لپ ټاپ او د انټرنېټ نړۍ له لارې د رسنيو تر اغيزلاندې يو. ډله ييزه رسنۍ په ټولنه کې د مالوماتي او اطلاعاتي خبري سرچيني په څېر خپل رول لوبوي.

رسنۍ د انسانانو په سياسي اندجوړونه کې خورا مهم اغېزمن رول لري. سياست پر رسنۍ او رسنۍ پر سياست باندې نېغ په نېغه اغېز لري. سياست او رسنۍ پر يو بل باندې په دوه اړخيزه توگه اتکا لري.

ژورناليست ته په هره ټولنه کې ستر واک او مسؤوليت ور په برخه کړل شوي دي. ليکوال او رسنوال د ولس غږ او سترگي دي. د خبريال يا ژورناليست په اړه پوښتنه دا ده، چې خبريال د خپلي ژورناليستيکي دندې په تر سره کولو کې څه رنگه خپلي موخي تعقيبوي، څومره پاک انساني نيت او څه ډول ملي احساس لري.

په دې کې هيڅ شک و شويپان نشته چې د دعوت خپلواکه رسنيزه مرکز د افغانستان څخه د باندې د ټولو ملي افغان کډوالو ليکوالو، قلموالو، رسنوالو، کولتوري ودي ټولنو او اکاډميکو بنسټونو او همدارنگه د اکاډميکو روڼ اندو، سياسي شنونکو، کارپوهانو او افغان لوړ پوړي دولتي چارواکو تر منځ د سياست، اقتصاد، روغتيا، شعر و ادب، کولتور او ژبنۍ ډگر کې د کره مالوماتو، اطلاعاتو، د سياسي فکرونو تر منځ اړيکي، د تاريخي پېښو، تجربو، د ازمېښتو اندونو راکړه ورکړه په برخه کې يو ستر پلټ فورم او يو وياړمن مرکزي رول لوبوي.

د دعوت خپروني محتوياتو او منځپانگې په ستره لمن کې تل د انسانيت، افغانيت، اسلاميت، انساني کرامت، د افغانانو ملي دودونه، ارزښتونه، د افغانستان خپلواکۍ، ملي حاکميت، ملي گټو، د بيان ازادۍ او داسې نورو ټولمنلي کوډکسونو ته جدي پام کېږي.

ملي رسالت / 35

د دعوت هره گڼه د افغانستان ملي گټو په چوکاټ کې دې ټولمنلې ارزښتنو او نورمونو ته ځان مسئول احساس کړي او يا ورسره مسوولانه چلند کړي دی.

د دعوت خپروني د هر ډول کرکې، تعصب، تبعيض او پاروونکي ليکنو څخه ځان لرې ساتلي دي. د دعوت په اخبار کې هر افغان ته چې د ملي فکر خاوند وي، له کرکې، تبعيض او تعصب څخه پاک وي، د افغانستان ملي گټو، ملي اسلامي ارزښتونو او ارمانو ته ژمن وي، نه يوازې ځای شته دی، بلکې هغه ته پر لوړ کچ د لوستلو ډير څه لري. د دعوت مياډيا څلرويشت ويبپاڼه:

اټکل له پينځه سوو کلونو راهيسې اخبار په نړۍ کې شتون لري، د وخت په تيريدو سره د اخبارونو په فورم، بڼه او شونتياو کې په پر لپسې توگه بدلونونه راغلي دي.

د نړۍ ډله ييزو رسنيو نوې پرمختگونو ته په کتو سره داسې بريښي چې په نږدې راتلونکي کې به چاپي رسنۍ په ځانگړي توگه چاپي اخبارونه د خپل ژورنالستيکي کيفيت سره سره له منځه ولاړل شي. له بل پلوه د مولتي ميډيا يا ډله ييزو رسنيو شونتياوې چې د انټرنيت له لارې په بريښنايي ډيجيټل بڼه خپريري، د ژورناليزم کيفيت ته نوې چانسونه ور په برخه کړي.

تر اوسه په مالوماتي او اطلاعاتي رسنيو کې اخبارونه تر ټولو کره او د اعتبار وړ مالوماتوسر چيني گڼلي کيږي. اخبارونه له ډير پخوا څخه خلکو ته د لارښوونې او د اعتبار وړ خبرې سر چيني گڼلي شوي دي. د يوه اخبار يا مهالني ځانگړي راز په دې کې نغښتي دی، کله چې اخبار کوم مالومات يا ټولنيز ارزښتونه خلکو ته وړاندې کوي، لوستونکي هڅه کوي په دغه ټولنيزو ارزښتونو کې د خپلوي يو گډ احساس ومومي. له دې سره د اخبار لوستونکي په راتلونکي کې د ټولني د لوړې پرگڼې يا ممتاز قشر- سره په فکري ډگر کې ځان گډ محسوسوي.

د دعوت مياډيا ويبپاڼه بېلابېل په زړه پورې سياسي او ټولنيز علمي مالومات خپروي. دا ويبپاڼه اوس په سلگونو، زرگونو لوستونکي او

کتونکي لري. افغانان هره ورځ په دې وييپاڼه کې د سياسي او ټولنيزو مسایلو تر څنگ خپل ملي او کولتوري ارزښتونه لټوي.

د دعوت مهالني سره زما پېژندگلوي:

کله چې په ۱۹۸۸ کال کې د دعوت اخبار په خپرونو پيل وکړو. د هيواد په دننه او بهر کې د چاپيدونکو آزادو خپرونو کچه ځښته ډيره ټيټه وه. د دعوت اخبار د ناروې په هيواد کې خپرونې پيل کړي وې. زه هغه مهال يو کال مخکې تر دې نيتي د خپل گران هيواد له پلازمېني کابل څخه پېښور ته او بيا المان ته تازه کډوال شوي وم، په لومړي ځل يو دوست ما ته د دعوت اخبار يوه گڼه په پوسته کې راوليرله. په ليک کې داسي هم ليکلي و، کله چې تا دا اخبار ولوست بيا بيرته راوليره او يا يو بل افغان ته يي د لوستلو لپاره ورکړه.

د المان د کډوالۍ په لومړيو کلونو کې زما سره د اخبار د گډون پيسې هم نه وې. اټکل درې يا څلور کاله ورسته مي د دعوت په اخبار کې گډون وکړو او بيا مي خپله قلمي همکاري هم ورسره پيل کړه.

زما په اند، دعوت خپله منځپانگه، محتويات او کاري کيفيت زموږ ملي او اسلامي ارزښتونو سره سم سمبال کړي دي. دعوت هر افغان د افغانستان ملي گټو، اسلامي، افغاني کولتوري، ملي ترمينالوجيکي ارزښتونو، ملي او سياسي سېمبولونو ته دعوتوي.

د دعوت مهالني علمي څېړنيزه ليکنې، تاريخي ادبي مضامين، د افغان لوړ پوړې سياسي چارواکو اندونه، د مخورو افغان شخصيتونو، د نظر خاوندانو خبرې اترې، مرکي، د اقتصاد، روغتيا او چاپيريال په هکله هر اړخيزه مالومات، په ځانگړي توگه د افغانانو د لسيزو ناورينونو او خونړي جگړې د حل لارې چارې لټوي. د لر او بر افغان ولس د يووالي څخه ملاتړ کوي. د افغاني ټولني بقا او ارتقا په برخه کې مثبت رول لوبوي. نړيوالو منلي شوي معيارونه او ارزښتونه ته پام کوي. د دعوت اخبار افغان ځوانانو او مشرانو ته د هيواد پالنې او د هيوادني ميني يوه بله ډيوه گرځيدلي ده.

د دعوت، ډيرې علمي، سياسي، تحقيقاتي، څېړنيزه او تحليلي ليکنې خپروي، د بيان او د آزاد فکر ژمندويي کوي، د افغانانو عامه پوهاوي، ملي روحيې او سياسي وېښ شعور د پنځولو او جگپولو هڅې کوي. په

ملي رسالت / 37

ټوليزه ټوگه دې ټکو ته په کتو سره د دعوت خپلواکه رسنيو مرکز د افغانستان په دننه او بهر کې افغانان ملي يووالي، تلپاتې سولې او ملي امن نظم ته را بولي.

د دعوت مهالنې زما ځکه خوښيري چې يوه بې پرې او ناپېيلې خپرونه ده او د هيڅ يو سياسي گوند او هيڅ يوې ډلې تپلې ته پروپاگند او تبليغات نه کوي. دعوت ملي ورورولې، سولې او ملي پخلاينه لپاره نه ستړي کيدونکي هلې ځلې کوي.

ډيره د خوښې خبره ده، چې دعوت خپروني خپل ۲۹ کلونه د افغان کډوالو په چوپړ کې تير کړي دي. د دعوت خپروني اروپا، امريکا، اسيا، افريقا او استراليا پوري خپلو مينه والو ته رسيري.

د دعوت مهالنې او دعوت مېلډيا ۲۴ ويپپانې مسوول مدير کاري فعاليت ته له لرې يوه لنډه کتنه:

بزگر صيب زموږ په شان کور، کار، خپل خپلوان، دوستان، ميلمه پالنه، د خوښې او خپگان سره مل ژوند لري. بزگر صيب د خپل ورځني نورمال ژوند کارو بار ستونزو سريره ښايې په اټکلي او اوسط ډول د دعوت اخبار د ليکلو، ډيزاينولو، چمتوکولو، چاپلو او د پوستي له لارې ليرلوته لږ تر لږه په ورځ کې د دريو نه تر څلور ساعتونو پورې کار کړي وي. که موږ دغه اټکلي څلور ساعت کار د ۲۹ کلونو په ورځو کې ضرب کړو. موږ ته پته لگيري، چې بزگر صيب د دعوت اخبار چلولو ته د خپل خوږ ژوند څو زره ساعته وړيا کار کړي دی.

د دعوت اخبار کې مو دا هم لوستلي، چې بزگر صيب د افغانستان د سياسي مسايلو د خپرلو، د افغان غميزې او جگړې د حل لارې چارې لټولو په موخه ډيرو هيوادونو ته د سياسي کارپوهانو سره د خبرواترو او مرکو لپاره په زرگونه کيلو متره لرې سفرونه کړي دي.

زما په اند، د دعوت په خپرونه باندې د نيوکو مستحق يواځې هغه څوک کيداې شي، چې دی د کډوالۍ په شرايطو کې د رسنوالۍ دنده لانوره ښه او بهتره ترسره کولي شي.

د دعوت مهالنې ډيزاين او تخنيکي چارې همدرانگه د څرنگوالي په برخه کې ښايې د ځينو په سترگو کې کمزور تياوې شتون ولري. دا بايد

په یاد ولرو، چې اوس د دعوت مسئول مدیر نور یو بې تجربې او غیر مسلکي سړی نه گڼل کېږي.

زه هیله من یم، د دعوت معتبره رسنۍ خپل فعالیت په دوامداره توګه وساتي او په ټولو افغانانو په ټینګار سره غږ کوم، چې د دعوت خپرونه زما او ستا مادي او معنوي مرستو ته څښته ډیره اړتیا لري.

د دعوت د معتبرې مهالنۍ د فعالیت، پایښت او ښې په اړه یو وړاندیز: د دعوت خپروني مسئولین که د وخت له غوښتنو سره سم لږ د نوې نړیوال ډیجیټل ډله ییزو رسنیو پرمختګونو او نوښتونو ته پام وکړي، ښه به دا وي چې د خپلي خپروني بڼه یوې چاپي مجلې ته واړوي. دغه نوې میاشتنۍ مجله باید په هره دوه یا دريو میاشتو کې په یوه ښکلې ډیزاین کې چاپ کړل شي. په دې نوې معتبره مجله کې سیاسي، فلسفي، اقتصادي، روغتيايي، چاپريال ساتني، ټولنيز ادبي، سپورتي او کولتوري مضامین د مسلکي کارپوهانو له خوا نوي په زړه پوري مالوماتي لیکنې څېړنې او ارزونې خپرې شي. د دعوت مجله باید ځان ته خپل لیکوال ومومي، خو د هرې مسلکي څانګې په اړه د خپلو مسلکي کارپوهانو څخه غوښتنه وکړي، د یوې څانګرې موضوع په اړه نوې علمي لیکنې وکړي او د دې لیکنو امتیاز یواځې او یواځې د همدې مجلې سره محفوظ وساتل شي. مجله باید په ډیر ښکلې ډیزاین او رنگه انځورونو کې خپره شي. مجلې ته په پیل کې یوه ارزانه بیه وټاکل شي، دغه نوې مجله باید د افغانستان او د نړۍ په ګوډ ګوډ کې د افغانانو په کولتوري مرکزونو کې وپلورل شي. دا مجله باید د نړۍ معتبرو مجلو په شان لکه الماني مجله ډیر شپيگل، امریکایي مجله ټایمز او د جیوپولیتیک مجلې ته ورته وده وکړي.

د دعوت خپروني نوویشتمې کالیزې په ویاړ: زه د یو لو ستونکي په توګه د دعوت ۲۹ کلن کولتوري هاندې هڅې، نوښتونه او بریاوې لوړې ارزوم او د زړه له کومي یې ستایم. حالاتو ته په کتو سره فعالیت ډیر مثبت او عالي ارزوم، د امتیاز څښتن او درنو چلونکو ته د دې خپروني د ۲۹ مې کالیزې د رارسیدو په ویاړ مبارکې وایم.

ملي رسالت / 39

زما په اند د چاپي رسنيو څېړنيز خبريال بزگر صيب اوسپنيزه اراده او هڅې د ستايلو وړ ځکه دي، چې په کډوالۍ کې يې دغه رسنيزه بنسټ په خپل وس او توان سره په سمه او بريالي توگه مديريت کړي او تر ډيره بريده د ژورناليزم اصول مراعت کړي دي.

سباغلي بزگر ته د وياړ او خوښې ځای دې چې دعوت مهالنۍ وکولای شول د ډيرو اقتصادي ستونزو او لږو مالي مرستو سره سره د افغانانو د گډوالي په اوږده تاريخ کې د خپل بې پرېوالي تگلارې پر بنسټ د يو ملي تاريخي وياړمن اخبار نوم خپل کړي.

دعوت د خپلو قلمي همکاران پر مټ د افغانستان په دننه او بهر کې د اعتبار وړ يو پياوړي آزاد ملي رسنيزه ځواک گرځيدلي دي. د دعوت مخاطبين د هيواد ملي روڼ اندې يا د افغاني ټولني لوړ پوړي پرگنې دي. دعوت، لوی افغانستان د ټولو افغانانو گډ کور گڼي، ځکه يې د ملي افغانانو په منځ کې ښه نوم گټلي دي.

به مناسبت ۲۹ مین سال نشراتی دعوت میدیا با مدیریت محمد طارق بزگر کاندیدای اکادمیسین استاد م.ا. سیستمی

محمد طارق بزگر، یکی از نخبه گان فرهنگی و اطلاعات جمعی در خارج از افغانستان است که قریب سی سال از بهترین ایام عمر خود (۱۹۸۸-۲۰۱۷) را در راه تنویر افکار و اذهان هموطنان خود با نشر مجله‌و دعوت و سایت دعوت میدیا، صرف کرده است. ۳۰ سال کار مطبوعاتی و آگاهی رسانی بلا توقف و بدون مزد، در توان هیچ کدام از ما خواننده گان و همکاران قلمی آقای بزگر نیست.

آقای بزگر، چرا این همه وقت و انرژی و توان جسمی و مادی و معنوی خود را در این راه صرف کرده است؟ آیا علت این همه سعی و تلاش او به خاطر کسب مقام و جاه دولتی بوده است؟ نه خیر. من فکر می کنم که علتش همانا عشق بی کران به کشورش افغانستان و مردم و زبان و فرهنگش بوده و است. عشق و محبتی را که من در وجود این شخصیت خوش برخورد و مؤدب و صبور و بردبار نسبت به افغانستان درک کرده ام، کمتر از عشق و علاقه ای نیست که اعلی حضرت امان الله خان برای تعالی و ترقی کشور خود داشت.

دانشمندان جامعه شناسی در مورد عوامل پدید آورنده شخصیت انسان می گویند: شخصیت، ساختهء وراثت و محیط زیست اوست؛ یعنی انسان با خصوصیات ژنتیکی خاصی به دنیا می آید، و پس از آن سر و کارش با محیط اجتماعی اطراف او است.

محیط اطراف، عبارت از خانواده، همسایه گان یا اهل روستا، کودکستان و مکتب، و بالاخره جامعه است که نقش مهمی در شکل دهی شخصیت انسان دارد.

انسان از محیطی که در آن بزرگ شده است، خواهی نخواهی تاثیر می پذیرد. اگر از اطرافیان خود محبت دیده باشد، با دیگران با محبت رفتار

ملي رسالت / 41

می کند و اگر خشونت دیده باشد، طبعاً خشن بار می آید و با دیگران از در خشونت پیش خواهد آمد؛ اما ذکاوت و خلاقیت و ابتکار از وراثت انسان سرچشمه می گیرد. به همین جهت است که انسان های یک جامعه، همه دارای عین قابلیت و استعداد و خلاقیت نیستند و هر کدام، دارای مختصات و ویژه گی های منحصر به خود اند که با همان ویژه گی ها از یک دیگر متمایز می شوند.

تا زمانی که انسان، در عرصه زنده گی و کار از خود مهارت و لیاقتی تبارز نداده باشد، نمی توان در موردش نظری مشخص ارائه کرد؛ فقط در روند کار و در پراتیک زنده گی است که ظرفیت انسان و توانائی هایش متبارز می شوند و دیگران را تحت تاثیر خود قرار می دهد و حسن نظر یا سوء نظر اطرافیان را نسبت به خود برمی انگیزاند. مثلاً انسان ها با تبارز قابلیت های خاصی در عرصه های سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، فلسفی، یا هنری از خود آثاری چون کتاب، مقاله، رساله، یا یک اثر هنری از قبیل آهنگ های موسیقی، مجسمه یا تابلوی نقاشی، بر جا می گذارند و به خاطر آفریده های خویش، در جامعه متبارز و صاحب نام و شهرتی می شوند. شناخت چنین آدم هایی کار مشکل نیست و می توان از روی آثار شان، به طرز تفکر و ایده ها و نیات و پیام شان پی برد و آنان را برای نسل های جوان حال و آینده جامعه معرفی کرد.

جوانان نیز علاقمند اند تا از کرکتر و کارنامه آدم های موفق، برجسته و خلاق تاسی بجویند و شخصیت خود را تکامل ببخشند. طبعاً این احساس، آن ها را به سوی تلاش برای طی کردن پله های ترقی و تعالی و کسب درجات علمی بالاتر و زنده گی آبرومند و فارغ از کثی و نادرستی، تشویق می کند.

آن هایی که در ابراز لیاقت، خلاقیت، درایت، کسب علم و فضیلت، راستی و درستی و وطن دوستی از آزمون زمان موفقانه عبور کرده باشند،

ملي رسالت / 42

نخبه گانی استند که مایه افتخار و سرمشق دیگران می شوند و همواره الگوی راستی و درستی و انسان دوستی پنداشته می شوند؛ اما انسان هایی که فاقد استعداد و ذکاوت و خلاقیت و لیاقت استند، معمولاً به ریاکاری و تملق و چاپلوسی و دروغ متوسل می شوند، و معلومدار افراد زبون، اپورچونیست و ابن الوقتی اند که به خاطر حفظ یا کسب منافع شخصی، سر و گردن خم می کنند و برای جلب توجه ارباب قدرت حاضر اند تن به هر پستی بدهند.

هر یکی از ما در زنده گی روزمره خود، با هر دو گروه انسان های خوب و آدم های بد و پلید رو به رو شده ایم؛ از آدم های نیکوکار و نگونام، به نیکی یاد می کنیم و از انسان های فاسد و استفاده جو و دروغگو اظهار نفرت و انزجار می کنیم.

از بحث به دور نرویم، بحث بر سر محمد طارق بزرگ، یکی از شخصیت های فرهنگی افغانستان مقیم کشور ناروی است. بزرگ، فرزند دره های سرسبز و کوهساران پوشیده از جنگلات طبیعی و درختان کاج و نشتر ولایت کنر است.

گُنر یکی از ولایات دور افتاده در شمال شرق سلسه کوه های هندوکش واقع شده و دارای مناظر طبیعی زیبا و دره های پر جاذبه و دلکش است. در این دره ها، رودهای سرمست و پر آب با آبشار های زیبا و دل انگیز از میان سنگلاخ ها جریان دارند که مایه حیات انسان و حیوان و نبات منطقه استند.

جناب بزرگ، در چنان فضای آزاد و خوش آب و هوا، در یک خانواده منور و تحصیل کرده و صاحب قلم پشتون با قابلیت و استعداد خلاقیت و سرشار از حب و وطن دوستی به دنیا آمد و از عطف والدین و برادران و خواهران خود، محبت و صفا و صمیمیت دید و راستی و صداقت شنید و به تدریج بزرگ و بزرگتر شد تا به مکتب رفت و از معلم و استادش نیز درس آزاده گی و صداقت و محبت به وطن را

ملي رسالت / 43

همان گونه که در خانواده شنیده بود، به تکرار شنید و آموخت. بزگر وقتی قدم به سن جوانی گذاشت و نزدیک بود صنف یازدهم لیسه نادریه کابل را تمام کند و بقیه پله های تحصیل را در وطنش طی کند، ولی متأسفانه که تجاوز اتحاد شوروی برکشورش، او را از آغوش مادر وطن به دور ساخت. او در سال ۱۹۸۰ مثل هزاران تن دیگر، راه مهاجرت در پیش گرفت و از کابل به پشاور رفت. در آن جا دروسش را ادامه داد و در رشته علوم سیاسی و اسلام از اسلامیة کالج و پوهنتون پشاور لیسانس گرفت و در حالی که ۲۱ یا ۲۲ سال عمر داشت، به کشور ناروی پناهنده شد.

بزگر، در سال ۱۹۸۸ در کشور ناروی به حیث یک مهاجر افغان از حمایت های اجتماعی و فرهنگی کشور ناروی برخوردار شد، و در رشته کامپیوتر و میدیا و کمیونیکیشن (مطبوعات و ارتباطات) به تحصیل خود پرداخت.

بزگر در رشته ژورنالیزم، دارای تحصیلات عالی و تجربه زیات بوده و در عرصه ژورنالیزم انترنتی نیز دارای تحصیلات بلند از شمال ناروی است. او برای سالیان دراز در تلویزیون دولتی ناروی (NRK) کار کرد و نیز از طریق آنلاین در انگلستان، رشته ژورنالیزم خویش را تقویت کرده است.

آقای بزگر در پهلوی درس و تحصیل خود در ناروی، در صدد برآمد تا به مردم افغانستان از یک طریق سالم خدمتی انجام دهد؛ چون علاوه بر ذوق و علاقه به مطبوعات و رسانه های جمعی، خود را با دانش و تیوری این رشته از علوم انسانی مجهز کرده بود، در دسمبر سال ۱۹۸۸ دست به نشر یک مجله ماهانه به نام دعوت زد. بزگر خود گفته است که کار نشراتی مجله دعوت را در اوج مشکلات، با امکانات اندکی از طریق نوشتن با دست خود آغاز کرد و پس از نشر مجله، خود را مجبور دید آن را برای هموطنان نزدیک خود ابتدا در کشور های

ناروی، سویدن و دنمارک توزیع کند و مصارف پستی را هم از جیب خود پردازد.

به تدریج علاقه مندان دعوت در کشور های دیگر اروپائی و امریکایی بیشتر می شوند و او خود را مکلف می بیند دعوت را که حاوی اطلاعات و آگاهی ضروری سیاسی و اجتماعی و ادبی بود، به بیش از پنجاه و پنج کشور اروپائی و آسیائی و امریکائی برای افغانان برساند.

با رواج انترنت و میدیای برقی، در نیمهء دوم دههء ۹۰ قرن بیستم، آقای بزگر، کار بروز رسانی سایت دعوت میدیا را به زبان های پشتو و دری و انگلیسی و نارویژی با صداقت و وطن پرستانه به مردم افغانستان ارائه کرده است.

آقای بزگر بدون وابسته گی به سازمان سیاسی خاص، با دیدگاه فراخ، هرگونه نظریات مخالف و موافق را مجال نشر و امکان تبارز می دهد. به همین لحاظ او مورد احترام همه افغانان و به خصوص همکاران قلمی و مطبوعاتی خود قرار دارد و با خلق خوش و کرکتر عالی ای که از تربیت خانواده گی خود به ارث برده است، همه را گرویدهء شخصیت متین و با وقار خود ساخته است. اینک از خدمات فرهنگی او به حیث مدیرمسئول دعوت میدیا، ۲۹ سال می گذرد. او در این مدت به طور خسته گی ناپذیر در راه بیداری و تنویر اذهان و شعور جوانان کشور، نقش روشنگرانهء خود را منحصیث یک افغان و طندوست و خدمتگزار افغانستان به نحو خیلی تحسین برانگیز انجام داده و می دهد. این همه پشت کار و صرف وقت و انرژی، بدون تردید، ناشی از عشق عمیق او نسبت به مردم کشور و آگاهی دادن به مردمی است که خودش از میان آن ها بیرون آمده است. از این جهت جناب بزگر صاحب، دین بزرگی برگردن ما افغان ها دارد. بنابراین من این خدمات معنوی و با ارزش آقای بزگر را قابل تقدیر و ستایش می دانم و برای

ملي رسالت / 45

سرفرازی این شخصیت برازنده و یکی از فرهنگیان نخبهء کشور، عمر طولانی و توفیق مزید از خدا آرزو می کنم.

د دعوت ښکلي مجله او ښکلي پانه عبدالغفار جبير

د ((دعوت)) مجلي او ويب پاڼې مؤسس ښاغلی مشر- ورور محمد طارق بزرگ صاحب هغه څوک دی چې د لومړي ځل لپاره يې زما لومړی اثر (ما ولي اسلام قبول کړ؟) د ده په هڅو او مالي لگښت سره په ۲۰۱۰ ميلادي کال کې چاپ شو، که زه په لنډو کې درته وليکم: ((ښاغلي بزرگ صاحب زه لیکوال کړم.))

ما له نن څخه ۸ يا ۹ کاله مخکې دعوت ويب پاڼې ته ليکنې لېرلې، چې کله به مې يوه ليکنه ولېرله، د دوهمې ليکنې لپاره به بزرگ صاحب تشويق راکړ، او وبه يې هڅولم چې بله ليکنه او ژباړه وکړم، زما دوهم اثر (اسلام او نوي ساينسي- څېړنې ۱ ټوک) هم د ده په کوشښ په سويډن کې تکړه ورور ښاغلي ملک زي صاحب چاپ کړ، او بزرگ صاحب ته دې الله جل جلاله په دنيا او آخرت کې پوره عوضونه ورکړي. (امين)

د ښاغلي محمد طارق بزرگ صاحب ښکلي ويب پاڼه چې مخکې د (افغان سباوون) په نامه او بيا (دعوت ۲۴) شوه، ډېره يوه هر اړخيزه او معلوماتي ويب پاڼه ده. مور تر هر څخه مخکې همدغه ښکلي پاڼه اقلاً په ورځ کې څو څو ځلي گورو؛ دا ځکه چې داسې ليکنې پکښې شتون لري، چې په نورو ويب پاڼو کې نشته او بې بېلگې دي. اسلام، سياست، ساينس، سپورت، تاريخ، د نړۍ هېښونکي او هر ډول ليکنې، کتابونه او وډيو گانې پکښې شتون لري. د افغانانو د درد احساس، د سولې پيغام، د ښکمرغۍ ولولې، د سکون ټکور، د پرمختگ لارې چارې او داسې نور اړين توکي پکښې پراته دي، نه يواځې د هغو افغانانو ولولې او احساسات منعکسوي چې په لويديځ کې اوسېږي بلکې د گران هيواد افغانستان ورځنۍ تودې پېښې او ناخوالي هم پکښې رانغښتې دي، چې همدا د دې ښکلي پاڼې يوه ځانگړتيا ده. د بزرگ صاحب په دې نړيواله پاڼه کې علاوه له دې څخه چې افغاني او اسلامي ليکنې خپرېږي بلکې ازادې ليکنې هم سته، چې گېدای سي همدغه ليکنې په ډېرو ويب پاڼو کې شتون ونلري، چې مطلب مې دا

ملي رسالت / 47

دئ چي بزگر صاحب خپله يو تکړه نړيوال ژورنالست دی، نو تر ډېرې اندازې پورې د ژورناليزم د اصولو مطابق د بيان ازادي يې هم پلي کړېده

دعوت خپرونه:

مور زبڼه ډېرې مجلې لوستې او يا يې هم لولو، هم خارجي مجلې او هم داخلي مجلې، خو د ((دعوت)) مجله يوه بې مثله، معلوماتي او هر اړخيزه مجله ده.

بزگر صاحب مور د ((دعوت)) مجلې هره گڼه راليري. کله د ليکوالانو، اديبانو، پوهانو او علماء داسې گڼه گونډه جوړه سي چي بيا مور دغه مجله فوتو کاپي کړو او بيا يې تر ملگرو او دوستانو پورې رسوو، چي له دې ښکلي مجلې څخه مور هر څه لکه: سياست، افغانپوهنه، ادبيات، تاريخ، ساينس او نور.... رازده کړيدي. که زه په دا هر څه په يوه جمله کي را ونغاړم نو زه ويلاي سم ((د دعوت مجله او ويب پاڼه يو نړيوال دائرة المعارف دی)). الله جل جلاله دي و بزگر صاحب ته اوږد عمر ورکړي چي همدا ملي وياړ تل له ځانه سره ولري، او همدا ملي خدمت ستر عبادت وگڼي.

د دعوت ۲۹م پسرلی قریب الرحمن سعید

د هیواد په سخت پېچلې، د ناوړینو او ناندریو ډک تاریخ کې، نژدی ۲۹ کله مخته د نومبر په میاشت کې، د دعوت تر نامه لاندې، محترم طارق بزگر، د خپلو او د خپلو مینوالو د احساساتو د بیانولو، څرگندولو، او د هیواد د سیاسي او ټولنیزو حالاتو څخه د عامو ولسي-وگړو د خبرولو په خاطر، د فقر او بې وطنۍ په فضا کې، د ناروي د هارایډ څخه، میاشتنۍ خپرونه پیل کړه. دا په داسې حال کې چې نه هغه وخت کمپیوټرونو ته دومره وده ورکړل شوي وه او نه د اوس په څیر د لیرد رالیرد اسانتیاوو شتون درلود او نه دغه ډول نور کمپیوټري او یا تیلیفوني سهولتونه شتون درلود. یواځنی وسایل چې ترې گټه اخیستل کیده د فکس ماشین او یا هم د پوستي خط وه. د فکس د ماشین سهولت هم ډیر کم میسر و.

زما یاد دي چې محترم بزگر صیب به د خپلو ورځنیو کاري مصروفیتونو ترڅنګ د شپې تر ناوخته پوري په پوسته کې راغلي لیکونه، شعرونه او مضمونونه پخپله تصحیح او تایپ کول او بیا به یې په خپله میاشتنۍ خپرونه کې د خپریدو له پاره آماده کول. هغه وخت دغه څیړنیزه سیاسي ټوله به لمړۍ چاپ او بیا به ټولو مینه والو ته د پوستې له لارې ور لیرل کیده، چې پوستي مصارف به یې هم پخپله د دعوت د بنسټ ایښوونکي او مسوول مدیر له اړخه ور کول کیدل. کم مثال به تر سترگو شي چې د دعوت مینوالو به ورسره د دي اقتصادي بار په پورته کولو کې لاس کړی وي، خو د دعوت مسوول، خپل ولس او د ولس منوري طبقې ته د خپلې سیاسي ټولې (دعوت) ورلیرل د خپل ځان لپاره یو چلینج گڼلی و په دي خاطر یې د خپلې هغه پانګې څخه، چې د خپلو متو په زور یې گټله، ډیره برخه د دعوت په چاپ او بیا د دي سیاسي او ټولنیزې ټولې په پوستي مصارفو لږوله.

۲۹ کاله مخته هیواد د یوي توری تیاری سره مخ و. دهیواد په سیاسي او ټولنیزه فضا وحشت او دهشت حاکم و. په سلگونه زره انسانان د وخت د بیرحمه حاکمانو د تیریو له لاسه د خاورو خوراک گرزیدلي

و. ولس مو په مختلفو گاونډيو او اروپايي هيوادو کي د مهاجر په نامه پاشل شوی و. مينډی بوري شوي وی، ناوي کونډی شوي وي او کوچنيان يتيمان شوي وو او په پرديو هيوادو کي د اجنبي انسانانو لاسو ته ناست وو. او هر چا چي څنگه يی زړه غوښتل همغسي لوبی يی پري کولي.

د هيواد دننه په مطبوعاتو سانسور و، ان تر دي چي د بهرنيو راډيوگانو خبرونه اوريدل هم مرگوني جرم گرزيدلي و. ولس د خپل هيواد په اړه د هيڅ نه خبر نه و. نه د انټرنېټ سهولت شتون درلود او نه د سپورمکيو استانيتاوي ميسري وی ترڅو ولس تري د خپل هيواد د سياسي او ټولنيزو حالاتو په اړه کره معلومات تر لاسه کړي. په داسي کرغېړنو او د ناندریو نه ډکو حالاتو کي د دعوت مياشتنی د ولس د يو شمير منورينو له پاره د رڼا او مثال حيثيت درلود. هغوي کولي شول چي ددي لاري خپل نظريات د ولس د نورو پرگنيو سره شريک کړي، او د دعوت مسوول او بنسټ ايښوونکي هم د ټولو تهديدونو او گواښونو سره سره بيا هم په خپل هوډ او عزم کلک ولاړ و. هغه خپله دغه مياشتنی د ټولو اقتصادي او ټولنيزو ستونزمنو شرايطو سره يو ځای فعاله و ساتله، ان تر دي چي په انټرنېټي دوران کي يی د دعوت ترنامه لاندي پانه هم پرانيسته چی د هيواد د ملي ژبو (پښتو او دري) نه علاوه يی په انگليسي او نارويژي ژبو هم خپروني پيل کړی.

دعوت هم په انټرنېټي جال کي او هم په چاپي برخه کي په دغه ستره تاريخي اوږده موده کي د هيواد د مطبوعاتو د يوه ځلانده ستوري په څير وځليد، په خپرونو کي يی ورځ تر بلي د علميت او د انسانيت او حق په لور د بللو وړتيا نوره هم زياته شوه او ډير ژری د انټرنېټي خپرونو له لاري په نړيواله توگه د هيوادوالو تنده ورماته کړه.

دعوت د خپل تاسيس نه را وروسته په دي اوږده موده کي ډير ستر او تاريخي گامونه اخيستی، د هيواد د ملي گټو او شتمنيو يی دفاع کړی، د وطن او هيواد پالنې روحیه يی غښتلی کړي، او ولس يی د پرديو او پرديپالو، د استعمار او استعمار، اشغال او نيواک په مقابل کي د يوه واحد دريځ په لور رابللی.

ملي رسالت / 50

تر هغي چي ما د دعوت خپروني لوستي اويامي يي انټر نيتي ليکني تعقيب کړي، په هيڅ يوه کي يي هم د هيواد سره د ميني او د خپلو ملي ارزښتونو او مقدسي خاوري د دفاع نه اخوا د نورو قومونو تر منځ د تعصب نسبي نه دي څرگندی شوي، بلکه په يوه متحد پليټ فارم د ولس د راتوليدو دروند مسؤليت يي په غاړه اخيستي او تر اوسه پوري دغه دروند مسؤليت په غاړه لري.

زه د دعوت بنسټ ايښوونکي مسوول مدير، محترم محمد طارق بزگر ته د دغي ملي خپروني د ۲۹مې کليزي په مناسبت د زړه له کومي مبارکي وایم او د الله تعالي نه ورته په دي اړه د لایزات توفيق غوښتونکي يم.

۲۹ کاله دعوت وشو، خو زمونږ د وپښتانه کار څنگه شو؟ محمد آصف ننگ

۱۳۹۶ د تلې میاشت، کابل:

۲۹ کاله يعني د يو نسل عمر، دومره ډېر کلونه د دعوت ورځپاڼي دعوتي او د وپښتانه او د اذهانو د تنوير ماموريت ترسره شو، د خپلې مطبوعاتي تجربې له مخې، چې د وطن مياشتني مجلې او بيا د اقتصاد مياشتني مجلې د مدير مسوول په حيث مسووليت درلود، راته معلوميري چې د ټولني د بيدارولو او پوهولو کار څومره ستونزې لري. دغسې دروند، له مسووليت او زحمت ډک منزل، چې بناغلي محمداطراحي بزگر او ټيم يې پوره ۲۹ کاله طي کړي، واقعاً له عظمت ډک دی او سخت د قدرداني وړ ده. په همدې دعا چې خدای پاک دې د دې غښتلي شخصيت قلم او پيام پياوړی لري او هم دې خدای پاک پر دې ملت رحم وکړي چې د غفلت له خوبه راوبښ شي او د نړۍ د ترقۍ او پرمختگ له کاروان سره دې دوی هم سيال شي.

دعوت خپرندوی مرحلې:

که ۲۹ کلن تسلسل ته وکتل شي، زه يې په څو مرحلو کې څېړلې شم: (۱) په افغانستان کې د انقلابي احساساتو مرحله. دا هغه مرحله وه چې د رغوني او تحمل پيامونه پکې کم چلیدل. دا داسې مرحله وه چې د انکشاف، ترقۍ او پرمختگ او د نظام جوړونې په هکله بحث کول، ډير اوریدونکي او خریداران نه درلودل، خو دعوت پدې کلونو کې هم ډېر ښکلي مباحث درلودل. دعوت پدې مرحله کې يو روڼ آندۍ قشر-وروزه او هغه قشر د نن ورځې په کار و بار کې ډېر ښکلي او مثبت نقش ایفا کوي. دعوت پدې کلونو کې د انقلابونو پيامونه کم او د وطن او وطن پالنې پيامونه ډېر نشر کړل.

(۲) بله مرحله د طالبانو مرحله وه. دا کلونه هم سخت ول. داسې کلونه وو چې پکې بيا هم د وطن او وطنپالنې سودا ورکه شوې وه. فکري اختناق ته ورته مرحله وه. د ليکوالانو قلم نه چلیده. محدودیتونه هم پريمانه و. پدې کلونو کې دعوت له وطن ليرې و خو مخاطبين يې په

ايران، پاکستان او غربي هيوادونو کې تر ټولو ډېر و. دعوت پدې کلونو کې د وطنپالنې تر څنگ، خپله بې طرفي حفظ کړه، او د وطن د نجات او فلاح لپاره يې ښې ډېرې مقالې خپرې کړې.

(۳) تر سپتمبر (۱۱) وروسته مرحله، دا زمونږ په تاريخ کې د بدلون او تحول تر ټولو عمده مرحله ده. پدې مرحله کې د افراط تر حده د ديموکراسۍ شعارونه وغږول شول. پدې مرحله کې دوه درې پدېدې د بحث وړ دي. اول دا چې رسنۍ غريزي او چاپي ډېرې شوې، بيا يو څو کاله وروسته پسي بصري رسنۍ او تلويزونونه ډېر شول. پدې رسنيزه وسايلو کې خو شوقي او تفريحي برنامې ډېرې دي، خو د خردمندي، بيدارۍ، تعقل، تربيت او هدفمنده ماموريت ته د ولس د توجه کولو او بسپچ کولو پيامونه پکې ډېر کم خپاره کيږي.

پدې حاضر دور کې خواله رسنۍ، تويتر، فيسبوک او ... هم پرې اضافه شول، چې د پيامونو د مديريت او سانسور سلسله يې ختمه کړه؛ بې بندوباري يې وزيروله، د حق او باطل، د سهې او غلط او د گټور او مضر پيام او خطاب تفکيک يې مشکل کړ.

بل دا چې پدې مرحله کې د چاپيزو رسنيو، يا پرنټ ميډيا، نقش ډېر کمزوری شو. د خبر د نشر سرعت زيات شو او هر څه په ډيجيټل بڼه واوښتل.

پدې حاضر دور کې دعوت او بزگر، دواړه بڼه چليدلې. د تير و ۱۶ کلونو تسلسل مې په چابکه توگه وکتو، واقعاً ډېر عالي پيامونه خپاره شوي، د اعتداله پر کرښې تگ شوی، ابله بازاری او اپلت پيامونه او مقالې قطعاً ندې نشر شوي. پدې مرحله د دعوت په مطالبو او مقالو کې د سولې غوښتونکي، چاپيريال او محيط زيبست، معادن، منابع، اقتصاد، سياسي اصلاحات، وده او انکشاف، پوهنه، زراعت او هر ډول تنوع څخه ډک نشرات شوي دي.

د بزگر صاحب په اړوند رسنيو کې د هنر برخه هم ښکلې اثار لري. د محلي نايابه موسيقي کليپونه، تصويري هنر، جالب عکسونه او ...

د دې ټولو معنا دا چې دعوت د عصر په ژبه بڼه پوهيږي، اعتدال او معقوليت بڼه ساتلې شي او د وخت له تقاضاوو سره سم منزل کولی شي.

سپارښتې:

ملي رسالت / 53

سپارښتنې مې هم مختصره دې. ويپ پانې کې دې د پښتو کتابونه ور اضافه شي، په خاصه توگه هغه کتابونه چې ژباړې ته ضرورت لري. د امريکا او اروپايي سياست او اقتصادي ودې په هکله ډېر ښکلي آثار چاپ شوي، که ژباړه يې ترسره شي او بيا علاقه مندانو ته کېښودل شي، نو د سياسي بصيرت په برخه کې به مهم نقش ولوبوي.

بل دا چې که دعوت د مهالنې يا فصلي مجلې په حيث په عصري او رنگه بڼه چاپ شي، نو د چاپي رسنيو صنعت او د مطالعې کلتور به ادامه پيدا کړي.

ډير خلک انټرنيت ته لاسرسی نلري، او يوزيات شمير خلک په پوهنتونونو، انستيتوتونو او مکتبونو او مدرسو کې دي. دوی بايد له پامه ونه غورځول شي. ځوانان ځکه مهم دي چې خدای مکره بيا د افراطي افکارو ښکار نشي. انقلابونه له همدې څو پوهنتونونو را شروع شول او څلويښت کاله يې دوام وموند؛ وطن يې هم ړنگ کړ او دوه ميليون وگړې پکې شهيدان شول؛ ځکه نو تاکيد کوم چې مجله دې هم خپره شي.

زه شخصاً د دعوت هغه مزمن لوستونکی او مينه وال يم، چې له دعوت مې ډېر څه زده کړې؛ ځکه نو دغه خپرندوی بنياد حق لري چې امتنان يې وکړم.

له چلونکي ټيم، مشرتابه او د ليکوال غړو له ډلې څخه يې... رڼا مو لا ځلانده اوسه او خدای پاک دې د دې سپېڅلېو زحمتونو بدله په دنيا او آخرت کې درکړي.

زه او دعوت، ۲۳ کاله د مخه!

سردار ولي پښتون زوی

ما هم د نورو لالهاندو افغانانو په څېر، سترگي د کډوالۍ پر مهال په پردي وطن کي روڼي کړې. ستونزي، بي وطني، پرديتوب او نور ډول-ډول ذهني شکنجې د هري ورځي مهال وېش وو.

۱۹۹۴ع کال زما د پاره ځکه خوش کال دئ چي زه په لومړي ځل په اول نمرگۍ سره دريم ټولگۍ ته بريالی سوم، او په ټوله ښوونځۍ کي به فاتحانه او مغرور گرځېدم. دا ابتدايه ښوونځی د بلوڅستان پاکستان د پښين اولسوالۍ سرانانو نومي کمپ کي وه، چي اوس د جمالدين افغان ليسې يا ۱۵ نمبر ښوونځی په نامه يادېږي. دا چي د دې تعليمي نصاب چلښت تر اوسه پوري د ملگرو ملتونو د کډوالو اداره کوي، نو به ئي څارونکي تل د همدې ادارې وه. يوه ورځ يو څارونکی له يوه بهرني سره ملگري ټولگۍ ته راغلل او زمور ښوونکی ته ئي د بهرني تر مخ د يو زده کوونکي څخه د پوښتني غوښتنه وکړه. ښوونکي ماته د دوديز سبک له مخه د پښتو کتاب د يوې پاڼي د متن ويلو وويل؛ چي بايد په لوړ برغ وي. ما هم هغه پاڼه په خوند وويل. بهرني فکر وکړ چي ده لکه چي همدا څو پاڼي ياد کړي؛ په لاس کي ورسره مجله ماته راکړه او په ژباړن ئي راته وويل چي له دې مجلې څه ووايه! ما چي د مجلې پر تندي لومړۍ کرښه وويل، ټولو ته ئي خوند ورکړ؛ کرښه کي ليکل سوي:

((د دعوت خپلو درنو لوستونکو ته د خپل څلورم نشراتي کال مبارکي وايي.)) نوري پاڼو کي هم پوښتنه وسوه، خو هره پاڼه چي به ئي وښوول، لکه بلبل داسي به ورغېدم.

وروسته څو نور ټولگيوال هم وپوښتل سوه، خو په مجله څوک نه جگېده. بهرني کس له وتو سره هغه مجله ماته د انعام په ډول راکړه چي تر ښوونکي پوري د ټولو خولې اوبه ورته کولې.

ښوونځی، گلي او کور کي اوازه وه چي سردار ولي ته ئي انعام کي (کتاب) ورکړی، هغه هم يوه بهرني! ځکه مو کتاب باله چي هغه وخت کي مور مجله او کتاب نسوای سره بېلولای. دا مجله د ((دعوت)) درنه

ملي رسالت / 55

مجله وه چي وروسته نو دې مجلې راته د ملي هنداري ارزښت لاره او تل به مي په کور کي په خورا سينگار ډول ساتل. کلونه تېر سوه، يوه ښوونکي مي راته وويل چي هغه ستا سره مجله د خو ورځو د پاره راکړه. مجله مي په ورين تندي ورکړه، خو مجله مي بيا ونه مونده او ښوونکي به راته وويل چي زه به بيا بله درته راوړم. اټکل تر اوسه پوري غواړم له هغه ښوونکي خپل روا حق وغواړم، خو ښوونکي مي لس کاله وړاندي ومړ او زما د ژوند دا غوښتنه د تل د پاره رد سوه!

دعوت

(ډيرو هغو پيغلو او ځوانانو لپاره چې خپل هيواد
نلری د يوې لارښود په حيث خپل رول لوبولی دی)
شاهي سعادت

انسانان د خپلو معلوماتو پر بنياد د خپل ژوند لارې ټاکي او د خپلو
معلوماتو په رڼا کښي خپل ژوند تيروي. ويښ انسانان، قومونه، ولسونه،
او ملتونه تل کوشن کوي چې معلومات يي د حقايقو پر بنسټ ولاړ
وي. همدغه وجه ده چې دوی تل کاميابه، سرلوري، پر خپلو ځانونو
معتقد او خپلواکه ژوند کوي.

که په تيرو وختونو رڼا واچوو او مختلف ولسونه يو له بل سره پرتله کړو
نو په ډيره اساني سره به ووينو چې هغه ولسونه چې د غلطو معلوماتو
ښکار شوي دي نو يا خويي نوم او نښان ورک شوي دي او يا د تباهي
ښکار شوي او د ذلت او د بل واکي په تورو شپو کښي د محتاجي ژوند
تيروي.

که چيرې مونږ د افغانستان دې تيرو څو لسيزو ته يوه کتنه وکړو نو پدې
به پوه شو چه هغه غلط معلومات چه زمونږ تر غورونو تر ننه پورې
رارسيږي ترينه تر څومره د پرديو گټو دپاره استفاده شوې ده او څومره
زمونږ د تباهي او بربادي سبب گرځيدلی دی.

د دغو ټولو حقايقو په نظر کي نيولو سره بايد ووايو او دا ومنو چې
معلومات او رسني زمونږ د ژوند او مرگ سره تړلي دي. دا بايد ومنو
چې سپيڅلي ژورنالستان هميشه د خپلو پرگنو او ملتونو گټي له خپل
ژوند څخه برترې گڼي او خپل ژوند د خپل ملت په ژوند کښي ويني.
نو ځکه په ډيرو ځايونو او حالاتو کښي دغه سپيڅلي انسانان د ظالمانو،
وحشتگرو او د بي ضميره انسانانو د توطئو ښکار شوي، په زندانونو
کښي غورځول شوي او ډيرو خپل ژوند له لاسه ورکړي.

ښاغلي محمد طارق بزگر هم يو له هغو سپيڅلو ژورنالستانو څخه دی
چه خپل ټول عمر يي د خپل جنگ خپلي ولس ته قرباني کړی دی او
د خپل ملت اواز يي په هر ځای، هر وخت او هر حالت کي ژوندی
ساتلی دی.

ملي رسالت / 57

دعوت دا يوازی نه چې يوه خپلواکه خپرونه ده بلکه د ډيرو هغو پيغلو او ځوانانو لپاره چې خپل هيواد نلری د يوې لارښودې په حيث خپل رول لوبولی دی.

کله چې زه د لسو کالو په عمر کې له خپل ټاټوبي افغانستان نه له خپلې کورنۍ سره وشړل شوم او بيا وروسته د اروپا او امريکا ښارونو کې سرگردانه او له خپل ټاټوبي او ولس څخه نا خبره گرځيدم نو همدغه دعوت او د دعوت پر څير نورې ملي خپرونې وې چه ما ته او زما پر څير ميليونونو نورو ځوانانو ته يې د خپل هيواد کيسې کولې او زمونږ زړونه يې له خپل ټاټوبي سره پيوندول.

نن د دعوت او د نورو ملي خپرونو له برکته مونږ يواځې دا نه چې د خپل هيواد له حالاتو خبريرو بلکه د دغه معلوماتو په رڼا کې د خپل هيواد او خلکو د سوکالی له پاره هلې ځلې کوو.

دعوت، هيڅکله د چا د تاثير لاندې نه دی تللی او نه به ولاړ شي استاد کاظم بيمار ننگرهاری

د دعوت جريده د خپل تاسيس له ورځې څخه بيا تر نن ورځې پوري د گران هيواد افغانستان د آزادۍ، سوکالۍ، خپلواکۍ او آبادۍ لپاره پيرې هلې ځلې کړيدي او کوي يې. دعوت هر مشر- او کشر- رابللی دی، او د هر نظر خاوند پسې په ملکونو گرځيد لي، او د هغوی افکاريي راټول او بې له تشبه يې نشر کړيدي.

د دعوت وظيفه د هيواد خدمت ته بلنه ده او دغه بلنه تر څو چې دعوت وجود ولري دوام لري. دعوت په خپلو خپرونو وياړي، ځکه چې د دې مرامونه او اهداف معلوم دي، او هغه د افغانستان د دښمنانو د توټو رسوا کول او له منځه وړل دي.

دعوت هيڅکله د چا د تاثير لاندې نه دی تللی او نه به ولاړ شي. دعوت د ظلم او استبداد په مقابل کې قيام کړيدی او په دغه لار کې بې له ويرې مخ په وړاندې روان دی.

دعوت، کورنی او بهرنی دښمنان رسوا کړيدي او هيچا ته يې لغزش، لرزش او کرنش نه دی کړی، هر څه يې چې ليدلې هغه يې رسوا کړيدي. دا وزينه جريده د هيڅ فاسد حاکم او جنگسالار څخه نه ده ډار شوې او د هغوي ظالمانه اعمال يې په ميرانه او مردانگۍ رسوا کړيدي.

دعوت د روسي سورا استعمار په مقابل کې په ميرانه و جنگيد او د خپل ملت په راوښلولو کې يې پراخه ونډه اخيستي ده، او تر هغه وخته و جنگيد تر څو چې سورا استعمار په شا تگ ته مجبور شو.

دعوت د گاونډيو هيوادونو لاس وهني غندلي، او په تيره بيا د ايران اخوندي نظام ته يې په هيواد کې د لاس وهنو او د بندونو او انهارو په هکله سخت اخطارونه ورکړيدي، همدارنگه، هم يې د پاکستان پنجابي حکومت ته د ډيورند د کرښې په شا وخوا د اغزن سيم په ارتباط د پښتنو د حق خوداراديت موضوع په کلکه ذکر کړيده.

ملي رسالت / 59

دعوت د پښتونستان د مسئلې د حل کلک ملاتړ او د فخر افغان باچا خان د مشي او پالیسي سخت پلوی دی. په گران هېواد افغانستان کې د خویندو او میندو د حقوقو په هکله یې هم کلکه مبارزه کړیده، او یو وار بیا یې وطنوالو ته دا ثابته کړیده چې دعوت به همیشه د عدالت پلوي وي او په دغه لار کې به خپلو هڅو ته دوام ورکوي.

په هیواد کې همیشه د ملي مبارزینو پلوي کړیده او د نیشلیزم او وطن پرستی غږ یې او حرکت یې ژوندی ساتلی دی. او هر کله یې چې بی روا او بی عدالتي لیدلی ده هغه یې رسوا کړیده. دا ټول د دعوت د مسئول چلوونکی ابتکار او منډې ترړي دي چې دعوت لا هماغسي-ځوان او د خپلو هیوادوالو خدمت ته چمتو ولاړ دی. په هکله یې د هیواد تکړه شاعر گل پاچا الفت صاحب داسي وايي:

سرگردان وي په جهان هغه مړونه

چې د خپل وطن غمونه یې په سر شي

دعوت نه سور استعمار خوښوه او نه غربي استعمار خوښوي، د دواړو په مقابل کې په مبارزه بوخت دی. ده ته د خپل ټاټوبي ملي منافع تر هر څه زیات ارزښت لري، نو ځکه پري مونږ ویاړو.

ميرمن شكريه باركزي د دعوت د ۲۹مې كليزې په وياړ

ش. باركزي:

زه غواړم تاسو نه مننه وکړم په دا ستر خدمت چې تاسو يې کوئ. ډير وخت نه کيږي چې زه ووايم چې د دعوت لوستونکي يم. اول غواړم چې مبارکي يې تاسو ته ووايم؛ ځکه چې هر ادبي او کلتوري فعاليت د هېواد نه د باندې ډير سخت دی، ډيرې ستونزې لري، دننه په افغانستان کې يې هم لري، خو بهر ډير دی. زما له پاره د خوشالۍ ځای همدا وو چې په هره صفحه کې يو نوی نوم او يو نوی فکر سره اشنا کيدم. سربيره پردې چې هغه پخواني ليکوالانو، شاعرانو او سياستوالو نومونه هم وو، زما له پاره دا ډير د خوشالۍ ځای دی. اوس مې پريږدئ چې لږ رښتيا هم ووايم.

بی بی سی فارسي چې وينم، کله ناکله فکر کوم چې ولي دا د ايران خلک هر چيرته چې دي د پوهنتون استادان دي يا څومره څه لري او افغانان څه نه لري. مگر ستاسو نشريې دا راته وښودله چې نه، مور يې هم لرو، خو متاسفانه داسې چينلونه نشته چې خلک دعوت کړي او وخت ورته ورکړي چې دوی خپل نظريات وړاندې کړي او بل د خوشالۍ خبر دا وو چې نوي ځوان ليکوالان ستاسو د نشريې له خوانه معرفي کيږي. دا زما له پاره ډير د خوشالۍ ځای دی يا کيدای شي چې زه ډيره د خارج نه ليرې وم، دننه وطن کې وم نو ډير به د دې نه خبره نه وم چې زموږ څومره ملي، او معنوي شتمنی د هيواد نه بهر دي. دا زما له پاره فکر کوم يو کلکسيون د افغانستان د گټو او ملي شتمنيو، خيرو او ملي خيرو نه دی چې بايد درنښت يې وشي او بايد خلکو ته وروپيژندل شي. زه غواړم تاسو نه مننه وکړم په دا ستر خدمت چې تاسو يې کوئ.

د دعوت خپروني ۲۹مې کليزې په مناسبت ډاکټر حضرت عمر زاخېلووال

ژوند څومره په ځغاسته تيريري، لکه پرون داسې مې په ياد شي چې په پېښور کې د دعوت د خپروني د بنسټگر او مسوول ښاغلي محمد طارق مشر ورور ډاکټر عبدالصمد ملک زى چې زما ډېر نږدې دوست او ملگرى و ماته د دعوت د جريدې د لومړنيو گڼو څخه يوه کاپي راکړه. په هغه وخت کې ما د افغاني جريدو سره چندان علاقه نه درلوده، ځکه اکثره يې تنظيمي وې چې يا په خپلو تنظيمي لاپو پټاکو او يا هم د جنگ او جگړو په ترويج، تشويق او تشديد څرخېدې، د هېله مندى مطالب په کې کم و. زما په څېر يو زلمى کډوال ته چې لا تر اوسه يې زده کړې نيمگړې او راتلونکى يې نامطمین مگر هيلې زياتې وې ناهيلونکي وې. مگر د دعوت په جريده کې مې برعکس هغه څه پيدا کړل چې مايي لوستل غوښتل:

د آزادۍ او بې پرې خبرونو تر څنگ ازادې شنې، خپلواک نظريات او د داسې ملي شخصيتونو سره مرکې چې د کډوالۍ په چاپيريال کې په نظر نه برېښېدې مگر نومونه يې آشنا او هيلې ورته زياتې وې.

په ټوله کې جريده په ملي موخو څرخېده لکه سوله، ملي يووالى، ملي شناخت، ملي حاکميت، دې موخو ته شته گواښونه او فرصتونه او هېواد د يو لاس تر ناورين څخه ساتل.

په ۱۹۹۱ ميلادي کال کې زه د لوړو زده کړو لپاره کاناډا ته لاړم. په هغه وخت کې نه انټرنېټ و نه ازرانه موبايل تيليفونونه او يا د اړېکو نورې اسانه وسيلې. له افغانستان څخه د شوروي پوځونه وتلي وو او د شوروي اتحاد په نسکورېدو سره د غرب لپاره په افغانستان کې نور د علاقه مندى څه نه و پاتې؛ نو ځکه افغانستان نه د غرب په تلویزونو او نه هم په جرېدو، اخبارونو او مجلو کې په خبر يا مضمون ارزېده. مگر په افغانستان کې خبرونه ډېر او اکثر يې د اندېښنې وړ وو.

د ډاکټر نجيب د حکومت وروستۍ سلگۍ وې او د جهادي تنظيمونو او سيمه ايزو استخباراتي ملاتړو يې د قدرت پر سر د خونړي پړاوو

ملي رسالت / 62

تياری نيولی. په داسې وخت کې همدومره چې په گران هېواد کې پېښې دردونکي وي همغومره له هغوی څخه لېريوالی او بې خبري.

نو د هېواد د حالاتو سره د نږدې پاتې کېدو لپاره مې د دعوت د جړېدې سره اړېکې اړينې وبللې. ښاغلي بزگر صاحب ته مې ليک او خپل ادرس ولېږه چې په پيرزوينه يې له هغې وروسته د دعوت جړېدې په مسلسله توگه راستولې او په دې توگه يې د گران هېواد د ترخه تاريخي پړاو سره نږدې وساتلم.

زه د دعوت خپروني د ۲۹مې کاليزې په مناسبت څخه په گټې ښاغلي محمد طارق بزگر او د نوموړي خپروني ټولو کارکونکو ته نه يواځې ما سره د دوی د ځانگړي پيرزويني بلکې همدارنگه د هېواد د تاريخ په ډېر حساس پړاو کې د مطبوعاتو په ډگر کې د دوی اغيزمن تاريخي مسوليت او رسالت د ښه ادا کولو له کبله د زړه له کومې مننه کوم، د لاسته راوړنو يې ورته مبارکې وایم او د هسک څښتن څخه پدې او د ژوند په نورو چارو کې لاسيات برياليتوبونه او سرلوړی غواړم.

درې لسيزې جهاد مو مبارک شه ډاکټر نبي مصداق

د دعوت جريده د لومړي ځل لپاره په ۱۹۸۸ م کال کې چې زه په لندن کې وم، راته را ورسېده. جريده څلور مخه وه او که هېر شوي مي نه وي، مضمونونه يې په تور قلم په لاس ليکل شوي وو. په هغه وخت کې د مجاهدينو له حال احوال نه بله مهمه جريده مجاهد ولس و چې د استقلال جريده او د څو نورو تر څنګ به له پېښور څخه خپرېدې. په لندن کې د ستميانو ورځپاڼه (اميد) تر هغه وخته او تر څو کالو وروسته پورې داسې نشریات درلودل چې نه ورته افغانستان، نه د افغانستان نوم او نه معاصر تاريخ کوم اهميت درلود. د دوی همفکرانو به د اروپا او امريکا نه په ((اميد)) کې په داسې وخت کې چې لا هم جګ روان و، زهرجن تبليغات روان کړي ول.

نو د دعوت جريده چې د ناروې د هارايد او وروسته له ليلستروم څخه خپرېده، ډېرو افغانانو ته دا توقع ور کړه چې په افغانستان کې د روان جګ او داخلي پرديالو په خلاف خپل مضمونونه وروپېري. دعوت له کوچنيوالي نه په بیره ځوانۍ ته ورسېد او د دې پرديالو په مقابل کې د پوهاند هاشميان د آينې مجلې په شان چې له کليفورنيا نه خپرېده يو کلک سپر و گرځېده. محمد طارق بزګر چې د دې جريده د امتياز څښتن و او دی، له هغه معاش نه چې لاس ته يې راوړ، دعوت چاپاوه او د پستې له لارې يې اسيا، استراليا، افريقا، امريکا او اروپا ته استوله. پسته په اروپا کې ډېره لوړه بيه لري؛ نو ما به تل دا فکر کاوه چې دی به هرومرو د خپلې کورنۍ د آرزوې ډېره برخه د جريده په نشرولو او پستولو باندې مصرفوي.

د انټرنېټ او مجازي فضا په منځته راتلو سره، دعوت د لاسي ليک نه چاپي ليک ته ورسېده او د پستې پر ځای د انټرنېټ له لارې لا هم زياتو مينه والو ته په رسېدو شو.

څو کاله وړاندې محمد طارق بزګر پرېکړه وکړه چې يو انټرنېټي تلوېزيون منځ ته راولي؛ څو د نړۍ په ټولو برخو کې افغانانو ته د دعوت له جريده نه لاسنه او پر وخت خبرونه او پروگرامونه ور

ورسوي. د دې لپاره مور ځينو افغانانو چې په اروپا، امريکا او نورو ځايونو کې وو، دعوت ته مو د خپلې وسې په اندازه مرسته ورواستوله چې دغه انټرنېټي ټلوېزيون ډېر ژر پيل شي. د دې لپاره پرېکړه داسې وه چې هر څوک به وکولای شي خپل تصويري پروگرامونه د انټرنېټ له لارې د دعوت مرکز ته را واستوي او هغه به يې له اېډېټ او سمون نه وروسته په انټرنېټي ټلوېزيون کې داخل کړي.

زه له هغه نه وروسته په يو لړ سفرونو کې شوم چې په هاوايي، جاپان او قفقاز کې به مې درس ور کاوه. پوه نه شوم چې زموږ هغه پروژه کوم ځای ته ورسېده. په هر حال! دعوت چې له دوو پاڼو پيل شوی و، کله تر شپږو او کله تر اتو چاپي مخونو ته به، په کوچني اته سايز کې چاپېده او زموږ ټولو نوموتو ليکوالو او شاعرانو دا ځوانه جريده د کميت او کيفيت له نظره د پوخوالي سن ته ورسوله. اوس چې زموږ لپاره په انټرنېټ کې يوه پېژندل شوې سرچينه ده، د مشهورو ليکوالانو او د افغانستان تاريخ او د کلتور نورو برخو ته پکې جلا جلا فايلونه پرانيستل شوي دي. دا فايلونه د هغو ځوانانو لپاره چې که د افغانستان په تاريخ، ادبياتو، ژبپوهنه، تاريخ، سياست او داسې نورو باندې د مضمونو او يا مونوگرافونو د ليکلو غوښتنه کوي؛ نو مطالعه يې اړينه ده.

محمد طارق بزگر په تېرو نهه ويشت کالو کې په اقتصادي او شخصي-هر ورځني کړاوونو تر څنګ، دا جريده د افغانستان د مطبوعاتو يوه مهمه برخه گرځولې ده او زه باور لرم چې زموږ موجوده ځوانان او راتلونکي نسلونه به د څېړنو لپاره د دې ترڅنګ د پوهاند هاشميان (آينهء افغانستان) له مجله نه هم چې د شلو کالو په موده کې په افغانستان کې د شوروي تېرې او را پاتې کړاونو باندې مضمونونه ليکلي، د خپلو علمي ليکنو لپاره ورنه استفاده کوي؛ ځکه په امريکا او اروپا کې دا دوي سرچينې له روسانو سره په لس کلن جنګ او له هغه نه وروسته د مهاجرو افغانانو په سر درگومۍ کړاونو باندې له هر نظره څېړنې شوې دي.

زه د دعوت د ځوان د امتياز څښتن بزگر صيب تر څنګ پوهاند هاشميان ته هم د دوی د قلمي جهاد د دوام مبارکي ور کوم او دواړو ته ډاډ ورکوم چې د افغانستان د ادبياتو په تاريخ کې يې ځان ته نه

ملي رسالت / 65

هېرېدونکي مقامونه گټلي دي. خدای ج دې له دوی دواړو سره ښه وکړي او بزگر صیب ته دې الله ج توفیق ور کړي چې د دعوت ځینې تاریخي فایلونو مواد د کتاب په ښه هم راته چاپ کړي. زه حاضر یم چې له کابل څخه د داسې مطبوعو په لټون کې شم چې زموږ د دې هیلې په تر سره کېدو کې را سره مرسته وکړي.

د دعوت د کولتوري او معنوي خدمت نهه ويستمه کلېزه دې مبارک وي محمد نقيب تره خيل

ښاغلي محمد طارق بزگر، خپل هوډ ته وفادار شخص دی. وایي چې باعزت خلک با اخلاقه با صبره با حوصله با قناعته قانع هوډمن او زړه ور وي او په ملگري کې وفادار پاتي کېږي.

زه له ۲۰۰۱ يوم کال نه دعوت سره قلمي رابطه لرم. له بزگر صيب سره د تليفوني اړيکو سربېره دوه درې پلا کښېناستلي سره هم يو. احساساتي جذباتي او د باجگېرۍ خبري چې هېواد، ولس، قوم، ژبې، دين ته خدمت کوم هيڅ مې ترې ندي اورېدلي. سره لدې چې په یاد خدمت له پخوا بوخت هم دی، څه دا خاصیت يی د فضیلت، تقوا او د ښو اخلاقو ثبوت دي.

کانټ اخلاقي کار پدې ټکو راپېژني:

که څوک له چاسره پدې نېت ښه کوي چې يو وخت به يی بدل راکړي، دا اخلاقي عمل نه دی. که د دې لپاره له چا سره مينه کوي چې خلک مې وستايی، دا هم اخلاقي عمل نه دی. اخلاقي عمل هغه ده چې د ځان د خوښي او گټې عمل په کې نه وي.

د صبر او حوصلې په اړوند به له بزگر صېب سره د شوي عمل یادونه وکړم. مجلس مو سره کوه، ښاغلي بزگر زما د پوښتني په ځواب کې داسې وويل:

افغان کولتوري ټولني کولن کې غونډې ته بللی وم. د دعوت يو گډونوال ته مې یادونه وکړه کال نژدې اخر دي که د گډون روپي دی راکړي. وبې ښيه! ښاپسته څنډ وروسته راغي. له يو ملگري سره ولاړ وم. د پنځه گون اېرو لوټ يی راگزار او پر ځمکه ولوېد. راوامي خيست او ورله ومې خندل. کبرجن د ۵۰ پرځاي پنځه گون ورکړی، هاغه هم د سوالگر په څېر.

هو؛ د قناعت ښه يی دا ده څه د خپل د نفس بادار او د کار په مزد قانع کس دی، نه د واکمن او نه د شتمن پروا لري. د ځاني منفعت لپاره يی نه د چا ملاتړ او نه يی د چا مخالفت کړی. د وينا تر حده عمل يی

ملي رسالت / 67

کړی او د سوسیالیزم او امیریالیزم د یرغلګرو د هغوي د ګوډاګیانو د دین، قوم، ژبې او هېواد د معامله ګرو په ضد د دعوت سنگر جوړول یې د زړه ورتوب نښه ده.

پدې ۵۳ کلن عمر کې مې ډېر کسان ولیدل او وامي ورپدل چې د دین، ملت، ژبې، قوم او هېواد ته د خدمت کولو په نوم یې کولتوري ټولنی په بلجیم، جرمني، هالنډ، انګلینډ او د اروپا په نورو هېوادو، امریکي او استرالیا کې جوړې کړې غونډې یې وکړې، مجلې یې راوویستی، سایټونه یې جوړ کړل؛ درې څلور کاله وروسته یې ټولنی، سایټونه او مجلې شلې شنې او شاپې پرېښودې. د ثروت او شهرت موندو لپار د هغو کسانو او د هغه حکومتو مله شول چې دوی هغوی قاتلان، خاپنان، جنایتکاران او فاسده ادارې یې نومولې. سره لدې چې د ښاغلي بزګر کولتوري هڅې د هغوي په پرتله څو برابره زیاتې دي او د پېژندګلوی امکانات یې هم ترې ډېر دی، خو ثروت، قدرت او شهرت د خپل د وجدان د سپیڅلتیا په وړاندې هېڅ وګڼل نو ځکه د پرګنو ترڅنګ ولاړ دی. الله ج دې په همدې هوډ باندي تل پاتي وفادار لري چې هر رېښتني افغان د دعوت له سنگره د اسلامیت او افغانیت پر دښمنانو همدا شان لعنت ووايي.

دعوت دې سل کلن شي زاهد جلالی

د دعوت خپرونې له نامه سره له ماشومتوبه اشنا یم. هغه مهال زه د هجرت دیار د نوبنار سیمه کې د جلوزو پر سرک په یوه کمپ کې اوسېدم. د هجرت او ستونزو هغه کونج و کنار ماحول کې بزگر صاحب تر کلیو او بانډو دعوت مجله رسوله.

بیا چې ځوان شوم، انټرنټ سره اشنا شوم، لیکنې و ژباړې مې پیل کړې، دعوت انټرنټي پاڼه یو له هغو ادرسونو څخه وه چې زما مقالې په کې د سترو لیکوالو تر څنګ نشرېدې.

له دعوت سره زما اشنایي اوږده شوه او تر دې ځایه راوړسېده او لا پر مخ درومي. دعوت رسنۍ کې ما ته دوه د پام وړ ټکي ښکاري. یوه دا چې له هماغه پیله په کې د پښتو او دري ژبو ښه انډول ساتل شوی و. د پښتنو خو ورته ډېره توجه وه، خو د دري ژبې د سترو لیکوالو لیکنې هم په کې خپرېدې. همدا د دعوت رسنۍ برکت و چې له اسحاق نگارگر، هاشمیان، څیرکیار او نورو سترو لیکوالو او پوهانو سره یې آشنا کړم.

د دعوت پاڼې بله ځانګړنه د دې ازادې او خپلواکې ده. نن سبا خو د هرې رسنۍ پر تندي د ((ازاده او خپلواکه)) شعار لیکل شوې، خو تقریباً هره رسنۍ د یوه جهت له لورې تمویلېږي او د نورو نظرونو خپرولو سره علاقه مندي نه لري، خو دعوت داسې نه ده. دعوت کې رښتینې ازادې شته. زه تل دوستانو ته وایم چې که غواړئ واقعاً ازاد نظر د خلکو تر اذهانو ورسوئ، اصلي ځای یې دعوت دی.

د دعوت تر شا ایګي یوه سټه ده او هغه طارق بزگر صاحب دی. بزگر صاحب د نظر اختلاف زغمي او واقعاً یو محترم او د پراخې سینې او خلاص لاس سړی دی.

زه هغه مهال چې اسلام اباد کې محصل وم او د افغان محصلینو د مجلې مسوول، بزگر صاحب راته څو وار په خپله ویلي چې د محصلینو د مجلې د دغې ګڼې مالي ملاتړ پر ما. دغه راز زما د یوه کتاب د چاپ لګښت یې په خپله غاړه اخیستی، تر څو د سید جمال الدین په اړه دغه

ملي رسالت / 69

ليکل شوی کتاب په ټيټه بيه د خلکو لاسونو ته ورسپري او د هغه په اړه پوهاوی زیات شي. بزگر صاحب، فرهنگ دوسته سپری دی او د خپلو وطنوالو د علمي پرمختگ له پاره يې پراخ خدمتونه او ډېرې هلې ځلې کړي. بزگر صاحب راباندې گران دی. له زړه يې احترام کوم او هيله لرم چې د نوښتونو دغه نړۍ کې د دعوت په څير نور نوښتونه هم وکړي.

د دعوت د خپروني او ويپاني په هکله يو څو ټکي ډاکتر محمد نواب ويساند

وروستيو نږدې څلورو لسيزو پرله پسې غميزو او ناخوالو، افغان ټولني ته پراخه ځاني، مادي او معنوي زيانونه واپړول. نيم ژوبله توليدي بنسټونه يې په بشپړ ډول ويجاړ، کاري بشري ځواک يې له هېواده د يو زيات شمير په کار پوه کسانو په وتلو سره وپاشه او د ټولنيزو رسنيو (مېډيا) چارې (چاپي، انځوريزې، غږيزې)، چې د دولت د درې گونو قواوو (اجرائيه، مقننه او قضائيه) وروسته په سياسي، ټولنيزو، کولتوري او اقتصادي ډگر کې د سمې او په واقعيت ولاړ راپورونو په ورکولو سره، چې د يوې څلورمې قوې په توگه د ټولني د پرمختگ او رنښتني ولسواکي (دموکراسۍ) په راوستلو کې ځانگړې اغيز درلودلای شي، هم ټکنې کړې.

خو د خپروني گټورتوب او ارزښت ته په کتو، له هېواده بهر د نړۍ په بېلابېلو هيوادونو کې ميشتو خوږو ورو او د کلک هوډ درلودونکوونکو افغانانو د هيوادني ميني له مخې د پردېسي په ستونزمن ژوند کې د خپلو غښتلو متو په زور د چاپي، انځوريزو او غږيزو خپرونو له لارې د خپلو شونتياوو، وخت او شرايطو ته په پام خپلو خلکو او ولسونو ته د چوپړ لپاره ملا وتړله.

د دعوت مېډيا، چې په پښتو، دري او انگليسي-ژبو خپروني لري او اوس يې ۲۹ يمه کليزه لمانځل کيږي، د يو هوډمن، ځوان، تکړه، په مسلکي پوهې سمبال، با تجربه ژورناليست او په خپلو خلکو او هېواد مين شخصيت ښاغلي محمد طارق بزگر له خوا د پراخه هلوځلو او زيار وروسته په کار پيل وکړ. په دغه تيرو کلونو کې يې نه يواځې د خپلو خپرونو له لارې خپلو هېوادوالو ته د پښتو ادب په ډگر کې بې ساري خدمتونه وکړلای شول، بلکه د وخت په تيريدو سره يې د يولر نوښتونو په راوستلو د ويپاني بڼې او جوړښت ته داسې ښکلا ور وېښله، چې د خپلې ځانگړنې له کبله د ډېرو معتبرو ويپانو په منځ کې د پام وړ او زړه راښکونکي ځای لري.

د دعوت ميډيا، نه يواځې په خپل وخت د هېواد او نړۍ اړوند د بېلابېلو تازه او مهمو پېښو د بشپړو او کره مالوماتو د لاسرسۍ يوه په زړه پورې سرچينه وگرځېدله، بلکه د ټولنيز ژوند د بېلابېلو فننو پورې تړلي علمي او اکادميکو مالوماتو خپرول، چې د وگړو د مسلکي پوهې د لوړولو او د ټولني د پرمختگ سره مرسته کوي، ځانگړې ارزښت لري. لوستوال په ډېره اسانۍ سره کولای شي هم خپله دعوت خپرونې او ويپاڼه کې د خپرېدونکو مالوماتو نه گټه پورته کړي او هم يې د نورو همفکرانو سره شريک کړي.

د دعوت ميډيا، د کلتوري او فرهنگي ارزښت درلودلو ترڅنگ، په خپل وار د افغان ټولني د واکمنانو له خوا د پټ ساتل شوو کمزوريو په راسپړلو، ناخوالو او بي عدالتيو په گوته کولو او د پرديپالو او ملي گټو ضد څېرو په افشا کولو او همدارنگه د نورو منفي پديدو په وړاندې مبارزې ته د ټولني د رښتينو بچيانو په راويښولو او هڅولو کې رغنده رول لوبولی دی.

زمونږ له بېداره بخته، له هغې راهيسې، چې د نړۍ هېوادونه او ولسونه د انټرنېټي ټکنالوژۍ د نړيوال کېدو له برکته سره نژدې شوي او نښلول شوي دي، د دعوت ميډيا هم په خپل وار د ننۍ نړۍ مهمې پېښې په ډېره چټکۍ سره د نږدې او لېرې پرتو سيمو او سیدونکو ته د خپلو خپرونو له لارې رسولي دي.

خو له بده مرغه زموږ د هېواد يوزيات شمېر بي وسوه افغانان د اقتصادي او امنيتي ستونزو له امله نه شي کولای د خپرو شوو مالوماتونه، لکه د نړۍ د نورو پرمختللو هېوادو د وگړو (انټرنېټ ته د نه لاس رسې له کبله) په څېر گټه پورته کړي.

د دعوت ميډيا له لارې نه يواځې د هېواد او نړۍ د روانو حالاتو په هکله د مالوماتو خپرېدل د پام وړ دي، بلکه په هېواد کې د سرتاسري سولې د ټينگښت، د اداري فساد د له منځه وړلو، د ورځيزو چارو د ټيکاو او سمون او د خلکو د پوهاوي د کچې د لوړولو په موخه د هر ډول رغوونکو وړانديزونو د خپرولو اغيز يې هم له پامه نه شو غورځولای.

ملي رسالت / 72

په پای کې د دعوت میدیا مشرتابه او مینه والو ته د دعوت خپروني د کلزي مبارکي وایم اود لا ډیرو بریاوو په هیله یی.

وړاندیز:

که څه هم دا به اسانه کار نه وي، خو که په ویبپاڼه کې د هر لیکوال یا خپرونکي په نوم یوه جلا کړکی، چې د تیرو خپرو شوو لیکنو د ارشیف څخه د لیکوال د نوم په ورکولو د اړینې موضوع د ژر پیدا کولو او لټون سره مرسته وکړلای شي، جوړه شي، بده به نه وي.

د دعوت د نهه ويستم خپرنيز كال په مناسبت دكتور محمد عثمان روستار تره كې

د افغانستان د جگړې د پيل نه راهيسې، مهاجر افغانان چه د نړي په مختلفو هيوادونو كې يې تيت او پرک ژوند له سره تير او د لاندې دوه ديلونو په بنسټ يوې اغيزمنې مطبوعاتي کميونیکيشن لاسوند ته اړتيا ليدل کېده:

– خپل منځي اړيکي د تامينولو په مقصد

– د وطن د حالاتو نه خبرتيا

دغه اړتيا د افغانستان نه د باندې افغاني مېډيا او مطبوعات افغانانو ته ور په برخه کړي.

د کاپوالتوب په لمر يو کلونو کې د نړي په گوت گوت کې بي شميره خپرونو په کار پيل وکړ چه زياتره يې د بهرنيانو له خوا تمويل کيدلي. د وخت د تيريدو سره جوخت افغاني مطبوعات د عامه ارزونې د فلتر نه تير شو؛ يوازې هغه خپرونې پاتې شولي چه د لاندې امکاناتو نه برخمنې وې:

– د تمويل ډاډمنې سرچينې

– مسلکي مديريت

– تکړه قلمي همکاران

– د لوستونکو هرکلي.

د افغان مهاجرينو په منځ کې، دعوت د افغاني مطبوعاتو په کورنۍ کې د هغه لږو خپرونو څخه گڼل کېږي چه د نوموړې معيارونو په بشپړيدو، توانيدلي نهه ويشت کاله عمر وکړي.

دعوت د هيواد د اوږدې غميزې په کلونو کې چې له هرې خوا د تاريخي شخصيتونو، افغاني ملي ارزښتونو او ملي مشترکاتو د پيکه کولو او ورکاوې طوفان را الوتې وو، د خپلو قلمي وفادارو همکارانو او پر وطن مينو افغان شخصيتونو په مټ، د ملي پرتم، ملي وفاق، ملي ارزښتونو او گډ وطن د ساتنې او دفاع توغ پر خپلو اوږو ولري.

ملي رسالت / 74

دعوت د خپل عمر په اوږدو کې د افغانانو او په ځانگړې توگه د افغاني کډوالو په منځ کې د نظر د تبادلې د باوري وثيقي په توگه پيژندل شوې ده؛ د ملي تفاهم زمينه برابره يې کړې ده. د ژبې، قوم، سيمې او مذهب د تعصبونو په وړاندې د ټينگ ملي مورچل د دريځ نه د مقابلي جوگه شويده او د افغانانو د سياسي شعور د ودې په استقامت يې اوچت گامونه پورته کړيدي.

د پيژندل شوې قلمي همکارانو سره اړيکې، په پښتو، دري ژبو خپرونې او د هغوي ترمنځ انډول، د افغانستان او نړي د مهمو وروستي خبرونو خپرول، دعوت ته د ژوند د بقا ضمانت او د يو ستندرد اخبار بڼه ورپه برخه کړې ده.

زه د دائمي همکار په توگه د دعوت چلونکو ښاغلي بزگر ته د دعوت د نهه ويشتمې کليزې په مناسبت مبارکي واييم او ورته د هيواد په خدمت کې د لاسياتي هڅې او زيار هيله کوم.

دعوت د افغانانو د ملي روحيې او ستراتيژيکو روابطو کی لوی رول لوبولی دی فهميم نظيمی

ما د ښاغلي بزگر صاحب سره ډير کلنونه پخوا په يوه ميلمستيا کی په لندن کی وليدل او په تصادفي توگه اشنا شوم او له همغې ورځي د دعوت وبيپانې او مجلې دعوت سره هم اشنا شوم. د هماغه وخت راهسې د ښاغلي بزگر صاحب ورځپاڼه زما د هيلو، نظرياتو د خپرولو، وطنوالو او نړيوالو سره د ارتباط ستره منبع او وسيله گرځيدلې ده. د ده مسلکي پوهه او هاند او زيار د دی باعث وگرځيدل چې نوموړې ورځپاڼه چاپی او رسانه يی خپرونی وکړي او ډير زيات مينه وال پيدا کړي.

د دعوت د خپلواکو رسنيو مرکز د افغانانو د ملي روحيې او ستراتيژيکو روابطو په ټينگولو او نړی والو ته د افغانستان د حقيقت او واقعيتونو په رسولو کی لوی رول لوبولی دی.

پوره ۲۹ کاله کيږي چې ښاغلی محمد طارق بزگر صاحب او د ده ټيم شپه او ورځ په پوره ايماندارۍ او مسلکي مهارت او لياقت کار او زيار ايستلی او لوی مطبوعاتی او ژورناليستيکي خدمات يې په پښتو او انگليسی ژبه وړاندی کړي دي، چې خورا زيات د قدر او ستايلو وړ دی. د ده دا ټولی لاسته راوړنی په ډيرو کمو اقتصادي امکاناتو تر سره شوی او لاهم روانی دي.

دعوت ورځپاڼه او مجله، انترنيټی سايت او فیسبوکی خپرونی اوس جهاني شهرت موندلی او خورا ډير مينه وال لری. زه فهميم نظيمی د ښاغلي بزگر صاحب د زيار، هاند، لياقت او مسلکي پوهی او د وطنپالنې د عالی روحيې په درلودلو له کبله و ده ته د زړه له کومی مبارکی وایم او وياړم چې ښاغلی بزگر صاحب او د ده ټيم دا ټول صفات په تيرو څو لسيزو کی د عمل په دگر کی افغانانو او نړی والو ته ثابت کړي دي. د لوی خدايه ورته د لا برياوو هيله کوم.

دعوت د انسانيت بېكسيار

كابل د غونډو، منډو، مشاعرو، سمینارونو، مجلو، اخبارونو، مجالسو او محافلو زانگو وه چې زه ترې رابېل شوم.

د حمزه بابا دغه شعر چې وايي ((يو شور يې د شهرت و چې شوم پېښ په پېښور))، هغه وخت په رښتيني مانا كابل ته مخاطب كېدای شوی. ما تازه تازه شعر او مشاعرو ته مخه كړې وه، له كتاب او اخبار سره مې جوړه راغلي وه، ادبي بنډارونو او شب نشینو داسې په غېر كې اخیستی وم چې ستړيا او بې خوبې مې هلو پېژندله نه.

پېښور ته په راتلو مې دغه شور، هیجان او غوغا داسې خاموشه شول لکه په ډك محفل كې له ډېرې مستې د دوکړیمار دوکړه وچوي. اروايي حالت مې داسې وه لکه د مور د مرگ، شیدو وچېدو يا کومې ناروغۍ له وجې په درې میاشتنې ماشوم د مور شیدې بندې شي. په پارسي كې دغه ماشوم ته شیر سوخته وايي.

هو البته يو خيز چې له كابله بيا تر پېښوره، او بيا د پېښور په هغه ټوله موده كې تر هر څه زيات و، هغه دعوتونه و. د کومې مېلمستيا، واده او کوژدې دعوتونه، نه، بلکې گوندونو، سازمانونو، ایزمونو، له گوندونو جلاشویو ډلو او له ډلو جلاشویو ټپلو ته. يو کس به چې يوازې يو دوه ورځې ځان در سره لږ خور را خور کړ او لږ په ادب او احترام به يې در سره ستړي مشي، خواره مشي وکړه نو دريمه ورځ به يې ضرور ديوې ډلې، ټپلې، نظريې او عقيدې دعوت در مخکې کاوه.

څو کاله وروسته ډنمارک ته په راتلو حالت نور هم ترينگلی شو، يانې له بده بد تر. په پېښور كې كه له يوه همژبې او هموطن سره د بنډار او ناستي امكان و، يا د كوم اردو يا تنظيمي اخبار د كنو او يا په قصه خوانۍ كې د مرگ منظر، ادم خان درخانی، غم غلط، د بيلتانه ټپې او دې ته ورته كتابونو د لوستو امكان و، هم له منځه لاړ. پدې هکله كابلان يو عجيب مالگين طنزي ډيالوگ لري:

- ولوبدې؟

- هو-

- ژوبل شوې؟

- نه.

اوس نوزه داسې لوېدلې وم چې د خوږو بيان يې نور هم په ناسور زخم د مالگې پاشل و او بس. نور نو کراره کراري وه هېڅ نه و. نه يو همژبې، نه يو کليوال، نه يو دښوونځي يا پوهنځي ملگري، نه کتاب، نه مجله، نه اخبار، نه شعر، نه مشاعره، نه محفل، نه شب نشيني، هېڅ هم نه، ابې مړه تبه شلېدلې.

د نهيلې، غم، درد او کرب په دغسې توپان او د مهاجرت د ژوند په سختو اروايي حالاتو کې، د اروپا په دائيم الدائم تورو ورپڅو، يخونو، بارانونو او ځول کې چې بنيابي زما دغه شعر د هماغه وختونو انځور وي:

هسې يو دوه گامه ژوندون لنډول

د اروپا زنده گي څه زنده گي؟

څه گورم چې يوه ورځ بيا يو ((دعوت)) راغی. اول خو لکه هغه چې وايي، مار خوړلی له پري وېرېږي، لبر غوندي و وېرېږم. ماوې که د پېښور او کابل دعوات دلته هم را پسې راغلل، خو چې مي پرانيست او ومې لوست، کيسه بل ډول وه.

دغه دعوت تر هغو نورو دعوتونو بېخي بل شان دعوت و. دغه دعوت له هغو نورو دعوتونو دومره توپير درلود لکه بېخي له کومې بلې سيارې او د ځمکې له کومې بلې جلا کړې چې راغلی وي. دغه دعوت نه د کوم ايزم دعوت و، نه د کوم گوند، نه د کومې ډلې او نه د کومې ټپلې. دغه دعوت د افغانيت دعوت و، دغه دعوت د اسلاميت دعوت و، دغه دعوت د غيرت، ننگ، ناموس، حيا او د وطن د مور د پروني دعوت و. دغه دعوت د هغو مهاجرو خویندو، ميندو د لوپټي دعوت و چې:

چايې پلو ليدلې نه و.

اوس د جمرود په غاښي څي سر تور سرونه.

لدغه دعوت څخه يوه تر سکونه وطني ورمه راتله، چې پکې د ممانو، گور گورو، ښېڅو، توتو، غوزانو، سنځلو، ازقلاڼي ختکيو، بغلاڼي هندوانو، قنډاريو انارو، جوزجاني پستو او خوستيو جلغوزو رنگونه او خوندونه لکه د گوتې غمی پکې را ټول شوي وو.

ملي رسالت / 78

لدغه دعوت څخه د روس او روس پلویو خلاف د افغان فیلسوف گل پاچا الفت دغه ناره بی لدې چې د هرې گڼې پر تندي لیکلې وي لوستونکي ته تداعي کېدله:

یو پټ غلی احساس دی چې ارام می نه پرېږدي
په اور می کړوي لکه چې خام می نه پرېږدي
جرئت می زیا توي دومره په ځان یمه پوه شوی
غافل له خپله حقه او غلام می نه پرېږدي

دغه دعوت د تېرو درې لسيزو په اوږدو کې مدام د پاکستانیزم، ایرانیزم، عربیزم، روسیزم او ډېرو نورو ایزمونو خلاف د رښتینو او په وطن مینو افغانانو د مبارزې تود سنگر و، دی او وي به ان شالله.
د دغه دعوت په هکله یوه بله خبره هم د استاد الفت په وینا: وخت د اعتراف دی گونا خپله ورته وایمه!

پدا دومره کلونو کې می یوه افغانی، یوه انه، یوه حبه د دعوت چلونکو ته نده ور کړې، هسې که خپله کومه شعري ټولگه یا د هیلي مجلې کومه گڼه مې، هغه هم د چا پر لاس ور لېږلي وي والله اعلم؟ خو ښاغلي بزگر د دعوت هره یوه گڼه، نه یوازې یوه گڼه بلکې د یوې گڼې څو څو کاپیاني هر هر ځل د دا دومره کلونو په اوږدو کې مخامخ د پوست له لارې ماته را استولي دي، او خدای خبر چې زما په شان به یې په لسگونو او سلگونو نورو ته هم استولي وي. زه له خپله اړخه او ټولو هغو ملگرو په استازولۍ چې ما ورته د دعوت گڼې رسولي دي د دعوت کلیرې په ویاړ ښاغلي محمد طارق بزگر، ډاکتر محمد فرید بزگر، د بزگر ټولې کورنۍ او د افغانی رسنیو پراخي مجموعې ته مبارکي وایم. پاکه ربه د انسانیت دغه چغه همداسې رسا لري او ازانگه یې د افغانی رسنیو په ټولې کې مه کموي. امین، ثم امین!

له دعوت سره د ملگرتوب له پيله تر نن ډاکټر جمشېد سمون

له هماغه پيله مې چې دوه اونۍ وړاندې ښاغلي او منلي ژورناليست درانه ورور محمد طارق بزگر راته په نږدې راتلونکي کې د دعوت د ۲۹ مې کليزې او په هکله يې د نظر او يا څه ليکلو پوښتنه مخته کښېښوه، له آره نيت دا ؤ چې د ښې او منځپانگې له مخې به له ما سره د دعوت چاپي ښې په شتو څو گڼو او همدارنگه د دعوت وېبپاڼې په هکله، چې لوستونکي او مينه وال يې يم، خپله ارزونه کوم، خو له يوې خوا د خپلې لټې له امله چې تل د نن کار راڅخه سبا او بل سبا ته پاتې وي او له بلې خوا ورځينی فزيکي مصروفيت د دې لامل شول چې له پورتنې درانه پېټې اوږه سپکه او په دې هيله چې د دعوت ۵۰۰۰ تيراژ درلودونکي چاپي خپرونې او په شپه او ورځ کې د کم و ډېر ۱۰۰۰۰ ليدونکو دعوت وېبپاڼې څيرمنه او بې پرې ارزونه به نورو دوستانو هرومرو کړي وي، له دعوت سره د خپلې ملتيا او پر دعوت د روږدېدو کيسه تېره کړم.

پوره يوويشت کاله وړاندې کله چې شمالي تېلواله د کابل ښار پرېښودو ته اړ ايستای شوه، په دغه ښار کې د لوړو زده کړو موسسې او ښوونځي د ((طالبانو اسلامي امارت)) لخوا، تر ((امر ثاني)) پورې وتړل شول. د طبي زده کړو د وروستي کال وروستۍ مياشتې مو وې، زموږ د ټولگيوالو لخوا، د کابل طب انستيتوت او په تېره بيا د وروستي کال د محصلينو د زده کړو د بيا پيل کېدو هلو ځلو، له ((مشر-ملا صاحب)) پرته نورو ټولو اړوندو لوړپوړو چارواکو ته مراجعه څه گټه نه درلوده او ځواب به بيا هم هماغه د راډيو له لارې د ((امر ثاني)) اعلان ته انتظار ؤ.

يو عجيب و غريب ترينگلی او نا هيلی حالت منځته راغلی و، ټول ټولگيوال مو کورونو ته ستانه شول. ښايي ډېرو به ځان ته بوختياوې پيدا کړې وې، يو له بله چندانې نه خبريدو، د اوس په څېر د اړيکو وسايل نه ول.

ملي رسالت / 80

له خپل مسلک سره د بي کچې مينې او د صميمي دوستانو ډاکتر صاحب روح الله ساپي او ډاکتر صاحب جان محمد اپريدي په هڅونو او ټينگار مي په سروبي ولسوالۍ کې کتنځای پرانيست.

د شپې لخوا د اوسېدو لپاره د يوې کوټې په لټه کې شوم چې دوو اخلاصمنو مشرانو چې په برېښنا رياست کې يې دندې درلودې، د دغې موسسې د مېلمستون په يوې کوټې کې د اوسېدنې راته وويل، د برېښنا او اوبو ستونزه مې حل وه. د اوسېدو لپاره د کوټې د تيارولو او پاکولو پر مهال مې سترگې پر دعوت خپروني ولگېدې، هېر مې دي او نه يې شم ويلای چې د کرکيو هندارو ته سرېښ او که هسې له کرکۍ سره پراته ول.

له دولس-ديارلس کلنۍ څخه د چاپي خپرونو او کتاب ملگرتوب پالم. هغه د کابلي انډيوالانو په خيره ((مشکل پسند)) هم يم. د نجيب الله د واکمنۍ د وروستيو کلونو، د ((مجاهدينو)) او د طالبانو د واک پر مهال نامعيارو، کليشوي، بي خونديو، پيکه، بي مضمونو، او شعاري خپرونو د لوړ ذوق د څښتنانو تنده نه شوای خړوبولای او هغه د چا خيره د فکر باز يې د دوی پر څانگو نه شوای کښېناستای. دغه مهال مو پر څو محدودو په لوړ معيار، بي پرو او کره چاپي او غريزو خپرونو د ذوق تنده ماتوله: له مسکوه ((ليمه))، له لندنه ((ډيوه))، له پېښوره ((ليکوال))، په کال کې يوه-نيمه گڼه د ((شمشاد)) او بيا راوروسته ((هيلي)) محلو، د بي بي سي او امريکا غږ راډيويي خپرونو. د دعوت په تندي ليکل شوي متن ((اسلامي، خپلواکه، علمي، سياسي او فرهنگي خپرونه))، په زړه پوريو، ناپيلو او تر ډېره په کره ليکدود ليکنو او غني منځپانگې يې خوند راگر، ډاکتر صاحب روح الله مې چې د کوټې په منظمولو کې راسره مرستندوی و، بي له ځنډه وپوښته: چې دا به له کومه شوی وي؟

هغه د عادت له مخې چې د پوښتنې ځواب يې هم بېرته پوښتنه وه، راغبرگه کړه: ((ولي دعوت دې پخوا نه ؤ لوستی؟ طارق بزگر نه پېژني؟ د انجنير صاحب نجيب دوی خپل دی، په ناروې کې اوسي او دعوت له هاغه ځايه رالېږي، دلته مخکې په دې کوټه کې د يوې موسسې

انجنير صاحبان اوسپدل، شايد انجنير صاحب نجيب دلته ورته راوړي وي))

څه موده وروسته چي د خپلي سپېڅلي رورديا او د ځيني کتابونو او ضروري موادو د پېرودني لپاره د پېښور په کتابپلورنځيو گرځېدم، نو د خيبر بازار په ((سعید بک ستور)) کي مي په دعوت خپرونه بيا سترگي روڼې شوې. هلته د کتابپلورنځي يو کارمن ؤ، ښه ښکلي غټه تکه توره ږيره يي وه، ما به صوفي صاحب باله، له لهجي دي هم د بري پښتونخوا (افغان) ښکارېده. د نورو په پرتله يي له برنو سره په ښه چلند کي جوت توپير ليده محسوسېده. ما ورته ويل دغه دعوت خپرونه تاسي ته څوک راوړي؟ ويل ولي، خير خو به وي؟ ما وې هسي، پوښتنه مي کوله چي څنگه کولای شم ويي وينم، صوفي صاحب چي زما په بي خطرۍ پوه شو نو ويل ((دا خو ډاکټر صاحب بزگر راوړي، که غواړې زه به يي د دفتر د تليفون نمبر درکړم، پته به ترې واخلي او ورسره ملاو به شي.)) د تليفوني اړيکي په مټ مي د پېژندگلۍ تر څنگ له ښاغلي ډاکټر صاحب محمد فريد بزگر څخه د دوی د کارځای په ((آبدره روډ)) کي د ORA دفتر پته هم واخيسته او په همدا لومړي ليده کاته کي يي د مينې او زښتې مهربانۍ د څرگندولو تر څنگ د دعوت خپرونې په څو وروستيو گڼو او همدارنگه د ORA او KOR نادولتي موسسو د گڼو خپرونو او کتابونو په راکولو ښه پوره و قدرولم.

راوروسته به هم، چي کله د لويې پښتونخوا ژمني پلاز ته ورکوز شوم نو د ډاکټر صاحب بزگر د ORA له دفتر، د هېوادممل صاحب د WUFA دفتر، د ښاغلو پيرمحمد کاروان، استاد باجوړي، عبدالهادي هادي او احمد تکل د بي بي سي د تعليمي ډرامو دفتر، د ښاغلي نورالبشر نويد د ((ليکوال)) دفتر، دانش کتابپلورنځي او ((آسيا سافت)) له دفترونو مي خامخا د تازه خپرونو د ترلاسه کولو لپاره د کتنې او دورې هڅه کوله او تل د دوی له مهربانيو برخمن وم.

مسکو ته له کلهوالي سره مي هم له نېکه مرغه د دعوت خپرونې له پازوال، نوموتې ژورناليست او مهربان اجتماعي شخصيت ښاغلي محمد طارق بزگر سره تر دې دمه بي اړيکو پاتې شوی نه يم. د دعوت په پېرزوينو ترې خوښ او مندوی يم. رب (ج) دې يې زمور له پراخ

ملي رسالت / 82

کوره څخه نه کموي، فکر او قلم يې همداسې سپيڅلی، تاند او منلی
غواړم.

د دعوت ۲۹مه کليزې؛ د وياړني يوه پلمه اجمل روهي

څه باندې دوه لسيزې وړاندې، کله چې زه هم د زيات شمېر نورو افغانانو په څېر جلا وطنۍ ته اړ شوم، د برخليک څپو زه د جرمني خاورې ته ورسولم. که څه هم زما د محصلۍ دوره په اروپا کې تيره شوې وه، خو داسې يو هېواد ته راتگ، چې ژبه دې نه وي زده او وگړي يې انگريزي ژبې ويلو ته هم لېوالتيا نلري، ځيني ستونزې رامنځته کولې، چې له رسمي کارونو، ډاکتر ته تگ نه تر کاروموندنې پورې ټولې چارې ورسره تړلې وې.

هغه مهال، چې د نن په پرتله ټکنالوجي دومره پرمختللي نه وه؛ د انټرنېټ او ديش اتنانونو نه شتون هم موږ له دې نه محروم کړي وو، چې د خپل هېواد په هکله کره مالومات ولرو، زموږ لويه خوشالي به دا وه، که کوم چا ته به زموږ ليک رسيدلی و او د هغوی لخوا به ځواب را ورسيد او يا به افغاني مجلې، کتابونه او ورځپاڼې تر موږه راوړسيدې. د جلا وطنۍ په همدې کلونو کې، ځيني ورځپاڼې يا بهتره ووايم جريدې تقريباً په منظمه توگه رارسيدلې او تر لوستلو وروسته به لاس په لاس کيدلې. د دغو ورځپاڼو څو بېلگې مې چې په يادې دي: «وفا» چې بنسټ گر يې ارواښاد پروفيسر-رسول امين او سرمحقق زلمي هېوادملي مدیریت کولو، «دعوت» د ښاغلي طارق بزگر په مدیریت، «آئينه افغانستان» د ښاغلي سيدخليل الله هاشميان په مشرۍ او «مجاهد ولس» د ښاغلي محمدحسن ولسمل په مدیریت. د دغو ورځپاڼو په لوستلو به زموږ د زړه للمه په هېودانۍ مېنه خړوبيدله او هم به اپدېت کيدلو.

څرنگه، چې سپر کال د «دعوت» ۲۹ کليزه ده، نو زه به هم د دغه رسنۍ (ورځپاڼې او ويبپاڼه) په هکله، زما په ذهن کې پنځيدلی نظر وړاندې کړم.

زما په اند د هرې بريالۍ رسنۍ په هکله چې خبرې کيږي دا په حقيقت کې د هغه رسنۍ د مدير او کارډلې د برياليتوب په هکله خبرې دي. د «دعوت» په هکله هم بې له شکه همدا فرمول صدق کوي.

ملي رسالت / 84

که څه هم د ليکوال د شخصيت او آثارو تر منځ تړاو شته، خو ځينې بيا له دې نظر سره مخالفت لري او وايي، چي کيدی شي يو څوک بڼه شخصيت ونلري، خو بڼه آثار يې وړاندې کړي وي.

له نيکمرغه زه د «دعوت» بنسټگر او مسوول مدير ښاغلی طارق بزگر پېژنم، له نږدې مو بڼدار هم سره کړی او په هغه ډله کې حسابيږي، چي هم دروند شخصيت لري او هم درنه او بريالی رښنی چلوي.

يو څو ټکي د گران بزگر صيب په هکله:

ډير اجتماعي او د اړيکو په پاللو کې تکړه، د غره په څېر حوصله؛ بېلگه يې د ۲۹ کلونو پرله پسې ژورناليسټيک کار، له حسد او دښمنو نه ليرې او بس هسي خوږ انسان.

يو څو لنډه ټکي هم د «دعوت» په هکله:

هيڅکله يې ژېر ژورناليزم ته مخه نکړه؛ د پيسو او نورو امتيازاتو لپاره يې څوک بې ځايه تارگيت او سپک نه کړل. تل يې ملي گټې په پام کې نيولي او په هېواد کې د خيانت، فساد او ملي خائنيو پر وړاندې يې د مبارزې بيرغ تل اوچت ساتلی.

گران بزگر صيب، ځان او ټولو هېوادوالو ته د دې کليزې او برياوو مبارکي وایم، الله دې همداسې لري.

د دعوت د ملي گټو او بيان ازادۍ په تله کې! سرلوخ مرادزی

د دعوت د ۲۹مې کليزې په وياړ!

تر نورو خبرو مخکې اړينه بولم، د دعوت خپرونې ۲۹ کليزه او په راوړوسه کې د دعوت برينسناپانې ښېگڼيزه او بريالۍ چلونه قدر وړ او منلي شخصيت محمد طارق بزگر، د هغه همکارانو، او بيا ليکوالو او لوستونکو ته چې د دعوت خپرونې او برينسناپانې سره همکاري لري او اړيکه ساتي، مبارکي او کور وداني ووايم.

له هېواده ليرې، د کډوالۍ په ناخواله چاپيريال او نישته امکاناتو، د خپرونې د وسايلو او تخنيک د تيارولو د هڅو او کړاوو سره سره؛ د بزگر صيب ۲۹ کلن قلمي او پوهنيز زيار چې مهالپير يې تر ننه پورې د يوه نسل د عمر سره برابري کوي، نه يوازې د ستاينې او قدر وړ دی بلکې د هېوادپالنې يوه داسې غوره بېلگه ده چې ځوان نسل يې بايد هر پل پسې پل واخلي!

که څه هم ما مخکې د دعوت خپرونې ټولو گټو ته لاسرسی نه درلود او يوازې ځينې مې لوستې او برينسناپانې سره له پيله اړيکه پالم، خو سپرې ويلای شې دواړه، د دعوت خپرونه او هم برينسناپانې د هېوادپالنې په گاڼه سمبال او د ملي گټو په بيان، ملاتړ او ساتنه کې په ټول پوره دي.

د ډېرې خوښۍ ځای دی نن سبا په هېواد کې دننه او بهر د خپرونو او برينسناپانو پريماني او ارزاني ده، خو ملي گټو او د بيان ازادۍ سره د برينسناپانو او خپرونو چلند يو راز نه دی. يو شمېر يې له خپرېدو څخه په نه خپرېدو هېواد ته گټه رسوي او که د ژورناليزم نور ارونه او ځانگړنې ورسره غوټه شي چې زما د ځانگړپوهې له انگړه بهر دي، خبره نوره هم درنه او پېچلې کوي.

ملي ارزښتونو او گټو ته ژمنتيا او د هغو ساتنه او همداراز د بيان ازادې هغه دوه وزرونه دي چې که يوه خپرونه يې ولري، تر ډېره پرې چلېدای او ژوندی پاتې کېدای شي. هغه خپرونې چې له يادو ښېگڼو څخه يوه يې پېکه او يا دواړه يې پېکه او يا يې هيڅ ونه لري، څوک يې نه خوښوي او په لوستلو نه ارزوي. همدا لامل دی چې ځينې خپرونې ژر

مري او اوږد ژوند نه لري او ځينې نورې لکه دعوت بيا کلونه دوام کوي، نسلونو اړوي او نسلونه روزي.

زه د دې دعوې نه کوم چې د دعوت خپروني به په يادو برخو کې کومه نيمگړتيا ونه لري، خو تر کومه چې زه يې ارزولای شم، په واپو ډگرونو کې په بريالو پلونه اخلي او د لا بشپړتيا او پرمختيا پړاوونه وهي.

دعوت د افغان ټولو قلموالو او ليکوالو د ليکنو او لوستلو خونديځ دی. دعوت د کينلارو، ښيلارو، منځلارو او گنلارو ليکنې په پراخه ټنډه خپروي او تر خپلې وسې پورې يې د بيان ازادې ژوندۍ ساتلي ده. تر اوسه زما هيڅ ليکنه چې ښای ځينو به يې د دعوت تگلار سره سمون هم نه وي لرلی، دعوت بې لاسوهني خپرې کړې. همداراز زه ليکنې، خپلو بېلا بېلو لوستونکو ته د اسانه لاسرسۍ په موخه نورو بريښناپانو ته هم ليرم، خو د ځينو نورو ترڅنگ دعوت په ډېر ورين تندي دا ليکنې خپروي چې ترې منندوی يم.

يو وخت ما بلې بريښناپانې ته ليکنه لېرلې وه. په ليکنه کې مې د وفات شوي شخص د نوم سره د ارواښاد کلمه ليکلې وه، نوموړې بريښناپانې چې نوم اخيستل يې اړين نه بولم، د هغه ارواښاد له نوم څخه د خپل تنگليد په لامل، دا کلمه غورځولې وه او په وفات شوی شخص يې د ارواښاد تش يوه کلمه قدرې هم پيرزو نه ده!

په پای کې د ملي گټو او ارزښتونو خبره يو ځل بيا دلته رااځلم. زه خو وایم خپرونه دې د ملي هويت، خپل تاريخ او رواياتو په منځپانگه بڼه وي. که نور ورځچاري رنگارنگ مطالب خپريږي، خپاره دې شي، خو هغو کې دې هم د ملي ارزښتونو ونډه خوندي وي.

د خپروني په تگلار کې ملي گټو ته ژمنتيا او په خپرونو کې د داسې ارزښتونو پرله پسې انځورول، خپروني سره د لوستونکو او هېوادوالو د لوست مينه زياتوي، هغوی د هېوادپالنې په روحیه روزل کيږي او په دې لامل د خپروني ځلا او ښکلا لاس زياتوي. د دعوت خپروني چې په دې گانه تر ډېره سمبالې دي، دې ټکي ته يې نوره پاملرنه هم رااړوم!
دعوت ته د خپرونو په هېوادپاله دنده کې لابرېاوې غواړم!

خجسته کتاب دعوت دكتور سيد خليل الله هاشميان

جريده وزين دعوت اينك ۱۶ ساله مي شود و در مسير اين مدت به مديريت مسئول شخصيت مبارز، آقاي محمد طارق بزرگر، موقف ملي و مبارزه ملي خود را براي احيای افغانستان آزاد، دموکراسی ملي، رفع و دفع هر نوع تبعيض و تاسيس حکومت قانون در افغانستان حفظ نموده و در مدت سه سال گذشته که افغانستان به طور رسمي تحت اشغال قوای اجنبي قرار گرفته، جريده مبارز دعوت پيوسته به ضد اشغال اجنبي شعار داده است.

جريده مبارز دعوت هميشه از اتحاد ملي حمايت نموده و از حکومت دست نشانده نقاضا کرده تا اول تر به مقابل تجزيه طلبان دست به کار شود، زيرا تا زماني که جنگ سالاران تجزيه طلب، ولايات افغانستان را تحت تسلط داشته باشند، وحدت ملي تامين شده نمی تواند.

جريده دعوت از اظهار حقايق هراس نداشته واقعيت ها را بی پرده بيان می کند، چنان چه در شماره مسلسل ۱۶۲ می خوانيم که در دوره «حاکميت مترزل و فاجعه برانگيز مسعود- رباني که از سال ۱۹۹۲ تا سپتامبر ۱۹۹۶ دوام نمود و موجب قتل پنجاه هزار اهالی ملکی شد و هم اقلأ ۵۰ فيصد عمارات ملکی و رسمي در کابل تخریب شدند... به استناد يک منبع معتبر خارجي، در فروری سال ۱۹۸۳، بين احمد شاه مسعود، عبدالرشيد دوستم و قوماندان مالک، قراردادی با روس ها امضا شد که به اساس آن، مسعود مکلف ساخته شد تا امنيت راه سالنگ را برای عبور کاروان های اکمالاتی روس ها به جانب کابل تامين کند...» جريده دعوت با نشر افکار و مقالات دانشمندان افغان و توجه خاص به زبان ملي پشتو توانسته است در بين طبقه وسيع دانشمندان پشتو زبان محبوبيت خاص حاصل کند. در حالی که با انتشار مقالات زياد به زبان

ملي رسالت / 88

ملي دري، موازنه بين دو زبان را نيز نگه داشته و از لحاظ ژورناليزم مانند پلي، فاصله بين امريكا، اروپا، آسيا را به هم نزديك ساخته است. تمنيات نيك خود را براي دوام و موفقيت اين جريدهء مبارز ملي و براي صحتمندي و سعادت شاغلي محمد طارق بزگر بدین وسيله ابراز مي كنم.

پيروز و جاويدان باد مبارزهء ملي به ضد ارتجاع داخلي و به ضد اشغال كشور توسط لشكر اجنبي.

دعوت د کتاب په بڼه پوهاند ډاکټر محمد حسن کاکړ

د دعوت میاشتنی خپرونه، ۱۹۸۸ کال نه راپدېخوا په ناروې کې د ښاغلی محمد طارق بزگر په سروالی خپرېږي. دعوت په دغو شپاړلسو کلونو کې تر اوسه پورې په منظم ډول خپور شوی او لوستونکو ته هم دننه په افغانستان کې او هم له افغانستان نه د باندې په نورو هیوادونو کې رسیدلی دی.

د مساپرۍ په حال کې په نااشنا ملکونو کې خپرونه ایستل او هغه لوستونکو ته په وخت استول اسان کار نه دی. د دعوت دغه غټ کار په لاندې دلیلونو سره واقعي شوی دی. د واقعي کېدلو غټ عامل یې پخپله چلوونکی ښاغلی بزگر دی چې له کېدوال کېدلو نه وروسته یې د پردیسۍ په حال کې هم زیار ایستلی چې خپل وطن او وطنوالو ته د قلم له لارې خدمت وکړي.

د ثور له کودتا په تېره د شوروي له نظامي یرغل نه وروسته په ملیونو افغانان اړ کړل شول چې له خپل هیواد څخه ووځي، په ملیونو له خپلو کورنیو سره په پاکستان، او ایران کې کېدوال شول او تر دوو لکو پورې یې د لویدیځې نړۍ د بېلو بیلو هیوادونو په تیره جرمني، کاناډا او امریکا ته لاړل. معاصر افغانستان هیڅکله دغومره ډیر افغانان له لاسه ورکړي نه وو، دوی اقتصادي کېدوالان نه وو چې د ژوند بڼه کولو د پاره به د خپل پروگرام له مخې له وطن نه وتلی وي. دوی لکه چې د مخه مې وویل د مجبورۍ له مخې کېدوال شول نو ځکه د کېدوالۍ په حال کې د وطن اندیښنه ورسره وه او خپل وطن ته یې ډول ډول خدمتونه وکړل. ځینو د مقاومت د پاره تنظیمونه جوړ یا له سره فعال کړل؛ نورو د همدغو تنظیمونو له لارې د وطن په بیا خپلواک کولو کې اغیزناکه عملي ونډه واخیستله او لا هم نورو د قلم او لیکنو له لارې د افغان داعیه پرمخ بوتله او د دغه مقصد د پاره یې خپرونې وایستلې. دغه خپرونې ډول ډول او ډیرې دي؛ په تیره په پېښور کې د مقاومت په دوره کې؛ خو له بده مرغه هغه نه په یوه عامه گډ مرکز کې ټولې شوې او نه هم په عامه کتابتونو کې خوندي شوې. د افغانانو د پاره دا یوه ډیره غټه کلتوري او

تاريخي ضايعه ده؛ ځكه چې په دغو خپرونو كې د افغان ملي مقاومت او په هغه پورې اړوندو موضوعگانو انعكاس كړی و. په هغو كې د افغان كارنامې او تاريخ خوندي وو. دغه حال بشپي چې افغانان به د شتمن ليكلي كلتور خاوندان نه شي. دغه وينا په دغه ترخه واقعيت سره نور هم ټينگه كيږي او هغه دا چې د اسلامي تنظيمونو په دوره كې عامه او شخصي كتابتونونه چور شول، او ډير كتابونه يې وسوځول شول. په هغو كې زما كتابتون هم راځي چې له انگلستان او امريكې نه مې ډير كتابونه ورته راوړي او بيا د كابل د زاړه ښار د كتاب پلورنځيو نه مې د پخوا وختو ډيرې زړې پاڼې او كتابگوتي راتول كړي وو. زما په كتابتون كې يو شمير اثرونه بېجوړې وو؛ لكه د برتانوي هند حكومت د استخباراتو د څانگې يوه خپرونه چې د افغانستان د وخت د لويانو په هكله وه، او بيا ما د خپلې خپرنې درې كلنې مودې په بهير كې له ناخپرو شوو ارشيفي پاڼو نه نور ډير معلومات پرې وزيات كړي وو چې دغه اثار د هغو له امله پوره بېجوړې شوي وو. دغه اثر چې په نيم تخته يې پاڼو كې شنه پستي لرله او اضافي ليكنې يې په انگريزي كې زما په قلم دي شايد بل څوك لوستلی ونه شي.

په كابل كې د طالبانو تر پريښولو نه وروسته د خپرونو يوه لويه ازاده دوره پيل شوې ده، خو د دغې دورې خپرونې دننه په وطن كې د لوستونكو د پاره دي. په داسې حال كې چې له افغانستان څخه د باندې په لويديځې او عربي نړۍ كې د دوو لكو په شاوخوا كې افغانان اوسېږي. له ښه مرغه د دغه افغانانو او داسې هم په وطن كې دننه افغانانو د پاره اوس هم په باندينو هيوادونو كې خپرونې كيږي؛ لكه په امريكا كې "آئينه افغان" د ډاكټر سيد خليل الله هاشميان په سروالي، په كاناډا كې "افغان رساله" د ښاغلي احمد شاه هوتك په زيار، په جرمني كې "گوربت" د ښاغلي محمد آصف په همت او "اسه مايي" د ښاغلي حميد عبيدي په زيار، او په امريكې كې "كيوان افغان" د ښاغلي رحيم وحدت په مشرۍ او په ناروې كې "دعوت" د ښاغلي محمد طارق بزگر په سروالي، دغه خپرونې هم ملي دي او هم يې د عمر كولو توان ښوولي. البته نورې خپرونې هم شته چې يا يو وخت بل وخت ايستلی

کیري او یا ملي نه دي، لکه د "امید" خپرونه؛ خو دلته په دغو پاڼو کې یوازې د دعوت خپرونې باندې خبرې کیري.

لکه چې رومبې مې وویل چې شپاړلس کاله کیري چې دغه خپرونه د ښاغلی بزگر په زیار راووخې په باندینو نااشنا ملکونو کې د دغسې خپرونو ایستل اسان کار نه دی، خو د هغوی د ایستلو هلې ځلې لوستونکو ته نه ښکاري لکه هسې چې لوستونکي د کتاب مخونه په منډه لولي. بې له دې چې څیر شي لیکونکي به د هر مخ په کښلو کې څومره زیار ایستلی وي. په دغه اړه ښاغلی بزگر یو مثال کیدلی شي. د دې د خپلې کورنۍ د ژوند خوندي کولو د پاره د ناروی د پوست په مرکزي دفتر کې کار کوي، خو د خپل معاش یوه برخه د دعوت په ویستلو باندې لگوي. له دینه جوته ده چې د ښاغلي بزگر د دعوت د خپرولو هڅونکی قوه مادي نه ده. په اصل کې د دغسې خپرونو ایستل د پیسو د پاره نه وي او نه هم دا د پیسو گټلو لار ده، هغه هم په باندینو ملکونو کې د دغسې افغانانو د پاره چې ملي خپرونې راوباسي. دغه څه پخپله د دعوت د مخونو نه څرگندیري.

دعوت د هیواد په دواړو رسمي ژبو خپریږي، خو د پښتو پله یې درنه او افاده یې هم معیاري ده. په هره گڼه کې یو یا ده لیکنې په انگریزي هم لري، خو د دعوت غټه ځانگړتیا د هغې د لیکنو څنگه والی دی. لیکنې یې نږدې ټولې د افغانستان د پښو په تېره د سیاسي پښو په اړه تحلیلې دي، مهمې نړیوالې جاري پېښې یې هم په مخونو کې راوځي. په لیکنو کې یې په موضوع گانو باندې بحث کیري نه په فردونو باندې. هو، د فردونو کره وړه او نظرونه او سیاستونه به پکې ډانډس کیري او ټکول کیري، خو پخپله هغوی په سپکه نه یادیري. دعوت د مدني اصولونو مراعات په ټینگه کوي. دعوت په واقع کې په دغو اصولونو او فرد ته د درناوي په اصل ولاړ دی. په دغه ډول د دعوت په لیکنو کې د فرد حیثیت هر څوک او په هر مقام کې چې وي خوندي دی، خو د هغه کره او فکرونه سپیڅلي نه کښل کیري، هغه سپرول کیري یا یې قدر کیري یا بېرحمه نیوکی او وارونه پرې باندې کیري. دا ټول د دې د پاره چې دعوت دا خپله ملي او اجتماعي دنده او مسئولیت گڼي چې خپل لوستونکي د هغو نظرونو، کړو، او موضوعگانو په ښو او ناوړو خواو

باندې خبر کړي چې هغوی او د هغوی وطنوالان متاثر کوي. دا په واقع کې د دعوت رسالت دی. په دې حساب د دعوت لیکنې نه ننداره ییزي، نه احساساتي او نه هم پارونکي دي. هغه د ازادو دماغونو تحلیلي لیکنې او تبصرې دي. له دې امله دعوت ډیر علاقه مندان، خوبنونکي او لوستونکي لري او دا د دعوت قلمي مرستیالان دي چې د وطن د پیسو د بېلو بېلو اړخونو په اړه پخې لیکنې وراستوي او مرسته ورسره کوي. دوی په دې ډول د دعوت ارزښت، درنښت او د زیات عمر کولو توان ورزیاتوي. نو دعوت د یوې گډې موخې په لور په لویدځې نړۍ کې د خورو ورو افغانانو د همکارۍ یوه څرگنده، لوړه او گټوره بیلگه ده. دا دعوت دی چې خپل خواره واره افغان لیکوالانو به یوه بل باندې پیژني او سره نږدې کوي. خو سره له دې هم گمان نه کیږي چې حتی د دعوت لیوالانو په هم د هغه ټولې گنې ساتلي وي.

د مساپرۍ په دغه اوسني حال کې د خپرونو ساتل اسان نه دي. نو ښاغلی بزگر وړاندیز کړی چې د دعوت غوره لیکنې د کتاب یا کتابونو په بڼه راوباسي؛ د دې د پاره چې لوستونکي هر وخت چې وغواړي ترینه گټه واخلي. دا یو بل بڼه گام دی چې ښاغلی بزگر پورته کړی. په دغه کار سره به د دعوت د غوره لیکنو ارزښت او پایښت نور هم یقیني او گټورتوب به یې زیات شي. په دغه گټور کار کې هم زه د ښاغلی محمد طارق بزگر بری غواړم.

دعوت او محمد طارق بزرگ ډاکټر عبدالصمد حامد

بسم الله الرحمن الرحيم

گرانه وروړه بزرگ صاحب!

د هرڅه نه لومړی تاسې ته زړه له کومې تبریک وایم چې د دعوت درنده خپرونه د خپلو لیکنو، مرکو او شعرونو کتاب خپروي، زموږ د ښو او بدو خاطراتو نه ډک تاریخ او په ځانگړې توگه د تیرو دیرشو کلونو په ترڅ کې چې زموږ د هیواد او هیوادوالو د سیاسي او ټولنیز ژوندانه یوه ډیره حساسه مرحله وه او لا هم ده، د یو شمیر هغه هیوادوالو چې د ډیرو ستونزو په گاللو سره، هیواد او هیوادوالو ته د خدمت او خیر په نیت د مطبوعاتو او تبلیغ په سطح د قدر وړ خدمت کړی دی، انشاءالله به زموږ د تاریخ یوه مثبتې برخه جوړوي. ستاسو دا خدمت د تیرو پنځلسو کلونو په اوږدو پرته د خپل کار پر حقانیت باندې باور او ډیر صبر نه شي تر سره کیدای.

د تیرو دیرشو کلونو راپدېخوا زموږ هیواد د پردیو او د هغوی امریرو افغانانو د لوبو او تجربو میدان په توگه کارول شوی دی چې افغان مجاهد، خو مظلوم ولس د ډیرو قربانیو او مصیبتونو د گاللو سره سگره لا تراوسه هم دې لوی او ملي مصیبت لاس په گریوان دي. که څه هم د نیکه مرغه په هیواد کې دننه تر یو حده دا زمینه مساعدې شوي ده چې یو شمیر ازاد نشرات رامنځ ته شي خو د هیواد نه بهر میشته افغاني موقوتې خپرونې او الکترونیکې وسایل د خپرونې لا اوس هم خپله ځانگړې وظیفه لري او صبا به یې هم ولري.

د افغان ولس اکثریت او موثرې طبقې ښايي چې د خپل موجود لوی مصیبت د جریان نه د واقعیت درک کړی وي چې:

افغان ولس د بشري ټولنې د غړې په حیث نه یوازې د نورو ولسونو او هیوادونو څخه په تجرید کې ژوند نه شي کولای، بلکې دا وظیفه یې هم ورپه غاړه ده، چې د خپلو مشروعو حقوقو، خپل د تهذیبی هویت څخه د دفاع تر څنگ د بشري ټولنې سره د سوله ییزو او د هغوی مشروع حقوقو او هویت ته د احترام په واسطه حتی المقدور نژدې

اړيکو ساتلو او پاللو په وجه داسې حالات منځ ته راشي، چې د افغان ولس او د نورو هيوادونو د مشروعو حقوقو د تامين په لاره کې د ټکر له پاره زمينه برابره نه شي. زما په نظر د هيواد نه په بهر کې ميشته افغاني ذکر شوی خپروني اصلی نقش په دې اړوند به ځانگړی اهميت ولري. دا نقش په حقيقت کې په دې اړوند د يو منصف او د يو خواخوږي څارونکي او منتقد، رابط نقش به وي.

کوم د انصاف او واقعيتونو پر بنا متکي تنقيدونه چې په هيواد کې دننه ميشته وو اطلاعاتي خپرونو له خوا د ځينو عواملو او محدوديتونو له کبله نشي خپریدلی، بايد د هيواد نه په بهر کې ميشته خپرونو په واسطه هرو مرو هيوادوالو ته په اطلاع ورسول شي. همدا راز دا هم د هيواد نه په بهر کې ميشته خپرونو وظيفه به وي، چې په هيواد کې دننه د مثبتو پيښو او کارونو اطلاع د نورو افغانانو او افغان ولس سره نورو غير افغاني علاقه لرونکو کړيو په خبرتيا ورسول شي.

په دې اساس دا ذکر شوي په بهر کې مشته خپرونې د يوې خوانه د افغان ولس د تنقيدي غبرگون د خپرونې نقش تر څنگ د افغان ولس تر سره شوي خدمت د مبلغ نقش به ولوبوي او د بلې خوانه به د هيواد نه په بهر کې د افغانانو او د افغان ولس ترمنځ د اړيکو د ټينگولو او پراختيا عامل به وگرځي. همدا راز د دوی دا کار به د افغان ولس او د بشري ټولنې تر منځ د ذات البيني بنو اړيکو د تقويې په لاره کې مثبت رول ولوبوي.

د دې کبله بنايي چې د هيواد نه بهر ميشته افغانان (که د نورو هيوادونو تبعه هم شوي وي) د دعوت د درندې خپرونې او نورو په بهر کې ميشته افغاني خپرونو سره تر وسه پورې خپلې مادې او معنوي مرستې وکړي. تاسو ته تبریک وایم او درته اجر، ډير صبر او توفيق غواړم.

د دعوت خپلواک رسنيز مرکز سره زما اړيکه هلمند پرديس

مخکې تر دې چې زه د دعوت خپلواک رسنيز مرکز سره په خپلو اړيکو وغږېږم، غواړم د دغه رسنيز مرکز په ځينو ارزښتونو او خدمتونو يو څه ووايم. دعوت خپلواک رسنيز مرکز په حقيقت کې يو خپلواک او د رسنيو په ډگر کې يو بې پرې او ازاد رسنيز مرکز دی. د دغه مرکز هڅې او پرمختگونه ټول د افغانستان او افغان درديدلي ولس سره تړلي او د دوی اواز دی، نو ځکه د دغه مرکز مشر محمد طارق بزگر صاحب په خپلو شخصي، مادي او معنوي توان سره دغه دروند بار ته دا نهه ويشت کاله کېږي چې مټ ورکړی دی، زما د خبرو هدف هم همدا دی، چې دغه رسنيز مرکز په ټوله مانا خپلواک دی. دا چې څرنگه دغه رسنيز مرکز لا تر اوسه خپلواک پاتې شوی دی، د کاميابي راز يې په خپله د دغه رسنيز مرکز مشر محمد طارق بزگر صاحب دی. د ده ډېرې هڅې، زيار، د خپل ولس او وطن سره بې انتها مينه دا هغه څه وو، چې محترم بزگر صاحب په دغه لار کې سترې مادي او معنوي قربانۍ ورکړي دي، او دغه رسنيز بهير يې تر هدف رسيدو پورې له ستونزو او مشکلاتو بهر کړی دی او همدا علت دی، چې نن يې مور تاسې نهه ويستمه کليزه لمانځو.

محترم مشر بزگر صاحب سره د ډېرو نورو ښو خاصيتونو لرلو تر څنگ يو بل ارزښتمن خاصيت دا دی، چې هغه ريښتوني وطندوسته شخصيت دی، او هغه د خپلې همدغې وطندوستۍ له برکته د وطنپرسته فکرونو په روزلو کې هم موثر گامونه اوچت کړي دي. هغه سره د احمد، محمود، د قوم، قبيلې، ژبې او نژاد تعصب نشته، نو ځکه ده سره د دعوت خپلواک رسنيز مرکز په همکارۍ کې د افغانستان د هر قوم وروڼه ملگري او همکاري کوي، او بزگر صاحب دا خبره په حقيقت کې په اثبات رسولي ده، چې يو شاعر يې په خپل شعر کې وايي:

چې نشه د استبداد لري په سر کې

ما ته يو دی که مغل دی که افغان

پوره يوه لسيزه مخکې چې کله ما د مسافری په درشل قدم کيښود د وطن پلټون مې د زړه دننه د خپل وطن سره د مينې داسې اورونه بل کړل، چې زه يې ليکلو ته اړ ایستم. ليکل مې شروع کړل، که څه هم زه له ماشومتوبه په خپل کلی مين وم، حتا له کلی بهر به مې له دوستانو سره هم شپه نه کوله زړه به مې تنگيده، خو

چې کله مسافر شوم، نو د وطن دا مینه او دردونه مې دوه چنده او سل چنده شول، او همدغه د وطنپرستي احساس او مینه وه، چې ما به د انټرنیټ له لارې خپل احساسات او د زړه خواله د خپل ولس او وطن سره شریکول. شپږ کاله پخوا د دعوت میدیا خپلواک رسنیز مرکز سره اشنا شوم، او دغه رسنیز مرکز ته به مې خپلې نیمگړې لیکنې ورلیږلې او د دغه همکارۍ په نتیجه کې له محترم مشر بزگر صاحب سره معرفي شوم، او وخت ناوخت به یې زه هڅولوم، چې زما لیکل ښکلي او په ټول پوره دي، خو زه وروسته پوه شوم، چې هغه وخت زما لیکلو بلا تیروتنې لرلې، کیدای شي اوس یې هم لري، خو زه محترم بزگر صاحب زړه ماتې نه کړم، او هر وخت یې مناسبې لارښوونې راته کړې دي، او همدا د ده د لارښوونو برکت و، چې څلور کاله مخکې بیا د دعوت خپلواک رسنیز مرکز سره رسمي همکار شوم، خو د دغه همکارۍ اجوره ما هم نه ده اخیستي، د دې لپاره ما دوه دلایل لرل، یوه وجه دا وه، چې ما خپله هغه مینه چې له خپل ولس او وطن سره لرله او لرم یې، ما باید دا په عمل کې اثبات رسولې وای، ځکه چې افغان وطن او ولس پر مور حق لري، چې خدمت یې وکړو، او همداسې مې وکړل، او دا مې ستر ارمان هم وو، چې خپل وطن او وطنوالو ته د خدمت جوگه شم او بله وجه یې د محترم مشر بزگر د کار او خدمت څخه متاثره کیدل ؤ، چې ده هم له چا څخه په دغه بهیر کې اجوره نه ده اخیستي او خپل وطن او وطنوالو ته یې دا نهه ویشته کاله وړیا خپل رسنیز خدمتونه وړاندې کړي دي.

په پای کې زه مشر-بزگر صاحب ته دوعاگانې کوم، چې ستر رب العزت یې عمر ډېر او ارمانونه یې پوره شه، او لوی خدای دې مور ته هم دا توفیق راکړي، چې په دغه بهیر کې ورسره ریښتوني ملگري پاتې شو.

بيست و سومين سال نشرات جهاني کمپلکس دعوت تبریک و تهنيت باد

استاد صباح

آزادی، نه تنها بی بها نیست بل که کالای بسیار ارزشمندی ست که در طول تاریخ، مفت و ارزان به چنگ هیچ کس نیامده است.

دانشمند گرامی، مرد دانش و خرد و شخصیت برانزده بیرون مرزی کشور، جناب محمد طارق «بزگر»، رییس کمپلکس نشراتی دعوت! صمیمانه ترین تبریکات قلبی ام را به مناسبت بیست و سومین سالروز (۱۹۸۸ - ۲۰۱۱) نشرات دعوت پذیرفته و از طریق شما به هیات محترم تحریر، همکاران گرانمایه و خواننده گان، بیننده گان و شنوینده گان گرامی دعوت تقدیم نموده، زنده گی خوش به شما و خانواده های تان و جذابیت و رنگینی بیشتر دعوت آرزودارم.

شارل دو مونتسکیو می گوید: بشری که حق اظهار عقیده و بیان اندیشه خود را نداشته باشد، موجودی زنده به شمار نمی رود.

اگر به آزادی بیان اعتقاد دارید، انتقاد صریح، علنی و شفاف از شما در رسانه ها، معیار آزادی بیان است. اگر نتوان از رهبر سیاسی کشور انتقاد کرد، نمی توان مدعی وجود آزادی بیان شد. این که فردی به دلیل انتقاد غیر مستقیم از رهبر، محکوم به پرداخت هزینه های بسیار سنگین شود، دلیل آزادی نیست، بل که حاکی از خود کامه گی نوع توتالیتیر است.

این که یک فرد قدرت مطلق را به طور مادام العمر در اختیار داشته باشد و باز هم از مردم سالار بودن حکومتش سخن بگوید، نزد عقلا چه معنایی دارد؟

دعوت! رسانه ی صوتی، تصویری و چاپی است که نویسنده گان و قلم به داستان اندیشمند و متفکر برای تحقق دموکراسی واقعی در کشور کهن و مردخیز افغانستان، مبارزهء صادقانه و بی الایشانه نموده و

ملي رسالت / 98

شباروزی عرق می ریزند و زحمت می کشند. مسوولیت بزرگ و خطیر آنان توضیح و تشریح دموکراسی واقعی، متحد کردن تمام نیروهای دموکراتیک تا بنای حکومت قانون، تا ختم جنگ و برادر کشی، تا تحقق آزادی، مردم سالاری، سیکولاریزم و خردگرایی در سرزمین درد دیده ما بنیان گذاشته شود.

دعوت، نقطه شروعی برای بحث و گفت و گو و استراتژی هایی برای ایجاد ارتباط وطنی، افغانی و روشنفکرانه برای توسعه دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی و حقوق واقعی در میهن است. دعوت برای آزادی، حقوق بشر و دموکراسی مبارزه می کند.

دعوت، تریبونی برای آزادی، دموکراسی، روشنفکری، عدالت خواهی، برادری و برابری بوده و برضد اندیشه های تفرقه انداز به نام شمال و جنوب، شرق و غرب، سلطه خواهی و قدرت طلبی و بر علیه دزدان، چپاولگران، آدمکشان، جنگسالاران، سلاحداران، قاچاقبران ثروت های مادی و معنوی وطن پیکار دوامدار نموده و در این مسیر، گام های بلند برداشته و در آینده نیز ساکت نخواهد ماند.

دعوت، هرگز استقلال و منافع ملی خود را زیر پا نمی گذارد و آنانی که طی سه دهه به استقلال ملی، تمامیت ارضی و آزادی و مردم گرایی خیانت نموده و در هر مقطع تاریخی برای چور و چپاول باشندگان این خطه تاریخی معامله و غلامی نموده اند و در بدل پول، کرسی و قدرت بر سرنوشت کشور و مردم با اجنبی ها معامله کرده اند، بی باکانه و میهن پرستانه، چهره های منحوس آنان را برای ملت غیور افشاء و رسوا می نماید.

به عقیده من، نویسنده گان، قلم به دستان و همکاران رسالت مند دعوت باید تاریخ غنی و نبرد های آزادی خواهی و افتخارات میهنی خود را به یاد داشته باشند و در مسیری روشنگری مردم جد و جهد

بيشتر نمايند تا بار ديگر به پيشرفت هايي در زمينه هاي اقتصادي، اجتماعي و حقوق انساني دست پيدا کنند.

مردم ما بايد آزاد باشند تا به خود و آينده کشور امید داشته باشند. همه ما بايد برای عدالت، شرافت، صداقت، سعادت و متانت مبارزه کنیم تا بر نیروهای سلطه گر و چپاول پيشه چيره شويم.

ما بايد با امید و ميل به دستيابی به رفيع ترين قائل افتخار برای کشور به سمت آينده حرکت کنیم. زمان پيشرفت و ترقی به وسيله ما در زمينه هاي هنري و فرهنگي فرا رسيده، يروزي نزديک است و تغيير اجتناب ناپذير است.

دعوت با پیروی از اصول آزادی و حقوق بشر و دموکراسی و مردمگرایی به قوی ترین شبکه جهانی بیشتر از گذشته مبدل شود. زمانی قدرت های بزرگ با ورود مستقیم به کشورها، جهان سوم را غارت می کردند، ولی حالا در هزاره سوم در ظاهر به نام آزادی و دموکراسی می خواهند ملت ها را تاراج کنند و انسان ها را در بند بکشند و آزادی را نیست و نابود نمایند.

بايد در مورد نقشه ها و خیانت های مافیای بنیادگرایی و تفنگک سالاری هوشيارانه عمل نمايم تا آنان عقیده پوچ و بی معنی منطقه پرستی، قومگرایی، تضاد های ملی و زبانی به نام افغان و افغانستاني، شمالي و جنوبي و ستم طلبی و سلطه خواهی چون ویرس مهلک و کشنده بر جامعه تزریق نکنند تا بار ديگر شاهد بدبختی، فلاکت و سیه روزی وطن و مردم ستم دیده آن نباشيم.

ما مصرانه بر این اصل پا فشاری کنیم که زنده گی ما در کشور، تجربه عالی، با شکوه و عظیم است. هر انسانی وطن حقوقی دارد که بدانند و مستفید شوند، هیچ دولتی، نیرو و یا شخصی حق ندارد که آنان را از چنین حقوقی محروم کند.

ملي رسالت / 100

هر انسانی می بایست در برابر قانون برابر باشد. هر شخص باید زیر چتر حقوق و آزادی قانون اساسی بدون برتری از هر نوع، مانند نژاد، جنسیت، زبان، معلولیت، مذهب، عقاید سیاسی، ملیت یا طبقه اجتماعی، ارزش های فکری، اولویت ها، دارایی، محل تولد و مانند این ها باشد. تمام مردم باید حق شرکت در اداره و حکومت را داشته باشند. هر شخص حق تفکر، مذهب، تحصیلات، عقیده و سخنرانی آزاد را دارد. این حق شامل داشتن عقیده بدون دخالت است و همچنین دنبال کردن، دریافت و بیان اطلاعات و عقیده از طریق رسانه ها آزاد اند. هر شخص حق دارد که به طور مسالمت آمیز در انجمن ها و گردهم آیی ها شرکت کند، ولی هیچ کس نباید مجبور به عضویت چنین انجمن ها یا گردهم آیی هایی شود.

هر انسانی حق کار دارد و می تواند شغلش را آزادانه انتخاب کند؛ شرایط محیط کارش به دلخواه و منصفانه باشد و نیز حق دارد با تشکیل و پیوستن به اتحادیه های کارگری، آنان در جهت حمایت از منافع او اقدام کنند. هر شخصی حق حفاظت از منافع، عاید کار علمی، ادبی و هنری را که خود پدید آورنده آن هاست، دارد.

در دوره مدرن امروزی، بیشتر حکومت ها برای اثبات حقانیت شان ادعای دموکراسی دارند. دعوت، معتقد است که در یک دموکراسی واقعی، مردم، بالاترین قدرت را دارند. آن ها بالاترین شکل قدرت سیاسی می باشند. مردم با علایق و عقاید مختلف باید خواستار نشستن و گفت و گو با یکدیگر باشند. زمانی که کسی عقیده اش را ابراز می کند، باید که به نظرات دیگران گوش دهد، حتی اگر دیگران با او مخالف باشند. هر کس حق دارد که آزادانه ابراز عقیده کند.

مردم سالاری، شیوه ای ست برای مردم تا رهبران شان را آزادانه انتخاب کنند و آن ها نیز برای سیاست ها و رفتار شان نسبت به خدمتگذاری مردم جوابگو باشند.

ملي رسالت / 101

من معتقدم که وظیفه ی اولیه حکومت، عبارت از محافظت کشور از تجاوزات خارجی و تخطی های داخلی است تا به طور کامل از حقوق اولیه انسانی حمایت کند تا که یک اقتصاد آزاد و باز را مانند تجارت خصوصی مورد تشویق و حمایت قرار دهد، کیفیت منابع تحصیلی را ترویج کند و کیفیت خدمات درمانی را به بالاترین سطح ممکن برساند تا به طور پیوسته با مردم در پی بهبود زیرساخت های فیزیکی، تکنولوژیکی و اقتصادی کشور باشد.

ما باید جرأت و جسارت ایستادن برای ارزش ها و اعتقادات را پیدا کنیم. نباید روشنفکران و تحصیل کرده ها تنها در این فکر باشند که چه گونه به کشور های خارجی فرار کنند.

ما باید بدانیم افرادی که بر مسند قدرت تکیه زده اند، آیا مستی او باش و جنایت پیشه اند که مصروف غارت و چپاول کمک های صحی، بیت المال، اراضی دولتی، زمین و املاک شخصی، ثروت های ملی و منابع طبیعی کشور هستند. اینان به خاطر چور و چپاول، به خاطر حفظ قدرت و حاکمیت شخصی و گروپی خود با کلمات و جملات بازی می کنند تا تفرقه های منطوقی، سمتی و زبانی را چاق کنند و از آب گل آلود ماهی بگیرند.

با درود های گرم و وطنی
استاد صباح؛ همکار قلمی دعوت

د دعوت پانې د درويشتمې کليزې په وياړ استاد ابوبکر ساپي

چه نظر کړمه هر خوا دعوت دعوت دئ
همه واړه د بزگر صاحب محنت دئ
څوک صفت د خپلې پانې څوک د ځان کړي
د دعوت د پانې بې ساری شهرت دئ
څوک بې ستايي په شعرونو او نغمو کښي
د حسودو پری له هر لوري تهمت دئ
د پښتون ولس او قام د زړه دردونه
دی انځور پکښي، همدا بې حقانيت دی
گوره کار نه لاس په سر نه شی مومنه
د الله د دين بيان ستر امانت دئ
په وطن باندي يهودو يرغل کړی
بی گناه وژنی همدا بې ستر خیانت دئ
هرې خوا ته دی وړانګاری را ټول شوي
سر و کار بې شیطانت او ضلالت دئ
د دعوت پانې درنو لوستونکو واوری
بې قلم په لاس هم ډیر مو مسوولیت دئ
له دعوت سره د دين دعوت کښي مل شی
د صافی لخوا همدغه یو وصیت دی

دعوت خو پوخ زلمی شو، مبارک مبارک! محمد امین بسمل

د یو هېوادپال، ولس پال درانه او منلي هڅاند افغان په لاس اېښودل شوی نیالگي (دعوت) ثمر ته ورسېد. دا نیالگي د هجرت، غربت او لاس تنگي په داسې بدو حالاتو کې کښېښود شو، چې د راتوکېدو، زرغونېدو، لویېدو، سپړېدو او په ثمر راتلو هېلې یې زیاتې نه وې، خو د یو متین او سنگین انسان په همت یې دا ټول پړاونه او مزلونه په بریا سره ووهل. مبارک دې وي بیا هم مبارک!

درویش کلن دعوت نن هغه ښایسته او صالح اولاد ته پاته کيږي، چې نه یوازې د خپل پلار او کورنۍ په سترگو کې خوږ لگي، بلکې کلیوال او سېمه وال هم سترگې پسې اړوي (له نظره مه شي گرانه دعوته).

احساس مې په غربت کې اوبښکې تویه کړي له سترگو

چې لولمه لیکنې د پتمنو په دعوت کې

د هیلو مات وزری مرغی بیا په الوت راشي

امید دی چې افغان ولس ژوند وکړي په عزت کې

دا چې زموږ د هیلو دا مات وزری مرغی به څه وخت سرمنزل ته په الوت شي، لا خو وخت ډېر دی، خو بیا هم د دې تمه شته، چې یو او بل ته د لاس ورکولو په صورت کې دې لوړ ارمان ته ورسېږو.

راگرځم د دعوت میوه لرونکي نیالگي ته، چې ایښودونکی یې یو داسې پتمن افغان دی، چې د توصیف لپاره یې د پوره الفاظو په راټولولو کې ځان عاجز گڼم. زموږ دا گران افغان محمد طارق بزگر نومېږي.

د ښاغلي بزگر صاحب د همت، هېوادپالنې او متانت په اړوند زموږ نورو درنو افغان لیکوالو خپل ښایسته نظریات وړاندې کړي، خو کوم څه، چې ما د بزگر صاحب په اړوند ترلاسه کړي هغه داسې دي:

– د اوچت کرکتر او لوړو اخلاقو لرونکی.

– د پراخې سینې (حوصلې) څښتن

– ماهر او هېوادپال ژورنالست

– جذاب، حلیم او صابر انسان

– پالونکي، مرستندوی او حقین

ما پخپل ژوند کې یو ځل هم بزگر صاحب له نږدې څخه نه دی لیدلی، خو څو ځلې مې ورسره تیلیفوني اړیکه نیولې ده. البته مخکې له تیلیفوني اړیکو ما د بزگر صاحب اوصاف او کردار د هغه په درانه انځور کې انځورول، خو کله مې چې تیلیفوني اړیکه ورسره ټینګه شوه نو دې ته یې اړېستم، چې یو څو هر اړخیزې پوښتنې ورڅخه وکړم. جالبه خو داوه، چې زما د اوږدو پوښتنو ځواب به یې په یو څو لنډو جملو کې پوره کاوه.

که به خبرو په غایب شخص پورې تړاو درلود نو د بزگر صاحب نظر به مطلق بې پلوه و. دا په دې مانا، چې بزگر صاحب خپل تگ لوری سم ټاکلی و.

د پورتنیو جملو په وړاندې کولو سره دا هم وپیلای شم، چې د دعوت نوبتګر هم بزګر و هم زرګر. زرګر په دې مانا، چې ویی کولای شول په خپل لوړ استعداد او خلوص سره زموږ درانه او زرین لیکوالان د ځان خواته ور جذب او د دعوت خپروني پری زرينې او رنگینې کړي. دا کار هر څوک هم نه شي کولای. دا زغم، صبر، حوصله او صادقانه اړیکې غواړي.

د یادولو ده، چې موږ غم لري افغانان (پښتانه) له نېکه مرغه نه یوازې بزګر صاحب لرو بلکې له ټول افغان څخه یې رانیولې تر لږ او بر، تل افغان، پښوا، خبریال، لوی افغانستان، سپرغی او یو څو نورو پورې داسې هېوادپال افغان وېبپاڼې چلوونکي لرو، چې د سپرې زړه پرې باغ باغ شي.

زه دغو ټولو درنو وېبپاڼو چلوونکو ته په دې تاریخي او دردوونکو شېبو کې له پاک رب څخه د لا ډېرو نورو بریاوو غوښتنه کوم. دوی دې تل هسک او بریالي وي.

د خپلې لیکنې په وروستی برخه کې په موږ ګران بزګر صاحب ته د بې شمېرو مبارکیو ترڅنګ په ډېر درنښت سره نه یوازې ده بلکې زموږ نورو ګرانو او درنو افغان وېبپاڼو چلوونکو ته دا وړاندیز کوم، چې د خپلو قلمي همکارانو انځورونه هر وخت د هغوی له لیکنو سره یوځای خپاره کړي که کوم څوک خپل انځور او پېژندنه نه ورلېږي، دا

ملي رسالت / 105

به په دې مانا وي، چې هغه له يادو وييپانو او ملت سره دغداري نېت لري. زما د وړاندیز د نه منلو په صورت کې دې بزگر صاحب او دا نور درانه افغان وييپانې چلوونکي د هغو مرموزو او مغرضو کسانو ليکنې کوم، چې خپل شهرت او انځورونه نه ورلېږي يا خپرې نه کړي او يا دې په داسې يوه ټيټه او ځانگړې کتگوري کې خپرې کړې، چې د لوستونکو زيات نظر نه پرې لگي.

په اخېر کې يو ځل بيا د دعوت درانه چلوونکي محمد طارق بزگر ته د زړه په مينه د دعوت د پاخه زلميتوب مباره کي وایم.

محمد امين بسمل
د جرمني له بايرن ايالت څخه

دریم څپرکی:

پیغامونه

د منزل په لور د دعوت دیرش کلن منزل

ولي الله ملكزی

که د نړیوال سٹیج په پاسني لوژ کې، د نامي امپراطوریو او تهذیبونو د عروج او زوال تابلو ته څیر شو، نو هرو مرو به مو یقین راشي چې د خرش پرش پړاو ته د رسیدلو لپاره په پیړیو پیړیو مزلونه شوي ترڅو د دوی د ځواک څولی ډکه، ارته او وغوړیږي.

د رسنیو دنیا هم د لوړو، ژورو او غورځو پرځو یو ستومانه او دیته ورته تاریخ لري. د لرغوني چین دنگ دیوالونه، د بغداد منارې، د بیروت کوڅې، د اروپا بنیرازه ورشوگانې او د امریکا سیلکن ویلي، ټول د دی شاهدان دي چې د نړیوال کلي جوړول او یوه څنډه له بلې سره نښلول څومره گران، څومره هڅو او څومره شوگیرونو ته اړتیا لري؟

له نن دیرش کاله وړاندې، د دعوت په نوم یوه کوچنی او ساده پاڼه د مطبوعاتو د دی ستر کاروان له وروستی جوړې سره یوځای شوه او پدی زیره او شگلنه لاره یی قدم وهل پیل کړل. لا د څارپوڅو شپې ورځې وې چې په ۱۹۸۸ کال کی لمړنی شماره چاپ او ځما د گوتو په شمار خلکو ته واستول شوه. د چاپ لپاره به کله پیسې نه وې او کله به د متوازنو او غوښنو لیکنو او مقالو کمی وو، خو ټینگ هوډ او کلکه اراده تل په غورځنگونو وه. دعوت کومه اسماني صحیفه نده چې غلطې او اشتباهه نکوي. خو زما په اند، دعوت د هر هغه چا ننگه کوي چې سوله غواړي او هغه څوک ننگوي چې د جگړې سپرغیو ته ببوزی وهي. دعوت د دریو لسیزو پدی اوږد او لالهنده سفر کې، د خپلو اصولو په سر نه له چا سره جوړه جاپه کړې او نه یی د څه واخله او څه راکړه سودا کړې ده. دعوت د ټوپک او کوتک په ځای د قلم او رڼا مبارزه بریالی گڼي او له کرکې څخه، کرکه لري. دعوت د مینې ساندي زمزمه کوي او د پخلاينې له شعار سره ستونې نرموي.

کله چې په ۱۹۹۷ کال کې د دعوت څپروني د رواجي پاڼې په ځای د ویپاڼې بڼه غوره او د انټرنیټ په نیلی سپره شوه، نو غږ یی د نړی په ډیرو

ملي رسالت / 107

برخو کې غوړونه پيدا كړل. دا اوسنی كليشه یی د يوې پراخې تجربې او ښه ذوق نماينده گي كوي او ښايسته ډير څه پكې سترگو، سترگو ته كيږي.

ځما كشر ورور او د يو مسلک د لارې لاره وې، محمد طارق بزگر د ښې حوصلې او څرگند لرليد خاوند دی. د مالي او تخنيكي ستونزو سره سره یی و كولاى شول تك تنها دومره غټ او دروند پيټي ته اوږه ښكته كړي او دی ځايگي ته یی را ورسوي.

موږ وليدل چې د روسي ښكیلاك په مهال او بيا وروسته مرحله كې، د خدای بلا ورځپانې، مجلې او رقم رقم خپروني را ميدان ته شوې، خو په څومره چټكۍ چې راغلې وې په هماغه سرعت سره تری تم شوې. ولې دعوت د وخت او شرائطو گواښونو وارخطا نكړ، ميدان یی پری نښود او د منزل په لور خپل مزل یی همداسی جاري وساته. دعوت نن لوستونكي لري، د افغاني رسنيو په كتار كې خپل پرستيژ لري او د خبر او څيړنو د يوې سرچينې په توگه وړ باندی حساب كيږي.

هيله مند يم چې دعوت به د تير په څير، په راتلونكې كې هم د خپل دين، ولس او ارزښتونو په څنگ كې وي. تمه لرم چې دعوت او د هغې اړونده خپروني به لا وغوړيږي، لا به وځليږي او لا به گړندی او مېړنی شي.

سکرمنتو، كليفورنيا-امريكا

دعوت سره زما ملگرتيا

استاد عمر پاڅون

دعوت سره زما ملگرتيا ډيره پخوانی ده چې لسگونو کلونو ته رسيري. دعوت هغه وخت په خاپوړو کې وو په قلم به په څو محدودو مخونو کې په لاس ليکلی چاپېده. دا دی اوس دعوت په کمپيوټر او د انټرنټ نړي کې لوی او بيل ځای لري. دعوت يواځې يوه چاپي جريده نه ده د دې په څنگ کې څلور جلا ويبپاڼې، دوه پښتو او دري: www.afghansabawoon.com، www.dawatmedia24.com،

يوه انگليسي www.dawatmedia.com او يو پښتو ټلويزیوني چینل www.astv24.com چې لاهم د کار لاندې دی، چې په دې سره دعوت يو رسنيز مرکز دی، يو ځواک دی، يو قوت دی.

زه بوډا شوم خو خوشاله يم چې دعوت خپله دیرشمه (۳۰) کلنيزه لمانځي. اوس نو يو سړی په زغرده ویلی شي چې د خپل هېواد څخه بهر د افغانانو په ځانگړي ډول د پښتنو يوه نړيوال رسنيز مرکز (دعوت ميډيا) شته. دا ټول د محمد طارق بزگر نه سټريکيدونکي هلې ځلې دي چې په يواځې سر د دعوت جريده په ښکلی ډول چاپ او د نړۍ نژدې ۵۶ هېوادونو کې خپلو افغانانو او غير افغانانو ته رسيري.

د هېواد څخه بهر په مهاجرۍ او د مسافری په ژوند کې د خپل شخصي لگښت څخه د دعوت ۳۰ کاله په پرله پسې ډول چاپ، خپرول او تر مينه والو رسول څه اسان او د هر چا د وس کار نه دی چې دا ټول محمد طارق بزگر صاحب په يواځې سر پرمخ بيايي. نو د لوی خدای (ج) په دربار کې ورته اوږد عمر او قلم يې تاند غواړم.

د دعوت درنو قلمي همکارانو، لوستونکو، مينه والو او په سر کې فرهنگيانو او فرهنگپالو څخه هيله لرم چې دعوت درنې ميډيا او په سر کې د دعوت دروند مشر محمد طارق بزگر صاحب يوازې پری نږدي لکه چې تر اوسه يې يواځې پرېښی نه دی. په راتلونکې کې همدا سې خپلې ټولې مادې، معنوي او فرهنگي مرستې روانې وساتي، تر څو په بهر کې زموږ دا فرهنگي / کلتوري شمع تل روښانه وي.

شتوتگارټ - جرمني

دعوت په خپل دعوت او رسالت کې د افتخار وړ او د ميډيا د کورنۍ يوه بامسؤوليته برخه ده ډاکټر صلاح الدين سعیدی

دعوت په خپل دعوت او رسالت کې د افتخار وړ او د ميډيا د کورنۍ يوه بامسؤوليته برخه ده او د لمر حيثيت لري. هغه لمر چې د هغه په راختو سره د نورو ستورو وجود کم رنگه او يا ډېر ضعيفوي.

زه د دعوت د ويپانې سره له يوې لسيزې زيات ډېر کلک روابط او علايق لرم او د دې پانې او نشراتو نه مو پوره پوره گټه اخستې او په ټولنه کې د هغې مقام ستر او د افتخار وړ بولم او دی.

الله (ج) دې د دعوت ټولو کارکونکو او تنظيمونکو ته او په ځانگړي توگه جناب محمد طارق بزگر، تاسې ته اوږد عمر، کامل صحت او نورې برياوې په برخه کړه. ستاسې بامسؤوليته او ستر تنويري کار د الله (ج) او افغان ملت، افغانستان او انسانيت په گټه، سولې او ښه تفاهم په گټه، د قدر وړ، انشاء الله د ستر اجر موجب او ستر کار دی. اجازه راکړئ ستاسې نه د حق د لارې د کلتوري مرکز او د افغان ستراتيژيک مرکز د علمي شورا په نمايندگۍ او د ځان لخوا مننه او قدر داني وکړم. الله (ج) مو نور هم کامياب او بريالي لره. ومن الله التوفيق

ډير څه مي له دعوته زده کړه،
او ډير څه نه پکي خبر شوم
نجم شينواری

د دعوت خپروني د ۲۹ کليزې په وياړ!
بزگر صيب! زه به درته ووايم، په ۲۰۰۲ کال چي زه مصر ته د تحصيل لپاره لاړم، نو په عربي هم سم نه پوهيدم، اخبار، تلويزيون هرڅه عربي، يو څه موده وروسته چي مصر کي د پخوانيو افغان محصيلينو سره لږ بلد شو، او د هغو کوټو ته تگ راتگ پيل شو، يوه ورځ مي د يو افغان محصل گلاب سيد په کوټه کي د دعوت خپرونه وليده، ښه په غور غور مي ولوستله، ډير مطالب پکي وو چي ماته نوي وو، ما فکر کاوه دعوت خپرونه کوم ملگري چي نوي راغلي هغو ځان سره د پيسور نه يا افغانستان نه راوړي ده، ملگري نه مي وپوښتل دا مو پاکستان نه راوړي..؟ هغه وويل نه. دا له اروپا نه راځي..؟ ما ويل نو څنگه راځي؟ وايي دا په اروپا کي ځيني افغانان چاپوي، او بيا يي پر افغانانو مفته ويشي، وايي تر ما د مخه دا په بنديلونو راتلله، چي چاته راتله هغه محصيلين تللي، خو خپرونه اوس هم په دي ادرس راځي... بيا به نوزه هم ورته انتظار وم، چي رابه غله نو هغه به ولوستله، وروسته به زما وار وو.. ډير څه مي پکي زده کړه، او ډير څه نه پکي خبر شوم، او ډيري دعاگانې مو درته هلته کولې.. ولو چي ما تاسي نه پيژندلی... خو قسمت مو وو... او د پيژندگلوۍ هم يو جالبه کيسه ده... که تاسي ته ياده وي... ماته خو ياده ده... خوښ او اباد، سوکاله او د هيواد او ملت خدمت ته تل تاند اوسې.

دعوت رسنی، نهه ویشټ کلنه شوه عظیم الدین علیمی

دعوت رسنی نهه ویشټ کلنه شوه. څه د پاسه شل کاله د دعوت میاشتنی خپروني د لوستني ویاړ را په برخه دی. دعوت د خپل نشراتي ژوند بشپړتيايي پړاوونه په ډېره ښه توگه وهلي او د رسنیو په کتار کې یې خپل ویاړلی ځای موندلی دی. دعوت په ډېر لږ وخت کې د هیواد د ادیبو، ژبپوهو، تاریخپوهو، ټولنپوهو، سیاستپوهو او په نورو برخو د مسلکي لیکوالانو پام ځان ته وراړولی او د هغوي همکاري یې خپله کړې چې په پایله کې د نشراتي ډگر ځلانده خپرونه گرځیدلي او په زرگونو لوستونکي یې موندلي دي.

په تېرو کلونو کې دعوت په بشپړې ناپلوی سره د هیواد ستونزې له ملي دريځه څپړلي او د هیوادوالو د اذهانو په روښانتیا کې یې خپله ملي دنده ترسره کړې ده.

د دعوت میاشتنی خپروني له لارې، د افغانستان ځوریدلو خلکو ته د خدمت په موخه، د رسنی د مؤسس او د امتیاز د خاوند، ښاغلي محمد طارق بزگر، شپه ورځنی هڅې او زیار د ډېر قدر او ستاینې وړ دي. د دعوت خپروني د نهه ویشتمې کلیزې په مناسبت ښاغلي بزگر صیب، د خپروني قلمي همکارانو او لوستونکو ته مبارکي وایم او د بزگر صیب د لازیاتي بریا هیله کوم.

هیره دې نه وي چې ښاغلي محمد طارق بزگر د دعوت میډیا ۲۴ په نامه د ویبپاڼې خپروونکی هم ده. دې لارې یې هم د قدر وړ خدمتونه ترسره کړي او تر سره کوي یې.

ملی رسالت / 112

سالروز «دعوت میدیا» خجسته باد!

استاد صباح

برادر گرامی، محمد طارق «بزرگ»، دست اندر کاران کمپلکس دعوت میدیا و خواننده گان گران قدر دعوت، فرا رسیدن سالروز دعوت را صمیمانه و مخلصانه تبریک عرض نموده، سعادت‌مندی، کامگاری و موفقیت‌های شما را تمنا دارم.

دعوت میدیا طی موجودیت پُر بار خویش، کارهای زیاد تاریخی، روشنگری، تحلیلی و ادبی و فرهنگی را انجام داده است که بدون مبالغه یک سر و گردن از دیگران بیشتر درخشیده است.

اکنون دعوت در خانه خانه هموطنانش راه باز کرده و حتی در کانادا و امریکا، علاقه‌مندان و خواننده گانی فراوان دارد.

دعوت، مردانه و رسالت‌مندانانه در پرتو آزادی قلم و بیان بدبختی و فلاکت ملت را منعکس و بیشتر روی قضایای ملی و میهنی و چور و چپاول سرمایه‌های وطن و مسایل گسترده متمرکز بوده است.

حافظ، وظیفه‌ء تو دعا گفتن است و بس

در بند آن مباش که نشنید یا شنید

در فرجام برای همه‌ء تان صحت و سعادت و برای میهن آبادی و ترقی تمنا دارم و آرزو می‌کنم.

د دعوت له هماغه لومړۍ ورځې خپل روښانه افغاني دريځ درلود ډاکټر لطيف ياد

د دعوت درنه پاڼه چې د ۱۹۸۸ زيردیز کال د دسامبر د مياشتې نه يې د ناروي په هیواد کې خپلې خپرونې پیل کړې دي د هیواد د نامتو ژورنالیست او لیکوال ښاغلي محمد طارق بزگر صیب په مشرې خپرېږي. د خپریدو له هماغه لومړۍ ورځې نه یې خپل روښانه افغاني دريځ درلود او ویې شول کولای چې د نورو افغاني خپرونو تر څنګ چې په بهر کې خپریدلې، خپل افغاني رسالت په ښه توګه سرته ورسوي او ښه وځلېږي.

د دعوت د پښتو ژبې، ژبپوهنې، دیني، ټولنیزو، تاریخي، فرهنګي، کلتوري او علمي برخو کې د خپل تاسیس له لومړۍ ورځې نه تر اوسه پورې چې دا دی نهه ویشت کلونه یې پوره کيږي، ډیر په زړه پورې مطالب خپروي او خپاره کړي یې دي.

د دعوت میډیا سینټر په برکت اوس دعوت په پښتو، دري او انګریزي ژبو هم خپرونې کوي چې دغه ګام یې په رښتیا سره هم د قدر او ستاینې وړ بولم.

زه د دعوت د ویارلې پانې د نهه ویشتې کالیزې په ویار ښاغلی بزګر صیب ته مبارکۍ وایم او ده ته د لا زیاتو بریاوو هیله کوم.

ملي رسالت / 114

دعوت، دعوت ميديا او محمد طارق بزگر عاشق فنا

دعوت، دعوت ميديا او محمد طارق بزگر د اوسني نړيوال سياسي-
کلتوري تاريخ زريني پاني دي. په دې زرينو پانو به کتابونه وليکل شي
او د بشري افتخاراتو په خزانه کې به خپل ځلانده او روښانه ځای ولري.
طارق بزگر، دعوت او دعوت ميديا د افغانستان او افغانانو په ټولنيز ژوند
کې د نوښت، بدلون او مثبت پرمختگ، علمي او منطقي زيری دي.
بزگر، دعوت او دعوت ميديا هغه انساني روښانه څراغونه دي چې د
ټولني تاريخو برخو ته د علم، سعادت، پرمختگ، آزادۍ او خپلواکۍ
رڼا خوروي.
د دعوت هره شيبه، هر ساعت، هره ورځ او هر کال دې ټول بشريت ته
مبارک شي!

عاشق لونگين فنا

مبتکر و صاحب امتياز مدال جهاني «انسانيت، صلح، علم»

بيست و نه ساله گي رسانه دعوت ميديا پُر ميمنت

ف. هيرمند

مدت زيادې نېمې شوه كه نوشته هاي ناچيزم را به وبسايټ «دعوت ميديا» مې فرستم كه جناب طارق بزگر اداره و رهبري آن را عهد دار مې باشد. اين رسانه به دليل نشرات ملي گرايانه اش، خواننده گان بي حساب دارد و با انتشار مسايل و مطالب روشنگرانه و وطني و ملي خود عطش خواننده گان بي حساب هموطن خود را فرو مې نشاند.

رسانه اې كه مقتضيات زمان را بداند و به اين درك اش مطمئن باشد كه سرزميني كه براي خاك و مردمش نشرات دارد، نيازمنډ دريافت مطالب، اطلاعات و معلومات مشخص مې باشد.

اين كشور در وضعيت وخيمي به سر مې برد و نياز اساسي دارد كه در تحكيم و صيانت اتحاد باشنده گان آن كار خالصانه نشراتي به عمل آيد و با اين انتشارات، وحدت آنان هرچه بيشتر استحكام يابد و از ارزش هاي سرزمين يك پارچه و واحد كشور در هر گام تبليغاتي، نگهباني شوه و در همين روند از دارايي هاي مادي و معنوي و هر داشته افغانستان حراست به عمل آيد.

وبسايټ «دعوت ميديا» در اين عرصه ها با مسؤليت و حساسيت قابل توجه كار و نشرات مې نمايد و مساعي به خرج مې دهد تا اين آرمان ها با دقت و مؤثريت مطلوب تحقق يابند.

براي جناب طارق بزگر و ساير گرداننده گان نجيب اين رسانه دعا و تمنای پيشرفت هاي بيشتر و بيشتر را دارم. افتخار ماحصل فعاليت رسانه دعوت ميديا به همه شما مبارڪ!

د دعوت درويشتمه کليزه دې مبارکه وي انجنير فضل احمد افغان

زما گران ده فضل او پوهی خاوند ورور جناب محمد طارق جان بزگر صاحب ته ده زړه له کومي سلامونه او نيکې هيلی تقديمه وم. زه ډير خوشحاله يم چه د دري کالو را په ديخواه ستاسی د ډير دروند علمي، دينی، سياسي او اجتماعي ويبپاڼې نه استفاده او ډيري ارزشمنده زده کړې ورنه کوم. زه په اطمینان سره ویلای شم هغو وطنوالو چه په تیرو درويشت کالو کی ستاسی د دعوت خپرونو نه گټې پورته کړی وي باید اوس په دينی، سياسي او اجتماعي علومو کی لکه یو اکادیمسین په خیر د ملي او بین المللی چارو بانديې هر اړخیز بحث او لیکنی وکړی.

زه ویاړم چه د دعوت د ويبپاڼی سره اړیکې لرم او بنی زده کړی ورنه کوم. زه تاسی گران او قدرمند ورور ته چې خپلې شپې او ورځی مو د گرانو وطنوالو په چوپړ کی د دین، سولې، آزادی او استقلال له پاره وقف کړی دی او د وطنوالو له پاره زحمت باسی د پاک الله نه ستاسی نور بری غواړم او د دعوت درويشتمه کالیزه د زړه له کومي تاسی او ټولو گرانو وطنوالو ته مبارکی وایم. خدای دی مل شه!

ملي رسالت / 117

بيست و سومين سال پُر فيض دعوت مبارک باد!

انجنير فضل احمد افغان

برادر دانشمند و نهايت گران قدر جناب محمد طارق جان بزگر با عرض سلام های آگنده از محبت، اذعان می دارم که من در مدت سه سال اخير با داشتن افتخار استفاده از وييسايت وزين دعوت، توفيق حاصل نموده ام که با دور نمودن پرده های تاريخک، بی علمی خود را با مسائل سياسی، اجتماعی و علوم دینی منتشره و وييسايت وزين دعوت تنوير کنم. به يقين آن خواهران و برادران هموطنم که در بيست و سه سال گذشته از نوشته های علمی دانشمندان نخبهء کشور عزيز ما در دعوت مستفيد شده اند، امروز به حيث شخصيت های علمی برای نسل های امروزی و بعدی رهنمای خوبی خواهند بود. لهذا وظيفهء خود می دانم که با قدردانی از زحمات شما در پيشبرد وظيفهء مقدس ملی که عبارت از تنوير و آگاهی هموطنان از اندیشه های علمی دانشمندان و شخصيت های ملی هموطن ما، خاصتاً در اين مقطع زمانی که مادروطن عزيز در آتش جنايتکاران داخلی و خارجی می سوزد، می باشد. اين مؤفقيت بزرگ را به شما برادر عزيز و هموطنان ميهن دوست خاصتاً دانشمندان گران قدر که با استفاده از دعوت و نوشته های ارزشمند علمی شان ما را تنوير می کنند، از صميم قلب تبریک عرض و از بارگاه خداوند متعال، آرزوی مؤفقيت های مزيد شما را می کنم.

د ادیسی ادبی ټولنی پیغام

پښتون هر وخت د توپک او جنگ په دوستور ویارپلی دی، ده دا دوستور لمانځلی دی، او د تاریخ پانی یی هم په د دوستور رنگینی کړی دی، نو ځکه د پښتانه په کور کی د جنگ او د دغه ویارپلی تاریخ دغه بدرنگ دستور لا تر اوسه هم لمانځلی کیږی؛ خو بل طرف پوهه او قلم دی چی ننۍ پرمختللی جهان تری برخمن دی او راتلونکی یی هم روښانه ښکاری، مگر پښتنو پدی برخه کی ډیر کم فکر کړی دی چی د پوهی او قلم سړی د سر سړی بلل کیږی، خو دا بیا زمور گاونډیو هیوادونو درک کړی ده چی زمور د پوهی او د قلم سړی یا د مرگ کندی ته ورغورځوی، یا دوی باید د غربت شپی د بل په دیار کی صبا کړی او مور لا تر اوسه پدی فکر کی نه شوو چی د پوهی او د قلم خاوندان باید ولمانځل شی، ونازول شی، تر څو پدی لار کی نور خواری هم وکړی.

جنگ په هر رنگه حالاتو کی پښتون گټلی دی، خو ارامه او هوسا ژوند نلری. علت یی دا دی چی پښتون جنگ گټلی دی، خو قلم یی بایلی دی.

د افغانستان په ټولنه کی عموماً ډیرو کمو خلکو دپته پام شوی دی چی علم او پوهه د یوه هیواد راتلونکی مسیر ټاکی. هغه چا چی د علم او پوهی څخه گټه لیدلی او تری خوشاله دی، ځکه چی ده په دغه لاره کی ډیر زیار او زحمت ایستلی دی چی نورو ته یی هم گټه ورسیری، ژورنالیست، لیکوال ښاغلی محمد طارق بزگر صیب یادوم.

ښاغلی بزگر صیب د ژوند په دغه راز پوهیدلی دی چی علم او پوهه د انسان راتلونکی تقدیر او تدبیر کی جوړونکی رول لری، او همدغه علمی پوهه ده چی نن انسان تر مریخه هم رسیدلی دی.

ښاغلی بزگر صیب د پښتنو او پښتو ژبی له حاله خیر سړی دی، او ده محترم دا درک کړی ده چی هر انسان باندی خپله ژبه، وطن، او خپل اولس دا حق لری چی ورته خدمت وکړی، نو ځکه باید سړی په ځان شپه او ورځ یوه کړی او عملی کار وکړی.

ملي رسالت / 119

بناغلی بزگر صیب دا په ثبوت رسولی ده ، چی همدم گری د دعوت ورځپانی او دعوت ویب پانی چلونکی مسوول دی ، او همدارنگه په علمی سیمارونو کی برخه اخستل ، ژورنالیستکی او ادبی هلی ځلی یی بله بیلگه ده .

بناغلی بزگر صیب د ملی یوالی په برخه کی هم بی تفاوته نه دی پاتی شوی ، او نن یی خپل ځان تر هغه سرحده رسولی چی مور یی باید قدر وکړو او ستاینه یی وکړو .

د بناغلی بزگر صیب د لمانځلو ورځ به نورو ته هم دا جرات ورکړی چی دوی به هم په دی لار کی زیار او زحمت وباسی ، او په دی به پوه شی چی عالم او پوه انسان د قدر وړ دی او بس .

بناغلی بزگر صیب ته د اوږد ژوند هیله لرو ، په علم ، پوهه او قلم یی برکت شه او په اخیر کی د سویلین په هیواد کی زموږ مسافر میشتی وروڼه ((د زلمو پاڅون)) ته د بناغلی بزگر صیب د لمانځلو ورځی مبارکی وایو ، ستاسو په همت او وطنپرستی افرین . ستاسو د لا نورو بریاو په هیله .

د ادیسی ادبی ټولنی مشرتابه شورا

دعوت د هر چا نظر او هيلې خپرې كړې دي نيك هدايت ځاځي

نيكې هيلې او سلا مونه!

زه د دعوت اخبار ۲۳ كلنۍ په اړوند او همدارنگه دعوت وپېاښي او د پښتو لمړني انټرنېټي ټلويزيون په اړوند كوم چه په ډيرو مالي مشكلاتو او كمو امكاناتو د هيواد تکره او پر افغانستان مين خبريال او ليكوال قدرمن محمد طارق بزگر تر مدیریت او مسئولیت لاندې په کار او فعالیت شروع کړي ده، خورا اغيزمن او مثبت ارزوم؛ ځکه چې د هر چا نظر، هيلې يې په دعوت کي خپرې کړې دي؛ پوره بې طرفي، استقلاليت، رښتينولي او د هيواد د ولسونو، قومونو، ليکوالانو او شاعرانو نظرونه او شعرونه يې کټ مټ نشر ته سپارلي دي. نوله دي کبله دعوت ۲۳ کلېزه د دعوت رهبرۍ هيئت، همکارانو، لوستونکو او ټول افغان وولس ته د زړه له کومي مبارکي وایم. د لوي خدای (ج) له درباره ورته لاديرې برياوې غواړم. ورسره هيله كوم چې افغانان دعوت اخبار، ويب پاڼې او د لمړني پښتو ټلويزيون سره تر خپل توان پوري مالي مرستي وکړي، ترڅو دعوت اخبار او دعوت ټلويزيون لاغني شي. ستاسو لادرياوي زما هيله او ارزو ده.

زه د دعوت د مجلې او ورسره موازی د ویب پاڼې تاثیر خورا لوی بولم محمد ایاز نوری

د دعوت د رسنیو د مرکز محترم مشر، افغان ملي شخصیت محمد طارق بزگر او ملگرو ته! سلامونه او شي هیلې وړاندې کوم. ستاسو د دعوت د مجلې او ویب پاڼې درویشت کلنه کلزېه د زړه له کومې درته مبارکي وایم. غواړم په اضافه عرض کړم، چې د دعوت د مرکز موجودیت او خپرونې زمونږ د افغاني ټولنې د اکثر و په ژبه یعنې په ویاړمنه پښتو ژبه دا پخپله د لمړي او بنسټیز لوی اهمیت وړ موضوع ده، ځکه زمونږ ملي ژبه پښتو ډېره محکومه پاتې شوې او ډېر ظلم او خیانت ورسره شوی او دا کرغېړنه لږی همدا اوس هم روانه ده. په دې بهیر کې زه د دعوت د مجلې او ورسره موازی د ویب پاڼې تاثیر خورا لوی بولم او په ځانگړي توگه د خپل ورور د افغان ملت خدمتگار محمد طارق بزگر صاحب زیار او قرباني ډېره ستایم. که د بزگر صاحب ملي احساس او مستمر زیار نه وای د دعوت نشراتي مرکز به نن داسې لوړ بریالیتوب ته نه وای رسیدلی.

د دعوت نشرات تل د ملت په دفاع او د حقیقت په ویلو استوار ول او دې قلمي همکاران یې هم ټول افغان لوړ ملي او د لوړ انساني احساس درلودونکي افغانان پاتې شوي دي. او البته کله چې یوه رسنی د یوه واقعاً ملي مبارز شخصیت لکه محمد طارق بزگر صاحب له خوا اداره کيږي، معلومه ده، چې هلته ملي خاین ور نشی ورټکولای.

د دعوت انټرنټي جال هم ډېر ښه پرمختگ کړی او کافي افغانان یې په دننه د هیواد او بهر کې هره ورځ او شپه گوري او خپله لازمه استفاده ورڅخه کوي.

د دعوت د ویب پاڼې په هکله زما یو وړاندیز دا دی، چې د هر لیکوال په نوم، یوه د آرشیف او اسناد ساتلو کوټه پکې ضرور ده، د لیکوالانو د آرشیف په نوم چې که خپله اړونده لیکوال او یا هم بل محترم لوستونکی وغواړي، څه مطلب ته مراجعه وکړي او په سهولت سره هغه مطلب ورته تیار او ورپه لاس ورشي.

ملي رسالت / 122

زه د يوه افغان په حيث، چې هيواد او ملت مې ډېر راته گران دئ د دعوت د نشراتي مرکز ۲۳ کلني هر افغان پال او آزادي پال وټنوال ته ورمبارکوم. عاليقدر محمد طارق بزگر صاحب ته شه روغتيايي حالت نوي او نوي برياليتوبونه په شخصي او ملي ژوند کې د لوی الله څخه غواړم. بزگر صاحب! يوازې نه يې او ملت درسره ولاړ دئ.

په درنښت او افغاني احساس سره
د افغانستان يو خدمتگار
محمد اياز نوری

مننه، ستاينه او خواله استاد محمد اسمعيل يون

بناغلی فرهنگپال او فرهنگپال محمد طارق بزگر ته!
سلامونه او احترامونه مې ومنه، هیله لرم په ټولو نیکو ورځنیو چارو کې
بريمن اوسې. تیر کال مې پېښور کې د ((دعوت)) یوه گڼه ترلاسه کړه <
رښتیا خبره ده چې سترگې مې پرې خوږې او د زړه باد مې پرې
کیناسته. ډیره موده کېده چې د داسې یوې خپرونې په لټه کې وم چې
زموږ د ورځني ژوند د ناخوالو انځورگره وي، خو د ډیرو خپرونو کتنه
او د هغو له چلوونکو سره به مو چې لیدنه وکړه نو چا به د ټاکلي
(پالیسی)) په وجه، چا د ((مجبوریت))، چا به د ((نزاکت)) د ساتلو
په وجه د ټکېدلو زړونو د فریادونو له خپرولو او د پېښو د پېښوونکو د
خپرو له ښکارندویي څخه اوږې تشولي. خو دلته هم د ځینو اشخاصو
له خوا ځینې وختونه یوه نیمه داسې هڅه شوې ده چې زموږ د ډیرو
دردونو د یوه درد انځورنه پکې وي، خو داسې خلاص مټ او زغرده
توگه چې ((دعوت)) د پېښو څرگندونه کوي، زموږ په اوسنیو خپرونو
کې یې بیلگې ډیرې لري دي. په ځانگړي ډول هغه ستر او ملي رسالت
چې خپرونې یې باید پوره کړي، هغه په دعوت کې زیاته ځلا او تجلا
مومي.

آره خبره خو دا ده چې ډیر کلونه کیري زموږ د ژبې، فرهنگ او ملي
هویت ږنگونې او له منځه وړلو لپاره د نژدې او لرې دښمنانو له خوا
ښکاره او پټې هڅې روانې دي، خو اوس اوس دا هڅې په بشپړ ډول
څرگندې او په ډاگه شوي دي. دا ستم له پخوا کلونو راهیسې هم روان
وو، نو که چا د پښتو او پښتنو د حقوقو د غوښتنې خبره رادمخه کړې
وای، نو سمدلاسه پرې څو ډوله رنگینه ټاپې لگول کېدې. د ((ملحد
واکي)) په شپو ورځو کې که چا د پښتو خبره رامنځته کړې وای نو هغه
خو د ((فاشست)) په نوم یوې کندې ته غورځول کېده، خو د نورو
قومونو او ژبو په ځانگړي ډول د ((فارسي)) له پاره بیا خبره سرچپه وه.
کوم (پښتانه) [!] چې په دې پړاو کې پر څوکۍ ناست وو هغو ځانونه
(انترناسیولستان) [!] بلل، کله چې ((ملا واکي)) راغله نو دوی خو لا

نور هم په پښتو او پښتنو خاورې واپولې او ويي ويل پښتو او پښتونولي خو په اسلام کې نشته، د اسلامي حکومت پر نوم چې کومه اخواني ستمي، پرچمي ستمي او ستمي اداره په کابل کې جوړه شوه د نورو بې شميره وړانيو تر څنګ يې د افغاني - پښتني ارزښتونو او کلتوري شتمنيو په ښکونې او لوټونې پيل وکړ. دې کار کې له دوی سره د سيمې ځينې هېوادونو د افغانستان او په ځانګړي ډول د پښتنو لري او نژدې، نوو او زړو دښمنانو هم ګډون درلود او لري يې.

لکه څنګه چې څرګنده ده د روس په ماتې او په شا تمبولو کې پښتنو غوڅ او ټاکوونکي رول درلود، خو بيا هم له هغو وروسته د اسلامي حکومت په نوم يو پښتني ضد ناندريزه اداره جوړه شوه د ((شني ليکي)) پيروانو ځانونه په لوی سمندر کې لاهو کړي وو، ځانونه يې د ((پان اسلامستان)) ګڼل او د خپلې ژبې او قوم په باب يې هغه د چا خبره غور هم نه ګراوه. په پايله کې پښتانه په ټوليز (کلي) توګه په څو ډلو وویشل شول: [۱] انترناسیونالستان (د سرې ليکي پلويان)، [۲] پان اسلامستان (د شني ليکي پلويان)، [۳] بې تفاوتان (بې خبره پښتانه)، [۴] پښتو ضد پښتانه يا ستمي پښتانه (هغه پښتانه چې خپله ژبه يې هېره کړې او عملاً د پښتو په ضد ودريري)، [۵] روڼ اندي (روڼفکره) باشعوره پښتانه (هغه پښتانه چې هم د اند، هم د احساس له مخې عملاً پښتو ژبې، هېواد او پښتونولي ته خدمت کوي. د دې ډول پښتنو شمير ډير زيات نه دی، ايله دومره ځواک لري چې له ستمي پښتنو سره يې مقابله کې ولګوي. د انترناسیونالستانو او پان اسلامستو پښتنو غم خو لا پرېرده چې وخت په وخت يې پښتو ژبې او پښتنو ته درانه زيانونه اړولي دي.

کله چې مې د ((دعوت)) خپرونه ولوسته د دغو ټکو او پېښو انځورونه مې پکې ولوستل. د ناوړه پېښو له لوبغاړو څخه پکې پرده پورته اوچته شوې او نوره هم اوچتيرې. مور خو اوس لاس تړلی، او فکر تړلی اولس يوو، خو د احساس لاسونه او پښې مو څوک نشي تړلی.

تر کومه ځايه چې په نورو ژبو او لږکيو قومونو پورې اړونديري، پښتو پالنه او يا پښتونولي د چا له ژبې سره د کينې او تعصب مانا نه لري. روڼ اندي پښتانه په دې اند دي هغه حق چې فارسي ژبو ځان ته

ملي رسالت / 125

حاصل کړی او ساتلی، پښتانه هم باید ورڅخه برخمن شي. پخپله ژبه لیک لوست، وینا او گډېدل جرم نه دی. او که دا کار جرم وگڼل شي نو د نړۍ ټول قومونه مجرمین دي.

ښاغلی بزگر صاحب! مور او س په هېواد کې له نوموړې ستونزې سره مخ یو، زموږ د زړونو په درد تاسو ښه پوهیږئ، ځکه چې همدا درد ستاسو په زړه کې هم څپې وهي. مونږ به هڅه وکړو د پورتنیو اندیښنو او ستونزو په باب تاسو ته څه لیکني درولېږو، خو مونږ او ستاسو ترمنځ غرونه، غرونه، سیندونه، سیندونه او هېوادونه، هېوادونه فزیکي واټن دی، که لیکونه او لیکني مو ناوخته دررسیدلی، نو دا به د زړونو واټن نه وي بلکې د فزیکي مزلونو واټن او د وسیلو او وسایطو د نشتون لامل (علت) به وي.

په مینه او درناوی

ستا د پښتنی او انسانی لارې یو بل یون

مارچ ۱۹۹۶/۴ - پېښور

په ستوکهولم کې ښاغلی محمد طارق بزگر وویار شو د زلمو پاڅون ټولنه

د زلمو پاڅون ټولني په نوبت، د ژمني سره سم د ۲۰۱۱ کال د ډېسمبر په لسمه په ستوکهولم کې د گران هیواد افغانستان د ویارمن فرهنگي شخصیت او نوميالي ژورنالیست ښاغلي محمد طارق بزگر په درناوی، ستاینغونډه جوړه شوه. دې غونډې کې د سویډن د مالمو ښار او د ستوکهولم له بېلابېلو کمیونونو څخه افغانانو گډون کړی وو. ډیری گډونوال د هیواد ځوان پښت وو. یو شمیر یې د زلمو پاڅون ټولني غړي او په ټوله کې د هیواد راتلونکي علمي او فرهنگي شتمني ده چې پخپل گډون سره یې غونډه لا پرمینه کړې وه. د راغلو میلمنو په منځ کې ښاغلی حبیب الله غمخور له مالمو ښار څخه دې غونډې سره د مالمو میشتو افغانانو د یووالي او پیوستون بېلگه انځور کړې وه.

غونډې ته د ناکی کمیون (Nacka kommun) د لور ښوونځي (لیسه) په کنفرانس هال کې تیاری نیول شوې و چې د زلمو لخوا په پوره نظم او ترتیب سره مخې ته بیول کېده.

غونډه په یوه بجه د ښاغلي قاري واسع لخوا د قرانکریم د څو مبارکو ایتونو په تلاوت پیل شوه، ورپسې د افغانستان ملي سرود وغږول شو. روسته ښاغلي انعام هوسا چې د غونډې د کوربه توب چارې یې پر مخ بیولې، ښاغلي محمد طارق بزگر، ښاغلي حبیب الله غمخور او ښاغلي سرلوخ مرادزي ته بلنه ورکړه چې د غونډې په دريځ (لوژ) کې خپلو ځایونو ته ولاړ شي. ورپسې ښاغلي هوسا د پاڅون ټولني یو مشر غړي نصرت الله ننگرهاري ته بلنه ورکړه چې د ټولني په استازیتوب میلمنو ته ښه راغلاست ووايي او د زلمو پاڅون ټولني په اړه د غونډې برخوالو ته لنډ مالومات ورکړي، چې د ښاغلي ننگرهاري له خبرو وروسته د ناروې څخه د ښاغلي قریب الرحمن سعید پیغام ولوستل شو.

د غونډې ویاند ښاغلی سرلوخ مرادزی ته بلنه ورکړه چې مایک ته راشي، چې ښاغلی مرادزي د ستوکهولم د استوگنو په استازیتوب یې ښاغلي بزگر او د غونډې نور گډونوالو ته هرکلی او ښه راغلاست ووايه.

نوموړي د بزگر صاحب د ۲۳ کلن وياړمن فرهنگي خدمت ستاينه وکړه. هغه، ښاغلی بزگر د هيواد ملي گټو او د افغانانو ملي يووالي ته ژمن شخصيت وباله او د مهاجرت په شرايطو کې يې د ښاغلي بزگر په نوبت او ميرانه د د عوت د جريدې او په راروسته کې ورسره د برېښناپانې په بريا چلولو کې د نوموړي هڅې او زيار د قدر وړ وگڼه. هغه په وينا کې زياته کړه، دا چې بزگر صاحب غواړي نږدې راتلونکې کې په پښتو ملي ژبه يو نړيوال تلوزيون فعال کړي او په دې لار کې نه سترې کېدونکې هڅې کوي. داسې زيار يې د ټولو افغانانو زړه ته لار کړي.

د ښاغلی سرلوخ مرادزي له عالمانه او هر اړخيزو خبرو وروسته د فرانسې څخه د دروند استاد روستار تره کي پيغام د غونډې گډونوالو ته واورول شو. له دې روسته يو زيات شمير پيغامونه چې د نړۍ له بېلابېلو هيوادونو او لويو وچو څخه د هيواد دردمنو ليکوالانو، شاعرانو، ژورناليستانو، د ادبي او فرهنگي ټولنو مشرانو او استازو د ښاغلي بزگر په وياړ او درناوي رالېرلي وو او په هغو کې د بزگر صاحب ۲۳ کلن فرهنگي هڅې او د ژورناليزم په ډگر کې د نوموړي د زيار او هاند ستاينه شوې، د ځوانانو لخوا غونډې ته يو په بل پسې په لاندې ډول چې په اوږدو چک چکو بدرگه کيدل په لاندې ډول ولوستل شول:

ښاغلي سيف الرحمان شيرزاد د ښاغلي پوهنمل رحمت ځواکمن پيغام له هالنډ څخه، ښاغلي بشرکار د ښاغلي حاجي ولي محمد (گلستان) پيغام له کوټې څخه، ښاغلي همایون ننگر هاري د نیک هدايت ځاڅي پيغام، ښاغلي سمندر خان د ښاغلي انجينر فضل احمد افغان پيغام له کاناډا څخه، ښاغلي جاويد مومند د عمر پاڅون پيغام له جرمني څخه، د مالو څخه د ډاکټر حکمت الله حکمت پيغام، د مسکو څخه د ښاغلی امرالدين شعر د بزگر په وياړ ولوستل شو. د کابل څخه د ښاغلي قدرت الله هېوادپال پيغام، د بلژيک څخه د ښاغلی امين باوري پيغام او د اوکراين د اديسې ادبي ټولني پيغام. له دې سربره د وخت د کمېنت په لامل د يو شمير نورو پيغامونو لنډيز د غونډې د چارو د کوربه

ښاغلي انعام هوسا لخوا ولوستل شو چې گډونوالو پخپلو تودو ولولو بدرگه کړي.

د غونډې ورپسې ويناوال له مالموښار څخه راغلی دروند ميلمه ښاغلی حبيب الله غمخور و چې په زړه پورې وينا سره يې د غونډې گډونوال برخمن کړل. نوموړي د خپلې وينا په يوه برخه کې وويل: زما له نظره ښاغلي محمد طارق بزگر نه يوازې فرهنگي شخصيت دی بلکې يو کارنده ژورنالست او تکړه ليکوال هم دی. د دعوت جريدې لپاره ټولي سرمقالې د همدې بزگر صاحب په قلم ليکل شوي چې د ده د پوهې او وطني مينې ښکاره بېلگه يې گڼلای سو.

ښاغلي محمد طارق بزگر نه يوازې د بيلوبيلو مقالو په ليکلو سره بلکې د (۲۳) کاله په پرله پسې توگه د افغانستان د ډله ايزو رسنيو په اسمان کېښي د دعوت په نوم جريدې د خپرولو شمع روښانه ساتلې ده او له دې لارې يې نه يوازې دا چې د خپلو ليکوالو او سياسي څېرو نکو نظريات تر هيوادوالو او نړيوالو رسولي، دا دي اوس يې د ۱۹۹۷ کال راپه ديخوا د دعوت جريدې د خپرېدو تر څنگ دعوت ويب پاڼه پرانيستي او له دې لارې هم د افغانستان او نړۍ په گوټ گوټ کېښي افغان ليکوالو ته د خپلو نظرياتو، علمي او ادبي ليکنو د خپرولو پوره امکانات برابر کړي دي.

ښاغلی غمخور د خپلو خبرو په ترڅ کې وويل چې بزگر د نړيوالو ليکوالو او ژورنالستانو له خوا ياد شوي او مننه ترې شوې ده او د خپلې دې خبرې له پاره يې د امريکايي ليکوال ښاغلی بروس ريجاردسن د کتاب حواله ورکړه چې پښتو ژباړه يې ((افغانستان: رښتيا پلټنه)) نومېږي، چې دا د ټولو افغانانو له پاره د وياړ ځای دی او د دغه کتاب ليکوال د ښاغلی بزگر څخه په دغه کتاب کې مننه او يادونه کړې ده. ښاغلي غمخور، بزگر صاحب ته راوړې ډالۍ ورکړه، چې ښاغلي بزگر په ډېرې مننې سره واخيسته.

بل ويناوال ښاغلی حفيظ الدين پيرزاده و چې د بزگر صاحب د فرهنگي او ژورناليستي گټورو خدمتونو ستاينه يې وکړه او د ستر ليکوال او شاعر گل پاچا الفت په خوږو شعرونو سره يې غونډه توده کړه. همداراز ښاغلي ډگروال حلیمي صاحب هم پخپل وار سره د بزگر

ملي رسالت / 129

صاحب د فرهنگي هڅو په وياړ خپلې څرگندونې نذرانه کړې او د ښاغلي بزگر د تيز او غوڅنده قلم ستاينه يې وکړه.

د غونډې د چارو کوربه د چای او دمی لپاره نیم ساعت اعلام کړ او له چای روسته د ښاغلي بزگر په ژوند يو لنډ مستند فيلم وښودل شو چې زلمو پاڅون ټولنې جوړکړی وو.

د غونډې په روستی برخه کې بزگر صاحب وينا وکړه او د خپل ژوند لنډ سفر قصه يې ميلمنو ته بيان کړه چې د گډونوالو د پوره پاملرنې وړ وگرځېده.

بزگر صاحب د زلمو پاڅون ټولنې څخه د غونډې د کوربتوب په اړه مننه وکړه. همدارنگه ښاغلي بزگر د هغه افغاني وياړمنو شخصيتونو او فرهنگي ادبي ټولنو څخه چې د ده په وياړ يې پيغامونه رااستولي وو، دوی ته کوروداني ووايه او د دوی له پيغامونو څخه يې بيا بيا مننه څرگنده کړه.

ښاغلی بزگر په خپلو خبرو کې بيا بيا وويل چې زه ځان د دې وړ نه گنم! څه چې ما کړی يوازې د يو افغان او پښتون په توگه مې تر خپله وسه خپل مسئوليت پوره کړی دی. او که خبره د دعوت وي د دعوت برياليتوب د دعوت د ټولو ليکوالو او هغو دوستانو دی چې تل يی د خپل وس په اندازه په تيرو ۲۳ کلونو کې د دعوت د ادارې سره قلمي، مادي او معنوي مرستې کړي دي.

بل خوا بزگر صاحب له خپلې خوا څخه د دعوت اخبار يو کولیکسيون، د زلمو پاڅون ټولنې ته ډالی کړ او په همدې توگه يې يو کولیکسيون ښاغلي غمخور صاحب ته هم ډالی کړ.

په پای کې د زلمو پاڅون ټولنی لخوا يو ستاينلیک ښاغلی بزگر صاحب ته د ښاغلی ډاکټر سرلوخ مرادزی او د ښاغلی حبيب الله غمخور په لاس ورکړ شو. غونډه د څلور بجو شاوخوا کې پایته ورسېده. د غونډې ویديويی فلم او هم د کتاب بڼه به وروسته خپره شي!

درې نۍ د ۱۳۹۸ لمريز کال د غويي ۱۰

گران محمد طارق بزگر محمد يوسف هيواد دوست

يادونه:

د دغه شان يو مدبر او مدقق ژورناليست لکه گران محمد طارق بزگر، شتون په افغاني ژورناليزم کې يو وياړ او د الهام وړ دی. ستر مشر محمد گل خان مومند:

پښتو د بڼې چوڼی يم شور به کړمه پښتنو ته

تل دوي ته په وينا يم که وم که نه وم نه يم

زما خبرې تل سپيني دي او له همدې امله هيڅ مجبور نه يم يا د چا بې ځايه توصيف او تعريف وکړم او يا يې بې ځايه وغندم. د ښاغلي محمد طارق بزگر صيب کار د منلو وړ دی او پوره باور لرم چې د هيواد د ژورناليزم او په تېره بيا له هيواد څخه د باندې د افغاني ژورناليزم تاريخ به د هغوی نوم هم په زرينو کربشو وليکي، دا ځکه چې پوره ۳۱ کاله کيږي چې د گران افغانستان د ژورناليزم او ادب د گلالي بڼې دغه عنديب او د دغه په زړه پورې بڼې دغه ماليار سره له دې چې له هيواده د باندې په ناروې کې د مجبوريته او مهاجرت ژوند ور په غاړه شوي، زموږ د تمدن زېږونکي هيواد د تاريخ او زموږ د فرهنگپاله ولس د پايښت او بنايست ترانې غږولي، په لکونو مخه پانې يې تورې کړي، په شپو شپو تر سهاره ناست او د اخبار ډيزاين، څرنگوالی او د مطالبو د ځای پر ځای کولو مشقت يې پر ځان تېر کړی. په لکونو واړه يې تا او ما ته ټيليفونه کړي، فاکس او ټيلگرام ته ناست و او له هر چا يې د اخبار لپاره د مطالبو د ليکلو هيله کړې. د وطن په غرو رغو، ښارونو او له خطر نه ډکو سيمو کې د مظلوم غېر تر نورو رسولی او د ظالم او سړي وژونکو نوم يې افشا کړی، د افغانستان او له هيواد نه بهر د لسگونو مطبوعو دروازې يې ټکولي، او په زرگونو خپرونې يې تر ما او تا رارسولي.

گران او نه سترې کېدونکي ژورناليست ښاغلي محمد طارق بزگر يادوم! همدغه د يوې کلتوري او علمي کورنۍ په لمنه کې رالوی شوی افغان دوسته فرهنگيال، په دا ټولو ۳۱ کلونو کې يوه شېبه هم د

ملي رسالت / 131

((دعوت)) د ملي او درني خپروني له په زړه پورې خپرېدو لري پاتي نه شو.

((دعوت))، پوره ۳۱ کاله د خپل ملت له رنځونو، دردونو، جهاد، ميرانې، پاڅونونو، سرلوړيو، بناديو او رازونو سره ملگري پاتي شو. ((دعوت)) و چې د ((سور))، ((تور)) او ((شين)) بنامار، بدمرغه مخ او ناوړه نيتونه يې ولس او نړېوالو ته برېنډ کړل. ((دعوت)) و چې په سيمه کي يې د ښکېلاک او زېښاک د ((ستري لويې)) ټول اړخونه او ((تياره)) گوټونه روښانه کړل او د ((افغان)) او ((افغانستان)) د دښمنانو له کرکجنو مخونو يې پردې لري کړې. دغې خپروني پر خپل وخت او ژر تازه خبرونه تر موره راوړسول.

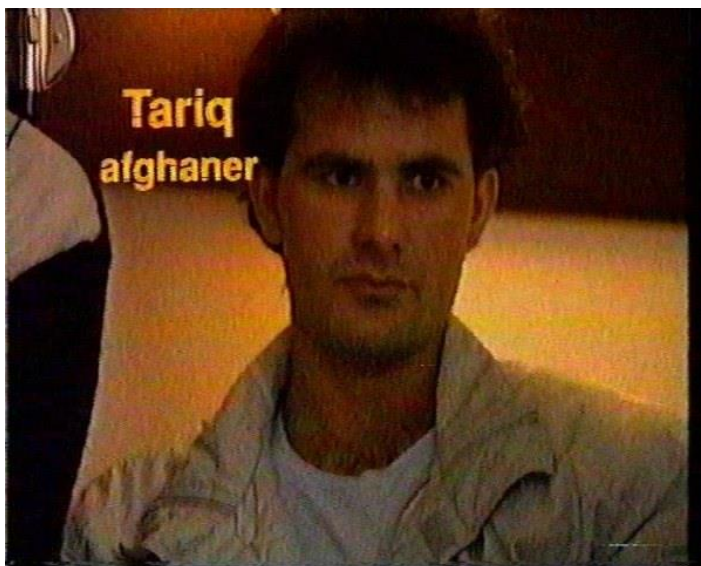
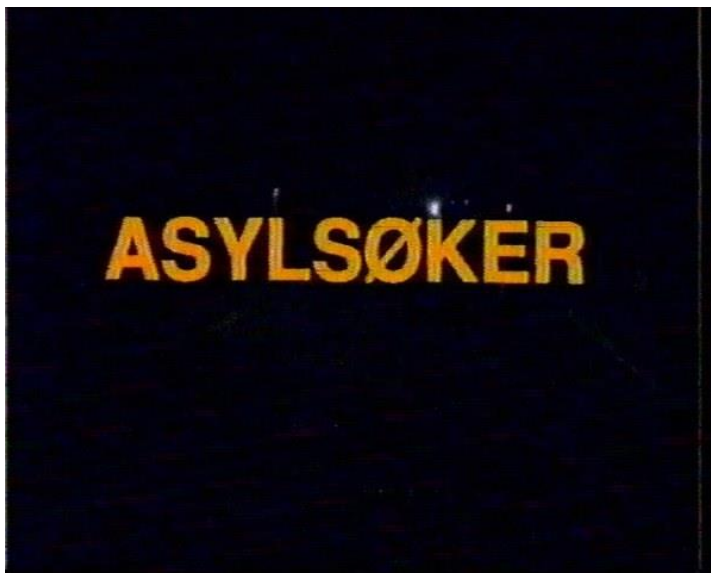
((دعوت)) د افغاني، ناروژي او نورو نړېوالو ليکوالو او غوره خپرونکو په راجلبولو سره، د غونډو او کنفرانسونو په جوړولو سره د خپلو پاڼو مخونه د مسلکي او لوړې کچې مطالبو، خپرنو، راسپړنو، مرکو، رپوټونو، خبرونو او تحليلونو رنگين کړل. د ژورناليزم ټول بنسټونه او اصول يې په ښه شان مراعات کړل. د ((دعوت)) ژبه د ملت ژبه ده، خوندوره ده، مانا لري، گونگه او ورکه نه ده، اصلاح شوې او معياري ده، په تېره بيا تل يې پښتو گرامر او په ځانگړې توگه پښتو ((ي)) گاني سمي کارولي دي.

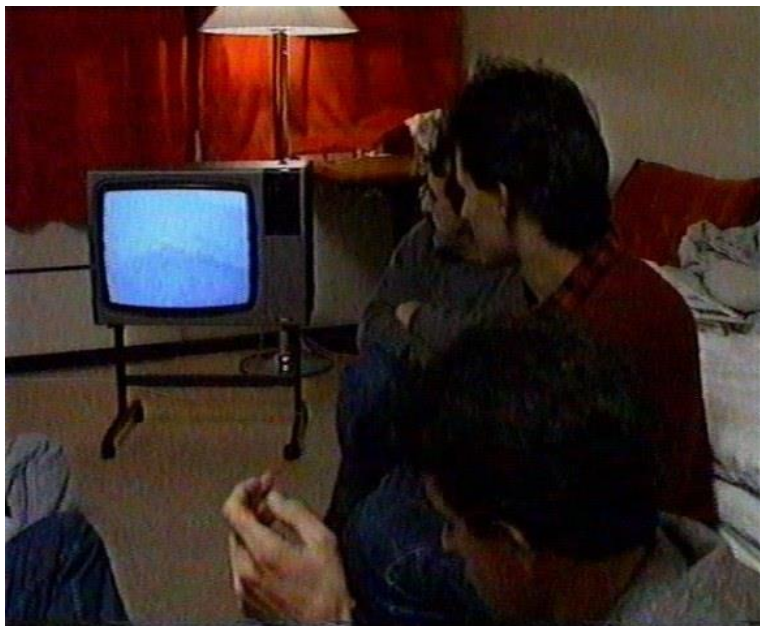
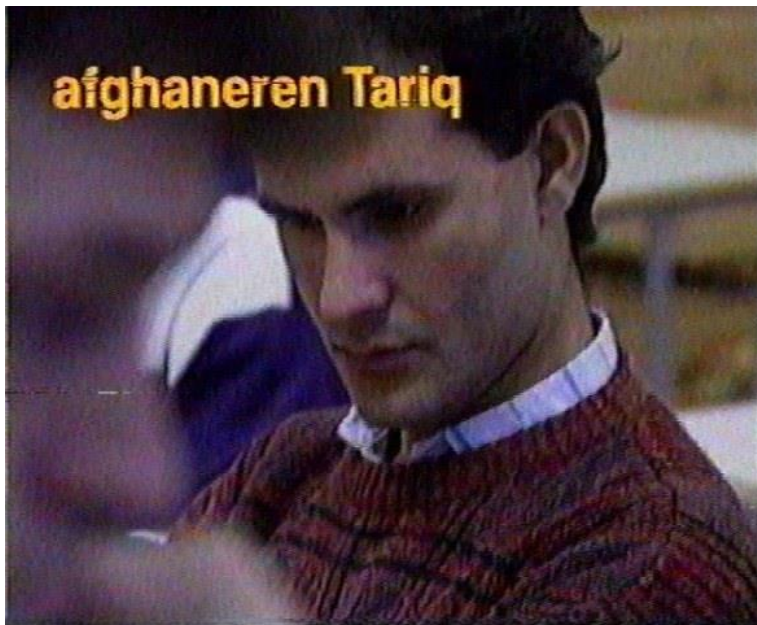
لنډه دا چې ((دعوت)) په ټوله مانا د منلو وړ خپرونه خپره شوې او فکر کوم زموږ د وخت يوه اړتيا ده. د دغه شان يو مدبر او مدقق ژورناليست لکه گران محمد طارق بزگر شتون، په افغاني ژورناليزم کي يو وياړ او د الهام وړ دی.

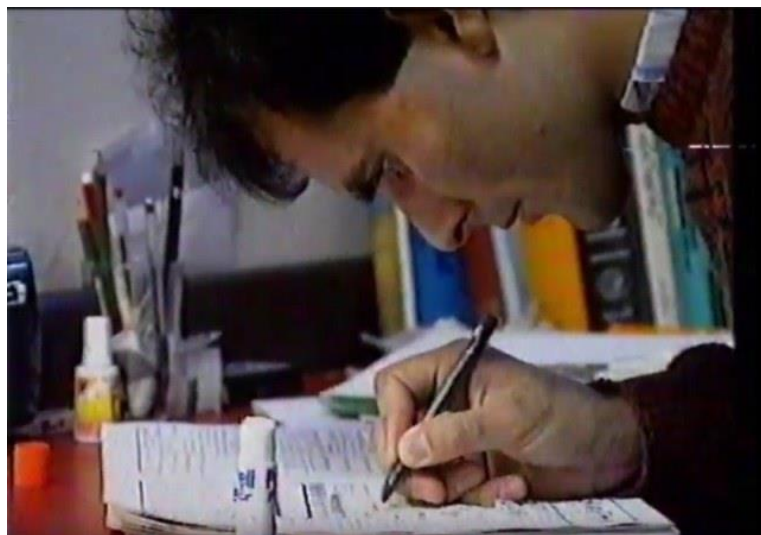
زه په دې توگه گران او منلي ورور ښاغلي محمد طارق بزگر ته د ((دعوت)) ۳۱ کلنې مبارکي وایم او د دې خبرې څرگندونه کوو چې موږ ستاسو په دغه ستر جشن کي ځان شريک بولو. بزگر صيب! مننه، کور ودان، په کار او عمر دې برکت شه.

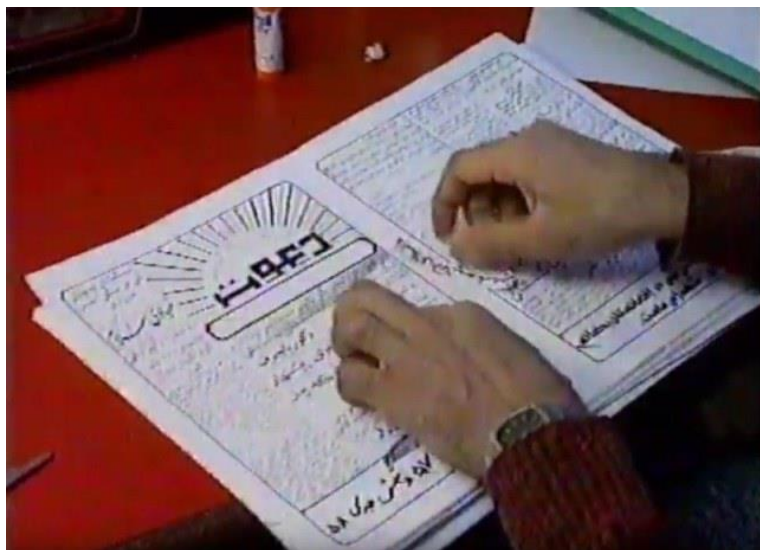
څلورم څپرکی:
د بزگر څیره

در مستند نارویژی «پناهنده»









در مطبوعات غربی





Vindskade i Vindheimen

LAURDAG 28. OKTOBER 1989 11

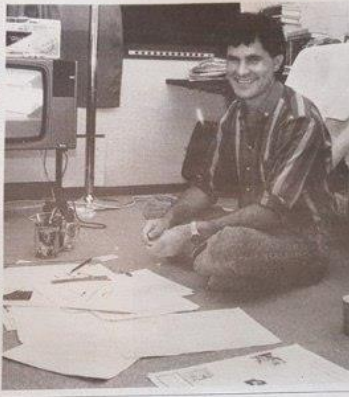
Den gamle, begravde 23-åringen på gjeterfamilien i Kaland prøvde seg på krigsoppløp for første gang i livet på Skaufisk i Hjøringsand - med svært dårlige resultater. Ja, det stemmer, det var faktisk første forsøk - som vi så ser best på den gruppen for til Tareq sette han ut å legge ned i tre samfundne dagar i sprengkulfen, som straff for ein dårlig motte-karakter.

• Mann i Kaland

I geriljafamilien som Tareq hadde i hamokulen heite i Afghanistan, stod det ein Norge på landet hadde i to millioner innbyggjarar som for det aller mest berre er ikkje så sjokke fisk, at her var vassar ikekk maktadar av det, og at Norge er ei trygg og god økonomi. Sånn er han mest, og den fribunden som er så sjokke for oss i Skandinavia, kor eg og vinnjer ikkje berre er å ha det ikkje.

I den politikkeringa som Tareq har på Akker og Berman Politikkeringa di han berre er så landet for i ut over og i stillan, så det at han hadde kontakt med ein stund med samant Sher Shah i Pakistan, og så han berre dei 600 politikkeringa for å få seg at landet og til Norge. Her vinnjer han at det var i sjokke, og det var viktig, Tareq hadde berre som sjokke skrevet av sjokke, at vi sjokke kven som er vis eller felle blass sjokke-er i kull, og sjokke til seg.

• Og sjokke er det ikkje berre for oss i Norge, men sjokke for oss i Norge, og sjokke er det ikkje berre for oss i Norge, men sjokke for oss i Norge, og sjokke er det ikkje berre for oss i Norge, men sjokke for oss i Norge.



de restaurant, med og for Tareq til Pakistan, at som som for til Berstad.

Som alle andre i øvre middelklasse hadde vi innsett at alt arbeid, vi berre skulle gjer skulearbeid våre, dette sport og idrett. Så hadde dette aldri gjort det mange Tareq arbeid for og kom til til skule, og sjokke berre berre berre, tenne de ikkje?

Eit fjerde hevar er at vi hadde til ut idrett karakter i møte på skule, at for midt med ein arbeid av Kaland med meg, med i Tareq, alle og og kven i oppgått skule. Han var sjokke innsett, og sette meg ut å legge ned med en vi var det. Tareq felle streng tekknad om ikkje å berre meg, og om ikkje meg, men sjokke sjokke å legge opp ein kan hadde sjokke.

Mitt fjerde var at kalanden sjokke nek, og fjerde sjokke for til kaland og viltshokke, og viltshokke mottok med sjokke kvenner. Eg draynde nok ven å bli viltshokke den side, Han skule ein, men med ut om sjokke. Han i Kaland ikkje at sjokke viltshokke, om sjokke berre sjokke for å kalle på viltshokke, at ut alle i fjerde ut endring og med berre sjokke på sjokke, med et sjokke sjokke over berre, med på sjokke og sjokke. Under berre så ein viltshokke, Eg sjokke at det som berre var han nokken som hadde berre sjokke og vi så ikkje kring berre, med som det var berre sjokke sjokke med meg?

Geriljaleiaren likar ikkje lettvinde jenter

angra for svaret på den kluge advokaten han har sendt på postleg. Det er ikkje med vore søn og brøddens i denne politiske høf-

har også sett sine spor, sjokke av berre kvenner er ikkje berre i det som med i berre sjokke sjokke. Det legg ikkje for Tareq å gi seg sjokke. Han i kalanden sjokke sjokke sjokke.

Dei som med i berre sjokke sjokke. Det legg ikkje for Tareq å gi seg sjokke. Han i kalanden sjokke sjokke sjokke.

• Og sjokke er det ikkje berre for oss i Norge, men sjokke for oss i Norge, og sjokke er det ikkje berre for oss i Norge, men sjokke for oss i Norge.

Dei som med i berre sjokke sjokke. Det legg ikkje for Tareq å gi seg sjokke. Han i kalanden sjokke sjokke sjokke.

Dei som med i berre sjokke sjokke. Det legg ikkje for Tareq å gi seg sjokke. Han i kalanden sjokke sjokke sjokke.



Flytter frå Hareid

Etter mange år i Hareid har mange av de som ble tvunget til å flytte fra Hareid nå fått nye hjem i Oslo og andre steder.

ENGE LEVE VEIENSKAPET MIMIK ET VILSKET LEI DET AFGHANSKE FOLK

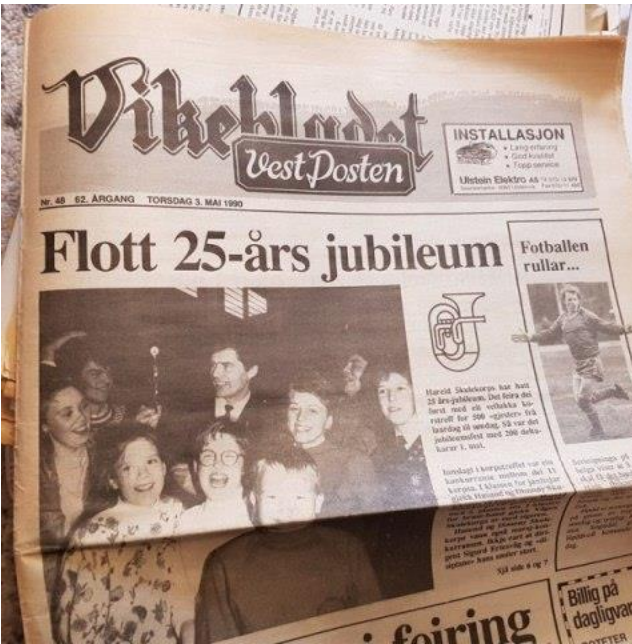
Langt fra hverandre mellom det nordre og det afghanske fjellet står det på plakaten hos Ni Tor Tang. Her bor de andre afghanerne som er på flyktningferde.

Ved asylmottaket på Hareid er alle afghaner i oppfølgning. På Skjelsno kommune utenfor Oslo har de fått beskjed om at de er velkomne til å etablere seg. No ventar dei berre på endelig avreisefato.

• ANNE GRV ELERTSEN

Tang, Heidar og Hansen er de afghanerne som har bodd lengst på Hareid, ca. 10 måneder. Og på samme måte har det flere tusen millioner afghanere droppet, 500 000 mennesker er blitt tvunget og 2 millioner har vært i ferd på å bli tvunget til å flytte. De har vært i ferd på å bli tvunget til å flytte. De har vært i ferd på å bli tvunget til å flytte.

De har vært i ferd på å bli tvunget til å flytte. De har vært i ferd på å bli tvunget til å flytte. De har vært i ferd på å bli tvunget til å flytte.



Vikobladet Westposten

№ 48 52. ÅRGANG TORSDAG 3. MAI 1990

Flott 25-års jubileum

Hareid Skolekorpset har hatt 25-årsjubileum. Det ble det 25 år siden de ble etablert som skolekorps for 250 elever i Hareid. I dag er det jubileumet med 200 deltakere i fest.

Korpsleder i Hareid skolekorps er Ni Tor Tang. Han har vært leder i 10 år. Han har vært leder i 10 år. Han har vært leder i 10 år.

Flott 25-års jubileum. Flott 25-års jubileum. Flott 25-års jubileum.

Fotballen ruller...

Billig på dagligvare

1972. Fredag, 7. september 1980

LOKAL HØYRING OM AFGHANARANE SIN SITUASJON

RESULTERTE I LOKALT POLITIKAR-OPPROP



Dei politiske representantane i Herold forsamling og politikkommitté i Herold kommune, samt medlemmar frå Afghanasenteret og politikkommitté i Herold, møttest i Herold rådshus den 29. september kl. 18.00 for å høyrast inn på Afghanasenteret om den politiske situasjonen i Afghanistan. I tillegg var mange gjestar til stades, mellom anna medlemmar frå KGB og Rød Kors. Dei politiske representantane i Herold forsamling og politikkommitté, samt medlemmar frå Afghanasenteret og politikkommitté i Herold, møttest i Herold rådshus den 29. september kl. 18.00 for å høyrast inn på Afghanasenteret om den politiske situasjonen i Afghanistan.

Herold forsamling og politikkommitté

Herold forsamling og politikkommitté, samt medlemmar frå Afghanasenteret og politikkommitté i Herold, møttest i Herold rådshus den 29. september kl. 18.00 for å høyrast inn på Afghanasenteret om den politiske situasjonen i Afghanistan.

Mohamed Tera, Herold forsamling og politikkommitté:

Herold forsamling og politikkommitté, samt medlemmar frå Afghanasenteret og politikkommitté i Herold, møttest i Herold rådshus den 29. september kl. 18.00 for å høyrast inn på Afghanasenteret om den politiske situasjonen i Afghanistan.

Herold forsamling og politikkommitté:

Herold forsamling og politikkommitté, samt medlemmar frå Afghanasenteret og politikkommitté i Herold, møttest i Herold rådshus den 29. september kl. 18.00 for å høyrast inn på Afghanasenteret om den politiske situasjonen i Afghanistan.

Herold forsamling og politikkommitté:

Herold forsamling og politikkommitté, samt medlemmar frå Afghanasenteret og politikkommitté i Herold, møttest i Herold rådshus den 29. september kl. 18.00 for å høyrast inn på Afghanasenteret om den politiske situasjonen i Afghanistan.

Afghanarar



Herold forsamling og politikkommitté:

Herold forsamling og politikkommitté, samt medlemmar frå Afghanasenteret og politikkommitté i Herold, møttest i Herold rådshus den 29. september kl. 18.00 for å høyrast inn på Afghanasenteret om den politiske situasjonen i Afghanistan.

Folk å minnst!

Herold forsamling og politikkommitté, samt medlemmar frå Afghanasenteret og politikkommitté i Herold, møttest i Herold rådshus den 29. september kl. 18.00 for å høyrast inn på Afghanasenteret om den politiske situasjonen i Afghanistan.



Afghanistan

Herold forsamling og politikkommitté, samt medlemmar frå Afghanasenteret og politikkommitté i Herold, møttest i Herold rådshus den 29. september kl. 18.00 for å høyrast inn på Afghanasenteret om den politiske situasjonen i Afghanistan.

Herold forsamling og politikkommitté, samt medlemmar frå Afghanasenteret og politikkommitté i Herold, møttest i Herold rådshus den 29. september kl. 18.00 for å høyrast inn på Afghanasenteret om den politiske situasjonen i Afghanistan.

Herold forsamling og politikkommitté:

Herold forsamling og politikkommitté, samt medlemmar frå Afghanasenteret og politikkommitté i Herold, møttest i Herold rådshus den 29. september kl. 18.00 for å høyrast inn på Afghanasenteret om den politiske situasjonen i Afghanistan.

Herold forsamling og politikkommitté, samt medlemmar frå Afghanasenteret og politikkommitté i Herold, møttest i Herold rådshus den 29. september kl. 18.00 for å høyrast inn på Afghanasenteret om den politiske situasjonen i Afghanistan.

Kr. 80,-

AFGHANARANE PÅ HAREID HOTEL

PARTIARBEID I EKSL

Organiststilling i Hareid ledig

HAREID: Kyrkjelydsarbeidar i permisjon

De tre skje på Gorbatojov for det som han har gitt ordre om til beretning av informasjon. (Vedlagt i denne utgaven av avisen er det ikke et bilde av de tre skje på Gorbatojov. De tre skje på Gorbatojov er de tre skje på Gorbatojov.)

Marit Kvammen

Han er tung og senest, trestårtdøden, hans engelske vedførelt er upålitelig, men aksepten gjør at han stundom er litt vanskelig å forstå. Men Muhammad Tariq snakkar gjerne, forklarar fortolning tilbake i hjemlandet Afghanistan - til alle som vil høre på og sjå utstilling han og dei ni andre afghanarane som står på i på hotellet, har laga i

For desse samarbeidne gjennomfører afghanarane i Hareid hotell, det vil seie han har fått kommandoen over ei av bi-mannegruppene som perisjoner i hans område er inndelt i. Spør vi kva han gjorde i det sivile liv, er svaret student, Jus og politikk er fasa hans. Den russiske etterret-

Den ni afghanarane som er utstilt på Hareid Hotel, har alle ei formid perisjon, med unntak av den yngre, en 34-åring, Marit Kvammen som er utstilt på Hareid Hotel. De ni andre afghanarane som er utstilt på Hareid Hotel, har alle ei formid perisjon, med unntak av den yngre, en 34-åring, Marit Kvammen som er utstilt på Hareid Hotel.

Etter det er utstilt på Hareid Hotel, har alle ei formid perisjon, med unntak av den yngre, en 34-åring, Marit Kvammen som er utstilt på Hareid Hotel.

VestPosten

NR. 21 - ONSDAG 15. MARS 1999

Fem av ni afghanarar er att på Hareid Hotel

KVA SKJER MED OSS ? SPØR DEI

Det fem afghanarane som no har på Hareid Hotel, Sitandi, Noor Ahmad, Noor Muhammad, Sitandi, Muhammad Tariq, Farhad, Ghulam Haider, Mahmud.

I redde og visse sit fem afghanarar att på Hareid Hotel. Etter beredning sist torsdag, då to av landemennene deira var det er sende heimatt som politiet, er det visse om framtid som igjen sli i det. Færrige gong politiet besta to afghanarar var 2. januar i år. Kve lagud desse to har fått, er visst. I alle fall vil ikkje kameratene deira ber på Hareid om dei framkoms sit fengsla, eller dei det er sende heimatt.

Nasem og Zohar, dei to som torsdag vart frakta til Oslo og som no sit fengsla på Fornebu, har innkila ein vete-strøk og vil rette

aktlyst på korleis situera er for afghanarar i Oslo, som dei er ber i landet eller i Pakistan.

Vestposten i påsk

Vestposten tek ferie i neste veka. Annonser til fridagene må vere oss i hende innan kl. 10 torsdag 3. mars. Første nr. etter påske blir onsdag 23. mars.

West-Posten
 NR. 25 - ONSDAG 5. APRIL 1989
 20. ÅRGANG KR. 4.

Godt utvalg i golvbelegg
Hareid Rør a.s.
 4065 SANDNES TEL. 47 07 00

Politisk støtte frå Hareid til afghanarane -



TOK BERGEN MED STORM.
 I Kassa Teater på Hareid var representantane i Gløde. Reportasje s. 5.

rungavåg-slaget erundfjorden!
 Anders Hustadnes hnjord-brosjyra

Eding Lindheim. Den fremste hærføeren til libanon. Fort av Arne Nordheim. Utgitt av Forlaget. 1988. 128 sider. 10,- kr.

Etter innsettning af afghanarane som tur på avstemning på Hareid Hotel, fann det mangel kveld stad et møte mellom representantar frå det politiske partia i kommunestyret og dei seks avlyskjarane.

Bakgrunnen for møtet var dei to tilbakekallingane af afghanske avlyskjarar til Pakistan som har laane stad tillegge i

Et. Ein har slag Akje sikre informasjon om kva som har skjedd med dei i Pakistan. Dei politiske representantane viste forståing for afghanarane og var meir medvarende i at dei var vande om å opprette styresmakter som Akje i sunde, attende fire afghanske avlyskjarar for ein i det minste fire sikre informasjon om

Mange muslim afghanarar og politikarar sit møtend i lag med til dei som sit er sende tilbake. Det var og brei samtykke om at det sikkert vil vert avlyskje av ein politisk oppdrag for dei vil ber dei sende styresmakter på nytt i valdige afghanarane sin styresmakter. Refusert frå møtet vil i kunne utvide til

Vel-

Det tokapottitkarane om hjelp:

Dagleg frykt blant asylsøklarane



Mari Kvammen

Kven må reise?

Det som Akje er oppført av afghanarane som har fått handsama opphaldskvaden igjen afghantar det betyr at opphalds søg i Norge. Ikkje ein gang til, som det er tilfelle i Pakistan. Den forsakinga lakk og gjald den norske delegasjonen som var i Pakistan for å undersøke forholda.

Parke i Pakistan

afghanske skattemiget vortaz. Han kan fortvile den kameratar som har vorte skildrende, om et system av leigemondatar og soner der vil et tilfelle. Du kan få gjort kva som helst for pengar i Pakistan, men i Norge er det ikkje

Dei to siste afghanarane som vort hentat frå hotellet like før påske og på rekordtid sendt til av landet, har enno ikkje late høyre frå seg. Kameratane som er ant på Hareid, tur at dei anten er fongd i Pakistan alt, eller dei kan vere på sjukhus som fylgje av svekkesykdom - begge alternativ er av beste fall.

Føgt å vere flyktning

slike som etikk av. Dei blir mark, og kan vertte seg ublidde tilstander når dei vort tilbake.

Kvifor ikkje Pakistan

Det er ikkje nokki afghanarar i Pakistan og det er vel framme gjerde. Men dei politiske styresmakter er ikkje slik, i og at det er no gjevt 5,5 millionar afghanarar i vert i dag utanfor landets grense dei fleste i Pakistan og Iran, i dei har flyktningestatus. Både KGB og den afghanske offentlige styresmakter, opplever i flyktningemålet. Fleire hadde andre afghanarar i hotell i Pakistan har vorte tekne av dage. Dette maskinpart mellom dei afghanske erundfjorden som dei



Medlemmer Torbjørn Barvik, som er til 10. Afghanistanstøtte som har på Hareide Hest og som sin styret er informasjonsskild, er





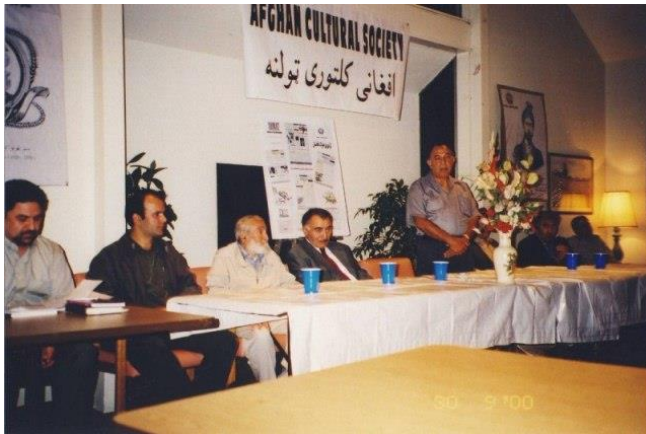


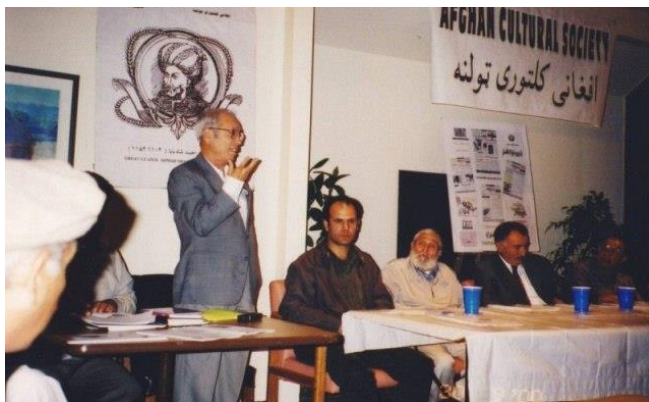
ملي رسالت / 148

ستايش در انجمن فرهنگ افغانی در امریکا / سال ۲۰۰۰م









ملي رسالت / 152

ستايش در برنامه ی تلویزیونی ستاره های درخشان ادب و هنر



ملي رسالت / 153

ستايش در انجمن خيزش جوانان در سويدن



در گزارش تلویزیون ناروی



ستايش نامه ها



پهل د بينونكي ځينتن تعالى په نوم

ستايشليك

سويډن كي د زلمو پاشون نولته د گران هيواد افغانستان وياړمن فرهنگي شخصيت او
نوميالي ژورناليست پناخلي محمد طارقي بزگر ته ، د هغوی د نه ستري گېډونكو خدمتونو
په درنلوی دا ستايشليك ورگور او نوموړي ته د لا نورو بريليانونو هيله گور.

نېټه : ۲۰۱۱.۱۲.۱۰

پته : سټوكهولم سويډن

I Guds, den Barmhärtiges, den Niderrikes namn

Diplom

Föreningen Zahro Pasan vill härmed tacka Herr **Mohammad Tariq Buzarg** för sitt stora engagemang och outtrötliga journalistiska arbete. Vi lämnar en stor tackambet och ser fram emot nya framgångar och önskar honom all lycka med sina framtida projekt.

10.12.2011

Stockholm, Sverige







دېرې خداي (ج) په نامه

IN THE NAME OF ALLAH




د دوستي فرهنگي ټولنه

Cultural association of the Friendship in Malmo of the Sweden

د سوېډن هېواد د مالمو ښار د دوستي فرهنگي ټولنې له خوا:

تاسو اعلي / ښاغلي طارق بکر بکر

د هند فرهنگي هڅوله کيله ستا بل کچه وړي

د هند فرهنگي هڅوله کيله ستا بل کچه وړي

په افغانستان کې دننه او بهر مو تر سره کړيدی

ستا سو د لږږو په هيله

Our association worthy of appreciation your
Excellent cultural activated
For Afghan people out and inside of Afghanistan

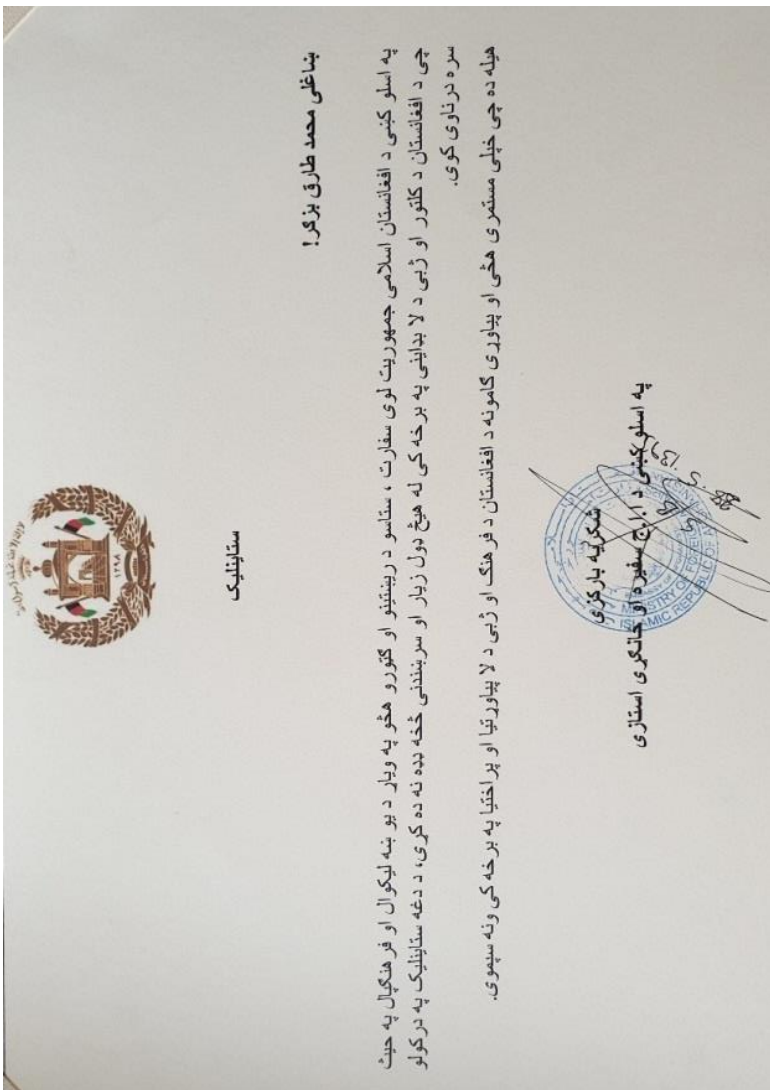
We wish more successfulness for you.

په درنښت
د دوستي فرهنگي ټولنه
Habibullah Ghani Mawar
President of Cultural association of the Friendship

د دوستي فرهنگي ټولنې مشر





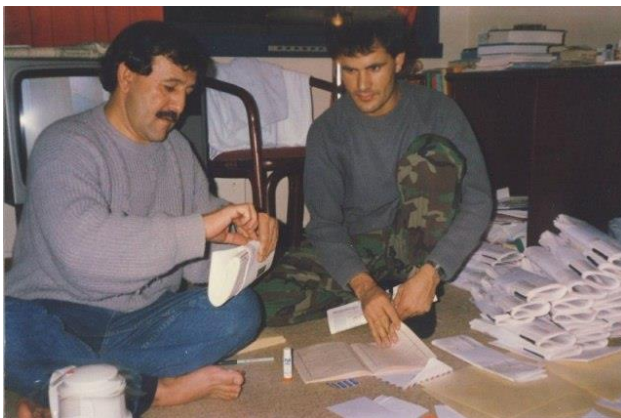




د دعوت نوستالژی



ملي رسالت / 164

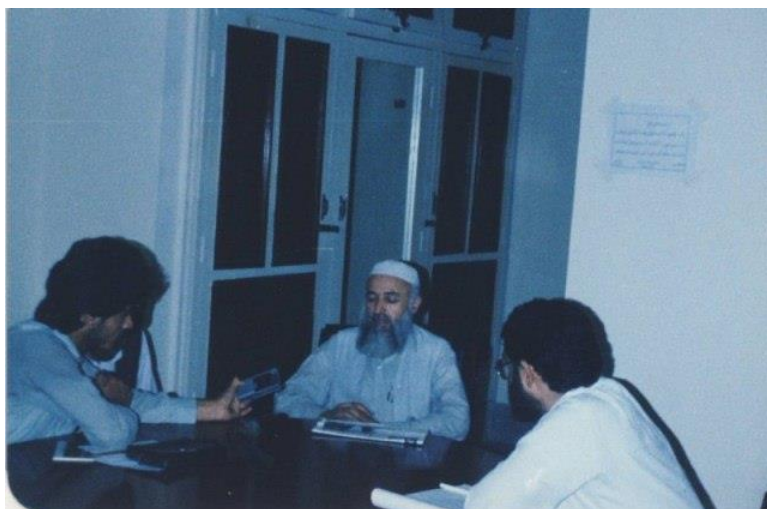




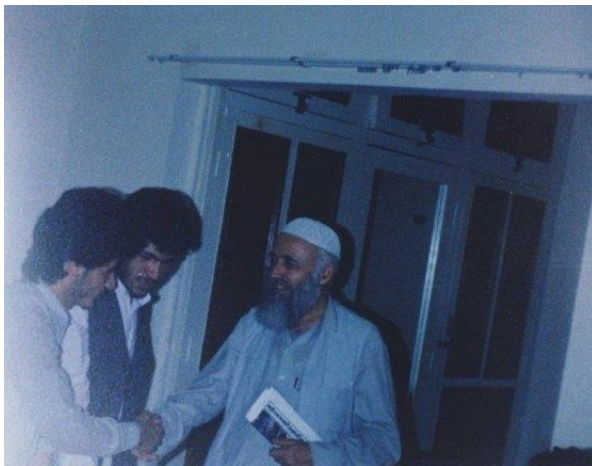
مسوول نارويژي چاپ نشریه ی دعوت



گزارشگران نشریه ی دعوت با مرحوم احمد شاه مسعود



گزارشگران نشریه ی دعوت با ملا برهان الدین ربانی





ملي رسالت / 169



ملي رسالت / 170



مرحوم علي احمد خان پوپل



فاروق ميرنى

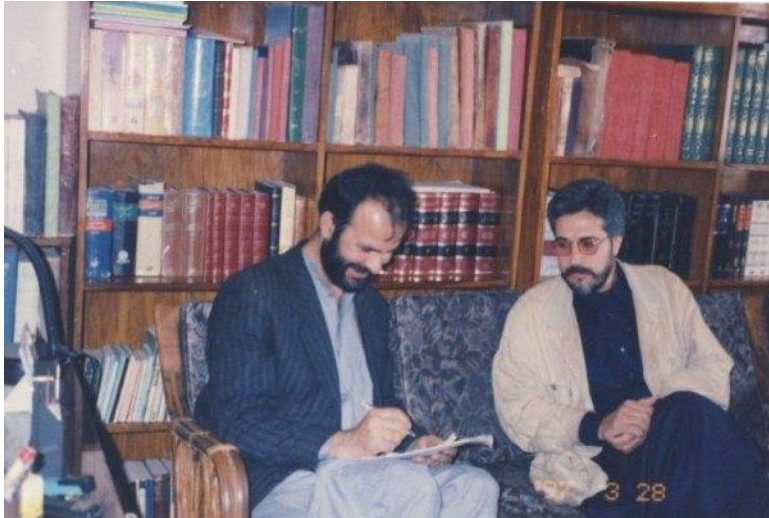


مرحوم پوهاند محمد حسن كاكر



الحاج فضل الكريم فضل

ملي رسالت / 172



سید اسحاق گیلانی



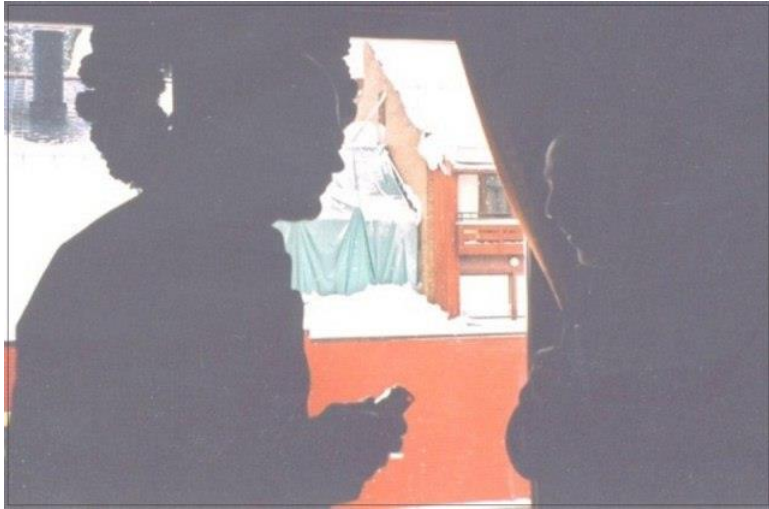
خالق عزیز



لطيف جان بابي



محمد گل دياني



حامد کرزی

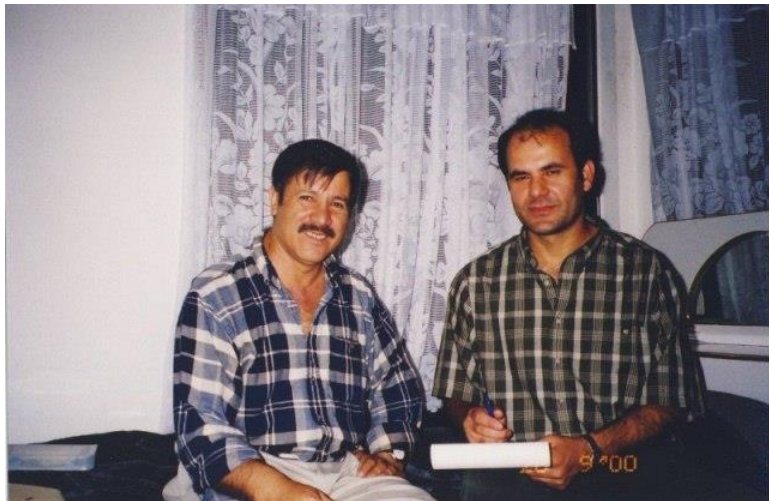


شینکی کروخیل

ملي رسالت / 175

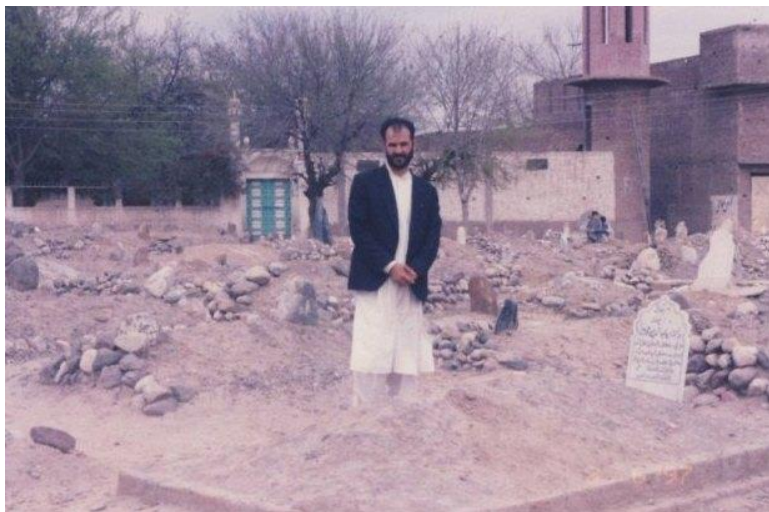


حبيبه سرايى



زمريالى





پشاور: مقبره ی مرحوم پوهاند سید بهاءوالدين مجروح





کبير ستوری

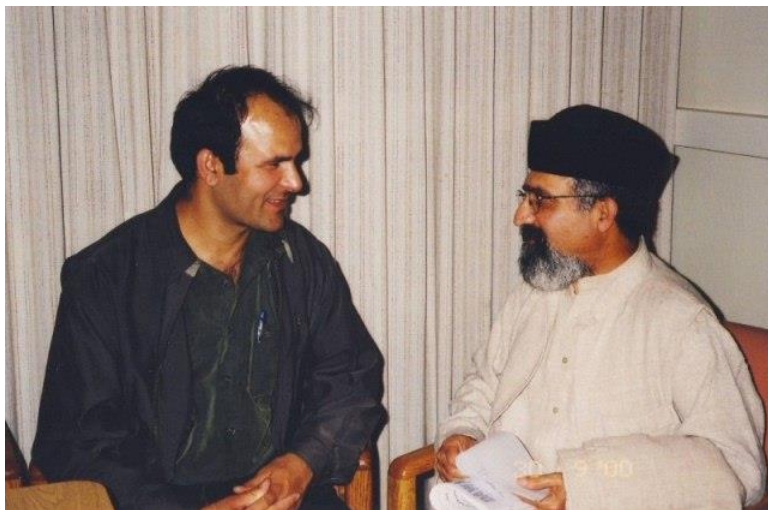


بی نظیر بهوتو



داکتر فرید بزگر

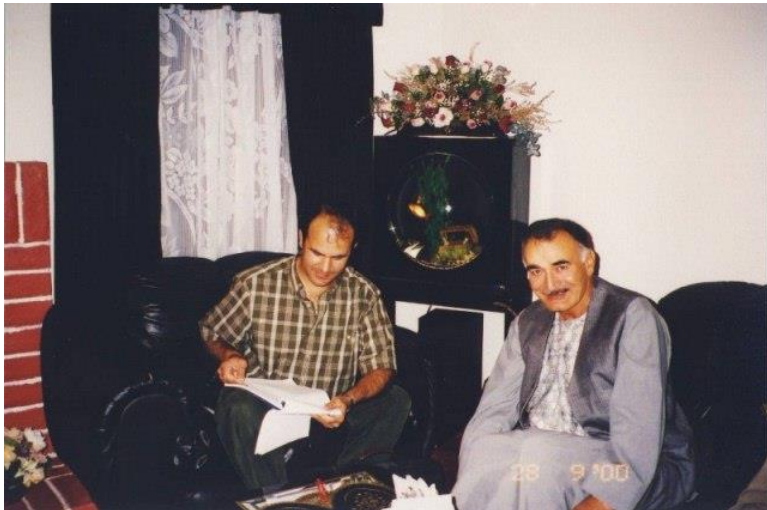
ملي رسالت / 180



داوود مومند



ملي رسالت / 181

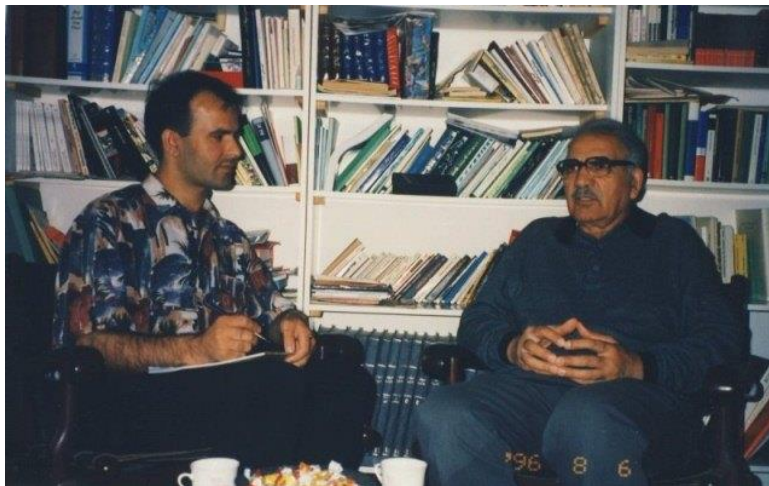


داکتر عبدالقيوم کوچی



داکتر نبی مصداق

ملي رسالت / 182

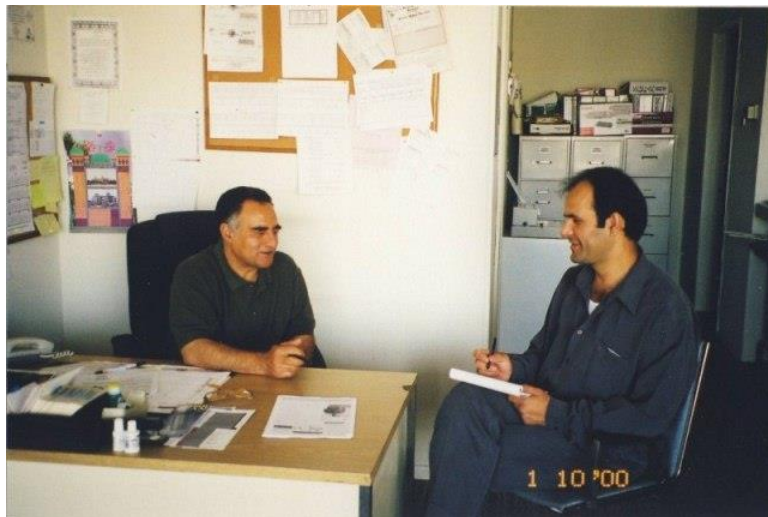


مرحوم داکتر عبدالصمد حامد

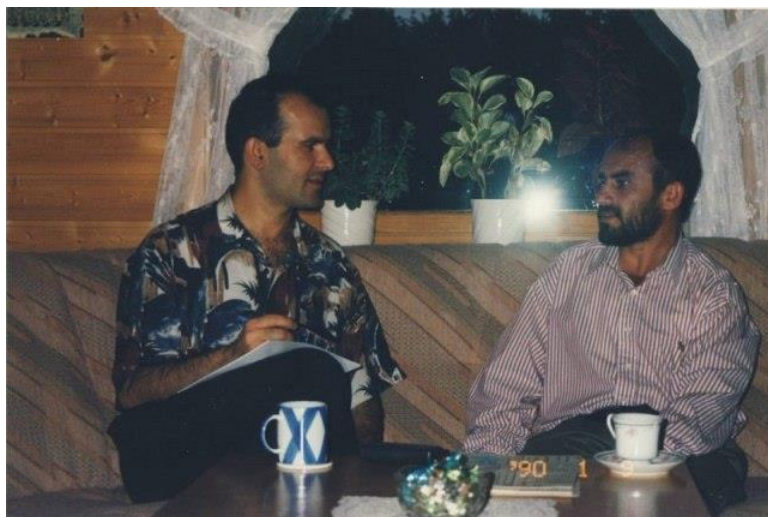


هاشم زمانی

ملي رسالت / 183

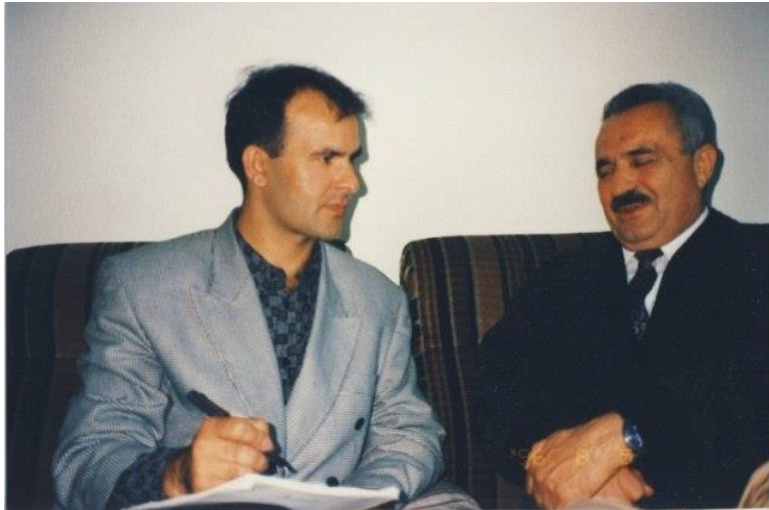


عبدالله مجروح



شينواری

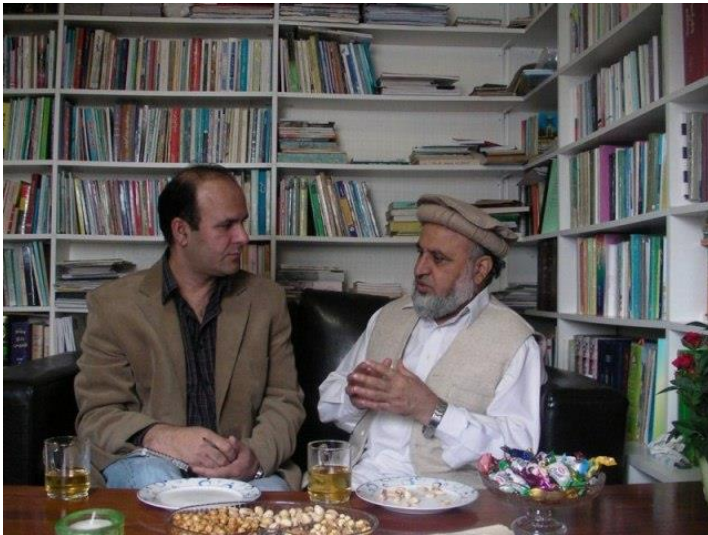
ملي رسالت / 184



سراج الدين منگل



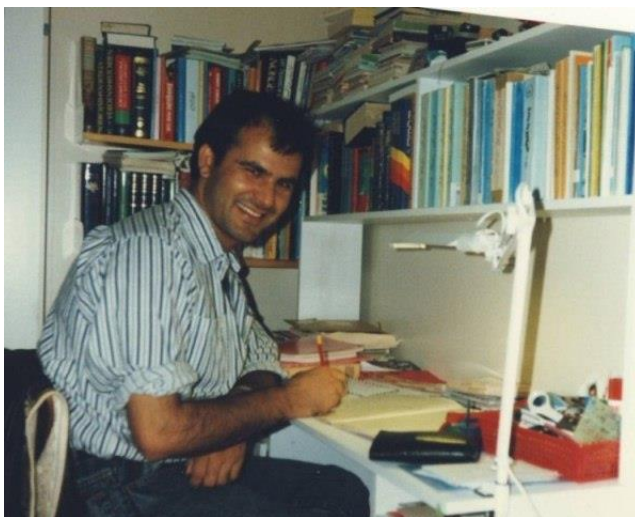
ريود ليبور



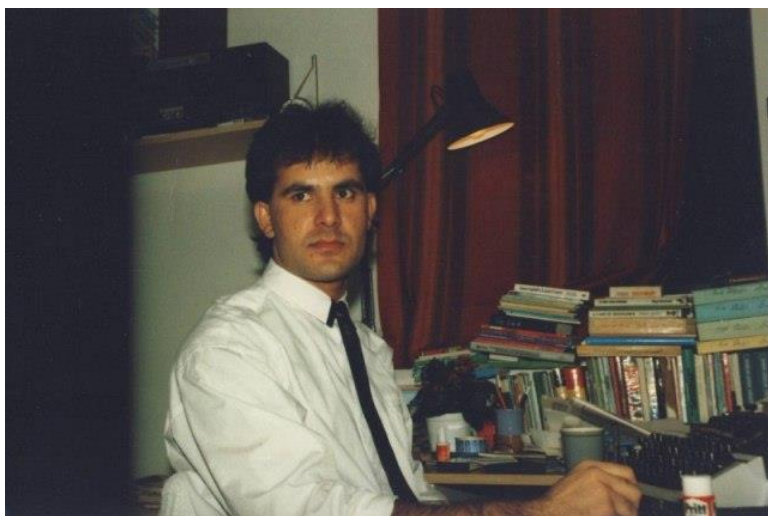
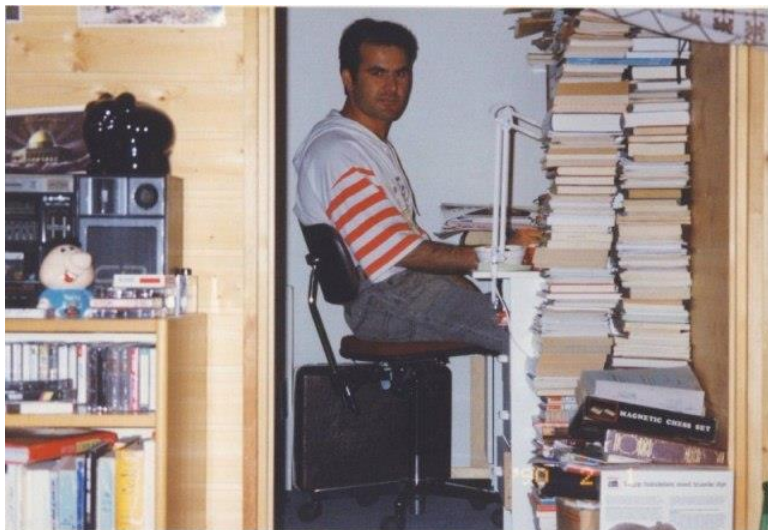
ملي رسالت / 186

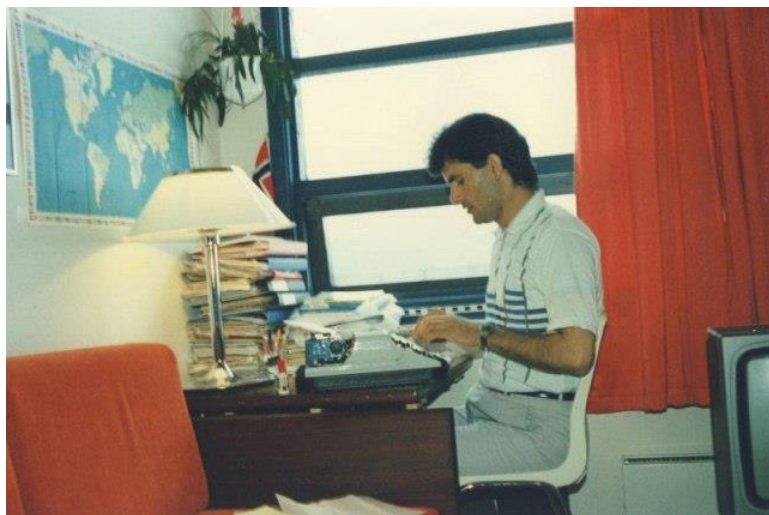
شپږم څپرکی:

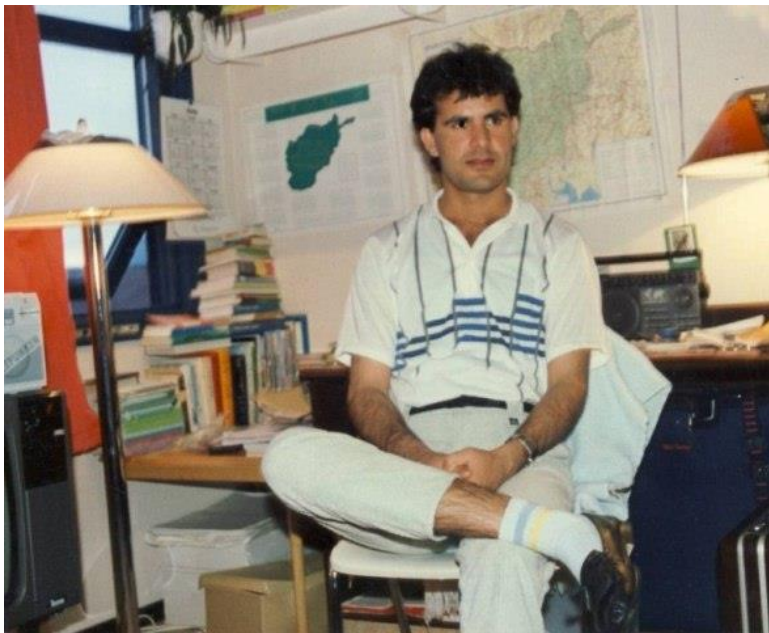
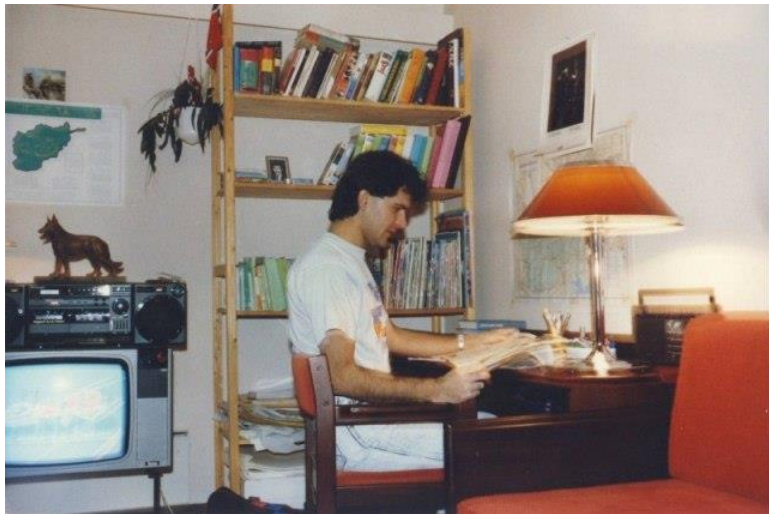
د انځورونو البم



ملي رسالت / 187







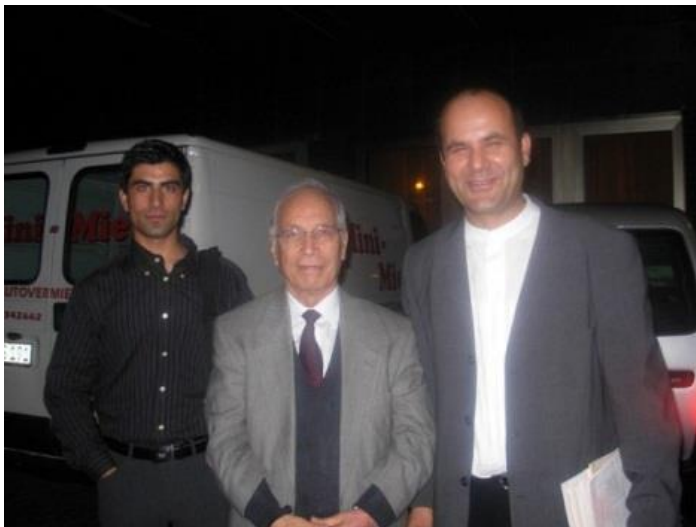
ملي رسالت / 190



ملي رسالت / 191



غلام محمد زرمالوال



مرحوم پوهاند محمد حسن کاکر



ستولتبرگ



سفیر امریکا در ناروی

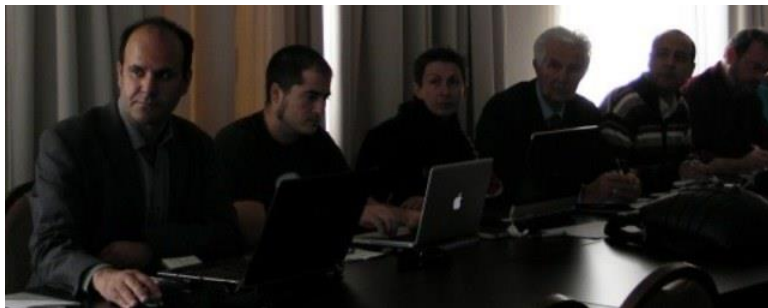
ملي رسالت / 193



مرحوم عبدالصمد حامد



باندويک





از راست به چپ: استاد روستار تره کی، بزگر و غوث خبیری



ادوارد جیراد

ملي رسالت / 195



ملي رسالت / 196



ملي رسالت / 197









معرفی مصطفی «عمرزی»
(نویسنده، پژوهشگر و روزنامه نگار)

- متولد ۲ عقرب سال ۱۳۶۲ در کابل.
- فارغ از «لیسه ی عالی استقلال» در سال ۱۳۷۸.
- فارغ به سویه ی دیپلوم از بخش «رادیو و تلویزیون» پوهنځی ژورنالیزم پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲.
- دارنده ی گواهینامه ی «گزارشگر انتخابات» از پروژه های آموزشی شبکه ی جهانی BBC.

تجربیات کاری:

عضو شورای مرکزی، گزارشگر، خبرنگار، روزنامه نگار، مدیر مسوول نشریه، همکار قلمی، مصحح، نویسنده، تهیه کننده، کارگردان، مسوول ارزیابی نشریات، مسوول طرح و ارزیابی و مسوول واحد فرهنگی در نهاد ها و رسانه هایی چون اتحادیه ی ملی ژورنالیستان افغانستان، اتحادیه ی ملی ژورنالیستان و خبرنگاران افغانستان، انجمن شاعران و نویسنده گان افغانستان، هفته نامه ی «قلم»، تلویزیون «۱»، رادیو و تلویزیون «باختر»، فصلنامه ی «بنیان اندیشی» (منتشره در جمهوری اسلامی ایران)، روزنامه ی «سرخط»، مجله ی «اوربند»، گاهنامه ی «تحریک»، وب سایت «پول افغان»، وب سایت «پول افغانستان»، وب سایت «دعوت میدیا ۲۴»، وب سایت «تاند»، وب سایت «روهی»، وب سایت «حقیقت»، وب سایت «دانشنامه ی افغان»، وب سایت «سمسور»، وب سایت «لر او بر»، وب سایت «نن»، وب سایت «خبرپانه»، وب سایت «کتابتون» و واحد تولید «آمو فلم».

آفرینش های کاری- فرهنگی

برنامه ها و فلم های مستند تلویزیونی:

- ۱- برنامه ی مستند تاریخی «یک سده فراز و نشیب» در تلویزیون «باختر»: ۱۴ قسمت ۲۴ دقیقه یی.
- ۲- برنامه ی مستند تاریخی «آینه ی تاریخ» در تلویزیون «باختر»: ۱۸ قسمت ۲۴ دقیقه یی.

ملي رسالت / 201

- ۳- برنامه ی مستند ادبی «نای» در تلویزیون «باختر»: ۲۰ قسمت ۲۴ دقیقه یی.
 - ۴- فلم مستند «۲۶ سرطان» در تلویزیون «باختر»: ۲۴ دقیقه.
 - ۵- فلم مستند «پژواک کوهسار» (پیرامون زنده گی مرحوم فقیر فروزی) در تلویزیون «باختر»: ۴۰ دقیقه.
- تخلیقات:
- ۱- صحبت های مغاره نشینان (طنزی) - منتشر شده است.
 - ۲- افغانستان و بازار آزاد (سیاسی - اجتماعی) - منتشر شده است.
 - ۳- مرز و بوم (تاریخی).
 - ۴- چهار یادواره (معرفی چهار فرهنگی افغان) - منتشر شده است.
 - ۵- سخن در سخن (معرفی کتاب ها).
 - ۶- یک قرن در تاریخ و افسانه (تاریخ تحلیلی و شفاهی افغانستان از ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ میلادی) - منتشر شده است.
 - ۷- افغاننامه (مشاهیر افغان) - منتشر شده است.
 - ۸- پشتون ها (تحلیلی) - منتشر شده است.
 - ۹- رسانه ها، مدیریت و نوسان ها (رسانه یی).
 - ۱۰- در هرج و مرج زیستن (سیاسی - اجتماعی).
 - ۱۱- تاریخ عمیق (طنزی).
 - ۱۲- اندیشه در بستر سیاست و اجتماع (مقالات منتشره در روزنامه ی سرخط) - منتشر شده است.
 - ۱۳- با زبان دری (تحقیقی - تحلیلی) - منتشر شده است.
 - ۱۴- روزگار (نوستالژی).
 - ۱۵- پاسخ (واکنش ها).
 - ۱۶- تامل و تعامل فرهنگی (فرهنگی).
 - ۱۷- ارتجاع و مرتجع (انتقادی).
 - ۱۸- سیر فرهنگی (فرهنگی).
 - ۱۹- پی آمد تصویر (فلم و سینما).
 - ۲۰- در منظر بیگانه (تحلیلی).
 - ۲۱- ذهنیت متنازع (ابراز نظر).
- جزوه ها:
- ۱- به رنگ آبی (زنده گی شهید مینا).
 - ۲- مردی از سرزمین آزاده گان (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد شفیق گل آقا شیرزی).
 - ۳- محمد نادر «نعیم» (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد نادر نعیم).

تالیفات:

ملي رسالت / 202

۱- هنر در سینمای افغانان (فلم هنری سینمایی افغانستان از ۱۳۲۷ تا امروز)-
منتشر شده است.

گردآوری ها:

- ۱- زمانی که مفاخر ناچیز می شوند (تنقید تاریخی)- منتشر شده است.
- ۲- حقیقت خورشید (پیرامون کلمات افغان و افغانستان)- منتشر شده است.
- ۳- در جغرافیای جهان سوم (بررسی ستم ملی و ستیز قومی در ایران).
- ۴- در متن مدعا (اهل سنت در جمهوری اسلامی ایران).
- ۵- نگرش نو بر شاهنامه و فردوسی (تنقید فردوسی و شاهنامه)- منتشر شده است.
- ۶- مُنحی تاریخ (تنقید کوروش و سلسله ی هخامنشی)- منتشر شده است.
- ۷- آریاییسم (تنقید پدیده ی آریایی)- منتشر شده است.
- ۸- پور خرد (معرفی زنده یاد استاد ناصر پورپیرار)- منتشر شده است.
- ۹- دری افغانی (پیرامون زبان دری و ویژه گی های آن)- منتشر شده است.
- ۱۰- آیین های سخیف (تنقید ادیان زردشتی، مزدکی و مانوی)- منتشر شده است.
- ۱۱- کتاب نامه ی من (پیرامون زنده گی و کارنامه ی مصطفی عمرزی).
- ۱۲- پندار ستمی (تنقید و بررسی پدیده ی معروف به ستمی).
- ۱۳- آرکایسم (تنقید باستانگرایی)- منتشر شده است.
- ۱۴- معنی (گزیده هایی از سخنان اندیشمندان).
- ۱۵- محوطه ی سیاه (تبیین و بررسی فارسیسم).
- ۱۶- رسالت ملی (کارنامه ی محمد طارق بزگر).

ترجمه ها:

- ۱- تا حصار پنتاگون (سفرنامه ی واشنگتن): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۲- رسانه های کنونی افغانی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۳- ساختار هندسی شعر پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۴- انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۵- تخت دهلی را فراموش می کنم (سفرنامه ی هند): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۶- افغانستان در پیچ و خم سیاست: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۷- اگر جهانیان شکست بخورند؟: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۸- درست نویسی پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۹- فقر فرهنگی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.

ملي رسالت / 203

- ۱۰- در قلب کرملین (سفرنامه ی مسکو): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۱۱- مشی «تحریک ملی افغانستان»- در اختیار «د افغانستان ملی تحریک»، قرار داده شده است.
- ۱۲- اساسنامه ی «روند ملی جوانان افغان»- در «اختیار روند ملی جوانان افغان»، قرار داده شده است.
- ۱۳- اساسنامه ی «انجمن پیشرفت و رفاه زنان افغان»- در اختیار این نهاد، قرار داده شده است.
- ۱۴- اساسنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.
- ۱۵- مرانامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.
- ۱۶- ناگفته های ارگ: محمد اسماعیل «یون».

همکاری های فرهنگی با دیگران در تهیه ی کتاب ها، فلم ها و برنامه ها کتاب ها و نشریات:

- «سایه بان بی سایه»، «تحقیقی پیرامون سوابق تاریخی و موقف حقوقی قرارداد و خط دیورند»، «پشتونستان»، «پژواک؛ زنده ی جاویدان است»، «منار نجات»، «حکمت انگلیس در سیستان»، «زنده گی امیر دوست محمد خان- جلد اول» و «پیروزی» (راجع به احمد یاسین سالک قادری).
- فلم ها و برنامه های تلویزیونی:
- «مستند باختر» (برنامه ی تاریخی)، برنامه ی اجتماعی «همتا»، «بازتاب اعتماد مردم» (سلسله ی انتخاباتی) و «شهید ملت» (مستند زنده گی شهید عبدالحق).
- تاییدات فرهنگی- مدنی:
- ستایشنامه ی «پوهنخی ژورنالیزم» پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲ش.
 - ستایشنامه ی «مجمع صلح افغانستان» در سال ۱۳۸۶ش.
 - ستایشنامه ی «شورای ژورنالیستان افغانستان» در سال ۱۳۹۳ش.
 - ستایشنامه ی «مشرانو جرگه ی افغانستان» در سال ۱۳۹۶ش.



M. Tariq Bazger
Redaktør Dawat Media

National mission

By:
Mustafa Omarzai



ISBN: 978-82-691395-3-2

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**